

همه قدم مراسمات از این سلطنت عالییه می بینند و بواسطه حسن سلوک دولت باینوقت ، مذهب آنان نیز در خیر حوام این سلطنت عظمی دقیقه از دقیقه را فروگذار نمی نمایند - امروز همه گونه اسباب ترقی برای ایران و ایرانیان از برکت وجود این شاهنشاه معظم آماده و مهیا گردیده - پس ما رعایای جان نثار و هواداران این سلطنت عالییه اسلامیه راست که از درون جان و بین دندان بگوئیم زنده باد شاهنشاه ما یابنده باد دولت عالییه ایران (جمع) مجلسیان بزنده باد اعلیحضرت ، مظهرالدین شاهنشاه ایران و پابندگی دولت قدیم قویم ایران هم آوار گردیدند (جمع) از آن بعد دعای ازدیاد عمر و اقبال ، و شاهنشاه معظم اعلیحضرت ، عطفه لدین بادشاه و اعلیحضرت ادورده هم اتحاد و یگانگی دو این قوی شوکتین ایران و اسکاتلند دعای آورده مجلسیان اظهار مسرت و بشاشت فوق العاده نمودند سپس تقدس مآب پی اچ حک صاحب کشیش بر برگ

ارامنه بر پای خسته بدین قسم نطق داد
(ملخص نطق جناب تقدس مآب کشیش بزرگ)
(ارامنه کلمه)
(پی - اچ حک صاحب)

آقایان عظام - من از جانب خلیفه اعظم که مخصوصاً در این مجلس مدعو بودند و قبل ارامنه در این مجلس میمون بجانب اروپا رهسپار شدند از اعضای انجمن مبارکه مظفری شکرگذاری می نمایم که این موقع مهم را اردست نداده خون شاه برستی را در عروق ما ایرانیان محوش آوردند و نیز از جانب ملت ارامنه تشکر می نمایم که موقع همدردی و ابرار اخوت و اتحاد هم وطنی برای ما ایرانیان هم از ارامنه و مسلمان دست داده - چه قدر مناسب است که بمقتضای (شکر نعمت نعمت فروز آمد) در این یوم مبارک که عید مولود مسعود و این نعمت ماست تشکرات عمیمی ارامنه ایرارا که در ظل سایه پروردگار با کمال آسایش و راحت و آزادی بسر می برند به ما هم ملت ارامنه در وطن عزیز خود یعنی ایران همه گونه آسایش و آزادی دارند و در خیر خواهی سلطنت و ملک و ملت ایران سهیم بوده و خواهند بود - از خداوند مستانت داریم که همواره دولت قوی شوکت ایرارا برقرار گذارد و بر ترقی و ازدیاد عمر و اقبال اعلیحضرت شاهنشاه ماجدار با بفرزاید (بعداً مجلسیان صداهارا بزنده باد اعلیحضرت مظفرالدین

شاهنشاه ما و پابنده باد دولت عالییه ایران بلند نمودند) از آن بعد (مستزای - دبیرس) چنین آغاز سخن نمود - من از جانب خود و فرد فرد ملت خویش از اعضای انجمن مبارکه مدبری کلاکته ، متشکر و ممنون هستم که از راه شاه برستی چنین مجامع عالی تریب و جمیع هموطنان عزیز خود را موقع ابرار دولت خواهی داده طاعا را نیز دعوت نموده اند که بیک دیگر تبریک گفته نهایت مولود دت تقدس و این نعمت خود بگوئیم - ما نیز بکمال مسرت خاطر تبریک بن عید و نهایت مسرت مولود اعلیحضرت ، مظهرالدین شاهنشاه ایرارا می نمایم و از درون جان طول عمر و اقبال بیرون اعلیحضرت شاهنشاهی و خانواده سلطنت عظمی را خواهانیم

(بار ب دعای حسنه دلان مستجاب باد) (مسرت) سپس نظم انجمن مدعوین را بر سر میز خوانده صرف شربت و شیرین و جانی و دستی شد - و سه ساعت طرب بنوای تبریک و نهایت تزیین بود - ساعت هشت شب وقتیکه مدعوین در جناح حرکت بودند مستر (ارتور) که از ارامنه اصفهان و از تجار محترمی است که در مقاله اول توقف دارد برای

جناب ، مؤید الاسلام ، ما ملت ارامنه کلاکته که ابرار وطن عزیز و آن حاکم باک را مادر حقی خود تصور می نمایم چه قدر خوش بخت هستیم که سر ابراداران وطن ما در چنین موقع مهم و جشن عظیمه ما را یاد نموده اند - و میتوان گفت که در جمیع بلاد خارج این اوابی جشن ملی است که جمیع اهالی وطن عزیز از بیروت ، مذهب ، جسم پوشیده تا بکی تبت و صفای عنایت در یک نقطه انجمن شده توام داد بادشاه برستی و ملت خواهر ، میدهند نیکی کور سعادت یک قوم و ملت اتحاد مضوی است و این اتحادیکه برای ما ایرانیان حاصل شده از برکت این انجمن ملی است که بنام نامی و این نعمت کل ایرانیان موسوم است امیدواریم که در زیر آسمان ایران با اقبال و شوکت این جشن مبارک را قرنها گرفته و بیکدیگر نهایت و تبریک گفت باواز بلند از بین دندان بگوئیم زنده باد شاهنشاه ایران و پابنده باد دولت مجلسیان (جمع مجلسیان پسران)

با و نیز بقدر صداهارا درم انداخته بوضع بسیار مطبوع
 سه مرتبه موراً کعبه از دیار عمر و عزت و اقبال
 اعلی حضرت عیون را از درگاه احدیت مسألت نموده با
 منتهای فرح و اجماع يك يك بمرأه خود بازگفت نمودند
 ﴿لا طری مخصوص برای تعلیم و تربیت اطفال﴾
 (بی بضاعت مدرسه مظفری کلکته)

در همین روز بیون مبارک اعضای انجمن مبارک
 مظفری کلکته برای اقامه تعلیم و تربیت اطفال
 بی بضاعت (مدرسه مظفری) که سرپرستی این انجمن
 دائر و بالغ بر چهل طفل مجازاً تعلیم و تربیت می باشد
 پنج هزار روپیه انعام گذارده و بیست و پنج هزار بلیت
 طبع کرده فی یک روپیه قیمت نهادماند که هر قدر پس
 از وضع انعام و مصارف آن بلیت بفروش رسد در
 صندوق انجمن جمع و برای صرف تعلیم اطفال مقرر
 باشد و این بلیتها در دو زمان طبع شده انگلیسی
 و فارسی و دویست نفر در این پنج هزار روپیه انعام
 خواهند یافت - انعام اول هزار و دویست پنجاه روپیه
 و آخرین انعام چهار روپیه است بعبارة اطری
 کسیکه يك روپیه برای خرید يك بلیت طبع گذارد ممکن
 است هزار و دویست و پنجاه روپیه انعام بنامش بیرون آید -
 و یا لاقلاً در دویست نمره اگر نمره آخر نیز بنامش بر آید باز
 قاعده حاصل نموده است و بهر حال با يك روپیه در قطع نوع
 قصان کرده یا مبنی قائم برده بنوع هم قطع رسانیده
 است چون در خواتم ای همی يك قریانه قرار شاق
 است که از هدهه مصارف عظیمة آن بیرون آید این
 وضع اختیار شده که بر يك نفر گران نیاید و اجرای
 عمل خیری هم شده باشد - در حقیقت شرکت درین گونه
 اعمال هم ثواب است و هم حرماً - برای فروش بلیتهای
 این لاطری يك سال مقرر است - سال آینده در بوم جشن
 و عید میلاد هابونی در حضور عامه بلیتها کشیده شده
 انعام بنام هر کس بیرون آید باسم و نمره و بلد
 در حبل المتین اشاعت خواهد یافت - بلیتهای این لاطری
 در خارج هند نیز بمصرف خواهد رسید - هر کتاب
 که یازده بلیت است يك بلیت حق فروشنده میباشد

تأسیف

جناب مستطاب آقا سید محمود تاجر کاندوونی که از
 اهل تاجر محترم شیراز و بیست سال عمر بنده پو شهر

مشغول تجارت بود و چند سال هم در پیش ایلوا
 تجارتی داشت و اینک نیز در شیراز دستگام تاجر نشان
 وسیع و جناب مستطاب آقا سید محمد تاجر کاندوونی با که
 امروزه در قطار و شهر لولیع تاجر ایرانی بهی است
 همین برادر و جناب مستطاب آقا سید محمد رضا را که
 محترم ترین تاجر پو شهراند و الله بزرگوار بود بواسطه
 کسالت مزاجی که سالها بدان مبتلا و نیز نزد هشتاد و
 خوی مرض منغوس و با قاصی حق را اجابت و به
 بهت جلودان خرابید

از شیراز تلگرافاً این خبر تألم اثر را بجناب هدهه
 التاجر حاجی عبدالرسول تاجر پو شهری داده مدارالیه
 مجلس فائمه آراسته با جمعی از معززین جناب مستطاب
 آقا سید محمد رضا محل ار چند آن مرحوم را این خبر
 وحشت اثر داده در سر ختم آوردند

این خبر وقتی به پیش رسید که جناب مستطاب
 آقا سید محمد کاندوونی که کوی برادر آن مرحوم است
 بواسطه سورت گرما در بیلاقی بود و در وصول این
 خبر مصادف با جشن میلاد هابونی بود و محرم تاجر
 محترم بحسب دعوتنامه مخصوص آقای وزیر متیم در پوه
 تشریف برده این خبر را افشا نکردند تا اینکه جشن
 میلاد هابونی سورت تمام گذشته صبح بانوهم مجلس فائمه
 منعقد و جمیع تاجر محترم و عماید و بزرگان ایرانی دو
 عمارت آقا سید محمد صاحب تاجر کاندوونی رفته خبر داده
 ایشان را در مجلس ختم حاضر نمودند - و جناب مستطاب
 آقای وزیر متیم نیز شرکت فرمودند - فائمه بسیار پر
 شکوه گرفت و جناب مستطاب آقا سید محمد صاحب تاجر
 کاندوونی در عمارت عالی خود ایشان اطعام عمیانه نیز نمودند
 آقا سید محمود مرحوم از تاجر محترم طبر با دیانت
 و سادات جلیل القدر بود و از صفای نیت و پاکى عقیدت
 حیاتی بیزت نمود و رجالی بیزت کرد و در خانة او باز
 و دستگام تجارتش کاکان برقرار است و خداوند لسمه
 خود را از فرزندان رشید مطلق کاردان بیروی تمام کرده بود
 اعضایی اداره جبل القین نیز در تألم درین مصیبت
 با جنابان آقا سید محمد و آقا سید محمد رضا تاجران
 کاندوونی که کوی برادر و همین فرزند آن مرحوم بودند
 شریک و بقیای عمر و عزت ایشان و بیفرت آن مرحوم
 و از آن بزرگان شهرت بیست ساله این فائمه

بجای مکتوب غیرخواهانه

(بک جنبه سیکر فافل شدی)

(صد ساله راحت دور شد)

در روزنامه مقدس جبل‌الذین شماره (۴۸) که دستورالعمل (جنرال کروپاتسکی) وزیر جنگ دولت روس که اکنون در اقصای شرق سردار سپاه جبار درویش و در دایره عساکر خوبخوار دولت ژاپون است در باب حمله روسیای بر وسط آسیا که از اخبار لندن ترجمه شده بود بهقت ملاحظه نمود. این گونه خیالات دشمنان در حق ایرانیان قدیمی است و تازه کی ندارد - نخستین (پلرکپور) پادشاه روس بود که قدم درخالد ایران نهاد و بعد از آن با دولت عثمانی در تقسیم ایران معاهده کرده میبند شد. ولی امرحمت لم یزلی نادرشاه افشار بیک اقدامات قادرانه این معاهده و اتحاد را از بیخ و بن برانداخت - مع هذا درین صد ساله اخیره روسیای (چه بقل و چه بقل چه بزور و چه بزر) آمده آمده پیش می آیند - و این تازه کی ندارد و جای تعجب نیست - ولی جای تعجب و تأسف ایجا است که ما هنوز تا امروز همچو اصحاب کف بجواب اندریم و بیدار و هشیار نمیشویم - دیروز مسوع شد که امتیاز راه آهن حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام و التکریم بخار بلجیک داده شد - امتیاز راه آهن اسپم مزید آن گردید - امروز در اخبارها می نویسند که آن امتیازات که مال روس بود برانیه واگذار نموده

ما باید بموجب شریعت اسلام بهرکار اقدام کرده و انجام دهیم - یا اقلاً تقلید وناسی از نصاری بنماییم - اعطای اینگونه امتیازات بهمسایگان نباید موافق شریعت مطهره اسلام باشد - و هرگاه گفته شود که بموجب قانون دول فرنگ داده شده آنها پذیرائی ندارد همانا قانون دول فرنگستان بر این است که هرگاه بخوانند امتیازی بخارج یا داخله بدهند ازوزارت نافع شروع شده با بوزارت لشکر در این چند اداره شور و مشورت می شود بعد از تحصیل رضایت و قبولیت آنها باامضای صدارت و سلطنت میرسد در صورتی که میرحوم حاجی معین‌الدوله که کلام آن رهنمون مقام میزان ایران بود بارها بهویاب اعطای امتیاز راه آهن بخارجی قاضی بزبان دیگری باشد فرموده که (در هر حال می توانیم تا کسی است)

فکر زحیل‌الذین اظهار داشته که (داوا از وقوع خاستگی به بیگانه مایه هزارگونه خرابی خانه اسود و با للمحب که هیچیک از این تقریرات و تحریرات را در سابق قابل ولایت اعتدال و الفات ندانسته و پذیرائی نکرد پس در پی امتیازات خانه بر انداز به بیگانگان داد (بدوزد شره دبدقه مو شمشیر) (در آرد طمع مرغ و مایه میند)

یکی از شرایط خانه بر انداز استقرض برای این چنین روز است که اگر خدا نخواسته در چند شهر دیگر ناخوشی و با شایع شود و یک قسط بوقت و موقع نرسایم حکم آر قرار نامه جاری و ساری تواند شد باری مقصود از این مقدمات هزارادری از گذشت نیست بلکه جلوگیری از معایب آینده است - لهذا امید میدارم که وزارت حالیه عثمانی نخستین قانونی بگذارد و موکداً امر و مقرر فرماید که اعطای امتیازات به بیگانگان در مکت ایران موقوف باشد تا انشاء الله تعالی اسباب آسایش ایرانیان و آرایش ایران بدستاری تبعه درازت علیه فراهم آید - و وطن عزیز ما را در کمال سرعت دارای همه چیز شده و مقام عظمت و حشمت قدیمه برگردد بمونافقه و حسن توفیق

نظام نامه مدرسه عضدیّه

بندر انزلی

یکتا خداوند را ستایش سزااست که نوع انسان را بزور عقل و زینت عم مفتخر فرمود - تا بقوه عاقله صواب را از خطا و بینائی را از عمی بداند و باین گونه ناپسند هدایت را از ضلالت جدا ساخته بشمره خلعت و نتیجه آفرینش خود فائز گردد - درود ناممذود و رحمت غیر محدود بره از رسول مکرم و سفیر منعم او عمه مصطفی (صلم) باد که کتب مقدسش تریاق افح است برای سموم آفة و برهان اقدسش اکبر اعظم است جبهه اصلاح قلوب قاسیه تحیات زاکیات بر اهل بیت او باد که مقابح هدایت اند و مصایح رحمت - خصوصاً دره التناج عصمت و ولایت - واسطه فیوضات التندسیه و الروابط الالطیه - حقیقه القاعد و المشهود و عمرة طالم الذب و الشهود حر آن الایریه و آة لواحدیه حجة ابن الحسن السکری عجل الله فرجه و نورافه عیوننا بزینت جماله الکریم و جلاله المنجح الهم آمین یا رب العالمین

شماره ۲۵ - مجله جامی الگانی (۱۳۷۲) - خرداد ۱۳۷۲ - دوازدهم - ستمبر (۱۹۵۴) - شماره ۶

(۴) درجه دوم صرف و نحو عربی - منطق - معانی و بیان تفسیر - تواریخ عربیه - ادبیات

(۵) درجه سیم صنایع از قبیل نقاشی و السنه خارجیه و جنرائق - و هیئت ولی دخول در این درجه و تحصیل السنه خارجیه منوط به تکمیل درجه اول و دوم و تصحیح عقاید است

(۶) درجه چهارم فقه و اصول - کلام و حکمت

(۷) تکالیف اجزاء حل عقد امور بیه کفایت مدیر کل است هر سه ماه یکمرتبه مجلس امتحان حضور مدیر و وکلای محترمین و اهل علم داده میشود

(۸) دعوت نامه حضار از طرف مدیر کل فرستاده خواهد شد

(۹) سالی یکمرتبه امتحان عمومی داده پس از امتحان نشان افتخاری علمی مدرسه عضدی به بدانداز ترقیات اطفال داده میشود

(۱۰) نشان مدرسه از ترقیه باین درجک است

مرحبا و آفرین - عزت - افتخار - شرافت - عضدی

(۱۱) مخارج نشان افتخاری مدرسه فقط از کسبه قوت شخص مدیر است

(۱۲) در هر سه ماه خرج و دخل مدرسه با حضور وکلاء و معاونین و اولیای اطفال رسیدگی خواهد شد

(۱۳) هر روز شخص ناظم ترتیب درجه شاگردان مدرسه را بدقت ملاحظه نموده حاضر و غایب کرده تا هر کدام غایبند احضار نماید

(۱۴) هر کدام از شاگردان بدون عذر شرعی تا پنجروز هرگاه بمدرسه حاضر نشوند دیگر حق دخول مدرسه را ندارند (باقی دارد)

مکتوب بی غرضانه
(قابل توجه حکام و الامام)

در ده سال گذشته بعضی از بلاد ایران به بلای و ما مبتلا گردید خصوصاً طهران و مشهد مقدس و یزد سکه شرحی از ناخوشی آنجا مسوع شد و بسیاری از بندگان خدا بد بختانه تلف شدند و عنت شدت بیماری و سختی آن سکتت کسافت و عدم نضافت و باسکتت بزرگی شهر و نبودن حکیم حاذق بود - و فرضاً در یکسفر امتثال معصیه مقدس با یزد اگر یک قوه قهریاست لفر حکیم حاذق بیهل بنگونه

بجانب او ان طبعته اقتران سکه اورنگ
جهانبانی ایران عزیز بذات اقدس خسرو دادسکتت
معدلت بروم اعلیحضرت مظفرالدین شاه خلداده ملکه
و ابدافه هنرم گردیده نسایم جان بخش علوم و معارف را
جنبشی اصله . رایج فرح افزای مدنیت را از قبیل
یوسف عدل اهتزازی و اصل - دیده مهجورانرا نوری
و قلوب دود مندان را سروری - هر روز از گوشه مزده
نوشه و از ناحیق نوای هدایتی بتد گردیده - دو هر
هفته جراید اسلامی بشارت افتتاح دارالطبی . و بعد
مدرسه - عادت بو شهر خیر از سعادت و نیک بختی مستعمل
میدهد و مصطفی وطن رشت تشویق بر حب وطن
میداید - (شرافت) کردستان مارا محبر از شرافت آب و خاک
مقدس میسازد - (باقریه) اصفهان اعلان شکافتن ارض
جهل و نادانی میفاید - کلیه مدارس مقدسه مظفریه بیاتک
خوش و نوای دلکش میسرایند که (این همه آوازه ازشه بود)
محض اطلاع برادران اسلامی این سنده قالی نصرافه
واعظ اصفهانی هم بشارت میدهد که (کل بود بسیره
نیز آراسته شد) در زمان حکمرانی غمره باسره سلطنت
و تاجداری حضرت مستطاب والا شاعنشاهزاده
عضدالسلطان و معاونت و اهتام غیرتمندان اهالی انزلی
بتقویت و معاضدت عهد الامراء العظام میرزا عباس خان
عمید هابون نایب الحکومه در شهر ربیع الاول مدرسه
مبارککة (عضدی) در بندر انزلی تأسیس شده -
نظامنامه از قرار ذیل است

(اول) اجزاء محترم این مدرسه عبارت از مدیر و
چهار نفر وکیل و امین صندوق و ناظم و معلم و دفتردار
و دو سر فراش است -
(دوم) مدیر مدرسه جناب عمید هابون نایب
الحکومه - و وکلای محترم جناب حاجی معتمدالمالک -
و امین صندوق و وکیل جناب حاجی میر مصطفی
امینالتجار - جناب حاجی قوامالتجار - جناب
معینالتجار - جناب حاجی فرج الله تاجر بادکوبه . . .
معلم میرزا محمود دامغانی سلمه الله - ناظم معتمدالسلطان
معتمدالتجار - دفتردار آقا میراصلان خان مؤبد دیوان
(۳) درجات تحصیل چهار درجه - اول الف باء فارسی -
قرآن و علم تجویذ - اخلاقی فارسی - تاریخ اسلام و ایران
رسائل فارسیه در مسائل دینیه - لغات فارسی و حساب

از عهد تبار چند هزار پیار می توانست برآید -
 از همه جا بدتر شهر یزد بود در آنجا يك نهر یا جوی
 می باشد که در زیر زمین های خنیا عبور میکند و غسالخانه
 هم در همان زیر زمین ساخته اند در حاق که غسالخانه معلو
 از اموات بود و بی دری می شستند و از طرف دیگر
 خنیا در مسایه مرد شورخانه بود از همان آب بر میداشتند
 و اشخاصی که از ناخوشی و یا فوت شده بودند در مقابل
 مسجد یا در پیشگاه امام زاده ها که در میان شهر واقع
 بود دفن میکردند - و این منحصر به یزد نه بود در امصار
 دیگر هم حال بدن منوال می گذشت که یکطرف اموات را
 غسل میدادند و از طرف دیگر در خانه مسایه از همان
 آب برای مطبخ و آشامیدن بر میداشتند - و مرده ها
 در میان شهر دفن میشدند و این علاوه و مزید علت های
 دیگر گردید اکنون شنیده میشود که مجدداً ناخوشی
 و یارو به بعضی از بلاد ایران نهاده - در صورتیکه
 يك طرف از طهران و یکطرف از عموره براه افتاده
 گمان میرد که خدا نکرده بچند شهر دیگر هم سرایت
 کند - برخی از حکام والا مقام امر بپاک کردن کوچه ها
 و برداشتن کثافات کرده اند - فرضاً تمام کوچه های يك
 دوشهر پاک و پاکیزه گردید ولی با کثافت داخلی خنیا که
 تحصیل از عهد هیچ نامه و نامه نخواهد آمد چه
 میتوانست کرد (مای از هر کجند گردد فی زدم)
 از آنجا که جلالتین ص رواج تربیت و تمدن را
 آبی مین است و مدیر محترم آن در هر گونه حیر خواهی
 ملت ایران احوال و صعوباتی فرموده - در ده سال
 گذشته بارها بیان نمودند که پزشکان زردشتی که اصلاً
 ایرانی و موسوم بفارسی می باشند در سراسر تربیت پیشی و
 کثرت تحصیل کرده و در لندن تکمیل یافته اند بلکه آنان که
 در مدارس هندوستان تکمیل یافته اند هم حانق ولایتند بلکه
 زنان ایمن هم تحصیل علوم طب و جراحی و غیره بوجه
 اکل نموده اند خوب است اولیاء دولت علیه ده دست
 نقر از پزشکان فارسی بجهت بنادر فارس طلب فرمایند
 که بچاران آنصناعات را معالجه کرده و اطفال را آبه
 کوبی نموده و بیماری های خارجه را هم جلوگیری کنند
 بنده - بجناب پروردگار که این مطلب را زیاده ازده باردو آن
 اخبار گاه تحصیل و گاهی مختصر بدهد و بخواهد نام بلکه
 چراغی بر روی مردم صراط بیعتند بارها از جلیلین

قتل نموده و علاج واقعه را قبل از وقوع خاستند
 شدند ولی بصلت جیبالاتی و زیر سابق سود نچشود بلکه
 بواسطه نبودن قرنطینه در خلیج فارس بر ضرر افزوا
 چون اکنون ناخوشی و ما طرا مبتلا کرده است
 هرگاه حکام والا مقام چند نفر از پزشکان حانق فارسی
 بجهت بنادر فارس طلب فرمایند که جلوگیری از طاهون
 و وبا کنند خیلی خوب خواهد شد چه بسیار ظاهر
 و آشکار است که بسیاری از زنان در حکام وضع حمل
 یا بعد از فراغت از عدم علوم و کفایت قابله ها فوت
 میشوند یا گرفتار انواع بیماری میگردند یا اطفالشان
 هنگام تولد یا بعد از چند روز تلف میشوند - زنان زردشتی
 مقیمین هندوستان خاصه بمبئی در این کارها حذقت
 و مهارت یافته و در علوم لازمه تکمیل شده اند - اگر
 چند نفر از نسوان قابله هم طلیده شوند طایه احیای
 عالی نوانند شد [من احیاءاً فکانا احیاء الناس حیماً]
 صرته و فونذ این کار باید هموم ناس و نوابش
 رای دولت جاوید اساس خواهد بود

مال کار نابکار یزید پلید در دنیا
 (نمره - يك)

این قصه عجیب و غریب را چندی قبل یکی از
 رسالجات عربی مصر نگاشته بود چون خالی از لطف و
 غرابت نبود عیناً به ترجمه آن پرداختند که بعد از جنگ
 صفین بین حضرت امیر المؤمنین شاه ولایت پناه علیه
 آلاف التحية و الثناء و معاویه ابن ابوسفیان امیر شام
 روزی از روزها حجر ابن عدی الکندی عبوراً بشام
 رفته وارد مجلس امیر شام گردید - با اهت و شجاعت
 فطری که در نهادش متمکن و از شجاعان عرب و اصحاب
 امیر المؤمنین بود در مجلس در صف ستادید عرب که امرای
 مجلس امیر معاویه بودند خود را جای داد - امیر شام خیره
 خیره در او نگریسته گفت [انتب یا ایها القادمان]
 حجر گفت من اصحاب امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب
 [و من قاتلک فی حرب الصفین] معاویه بر آشت و بطور
 استخفاف پرسید [ملال صاحبک] یا شیخ - حجر تکیه
 بر سپر خود نموده و دست بر قبضه شمشیر خود نهاده گفت
 [یا ابا یزید القلوب الی ایضناک یا لنی صدورنا و لیسوف
 الی قاتلک یا لنی عواتنا - ان قدمت الینا شراً قدمنا
 الیک ذراعا وان قدمت الینا ذراعا ضعمنا الیک باءاً الیک]

ایک یا ابا یزید [پرده نشینان امیرشام چون این سخنان گستاخانه از حجر شنیدند . معاویه را به اندرون احضار کرده پرسیدند که کیست این مرد تازه وارد که اینگونه بد ربانی میکند و نواز او ساکت و صامق ابر معاویه گنت ساکت بنشید که این مرد حجر ابن عدی الکندی است که از حزب علی ابن ابیطالب بوده و شکست لشکر شام در حنین از شمشیر این بود و این مرد کسی است که اگر سوار شود ده هزار سوار همراهش سوار میشوند و اگر پیاده برآید بیست هزار پیاده همپایش روان میشوند - بالاخره معاویه او را دعوت بطعام داده و بچاره را زهر خورانیده به اسلافش فرستاد - چون خبر آن فضاحت به عدی پدر حجر رسید از قبیله خود برآمده و بدشوق رفته بیابان قبر حجر معتکف شده ندوی چند نمود که انتقام خون پسر را از معاویه یا پسرش بگیرد و قدری زهر همراه خود گرفته میداشت که وقت فرصت و هنگام ضرورت آنرا بکار برد - از جانب دیگر ساسی دختر حصرم همین نیت ترک وطن کرده همراه اهل بیت پنجم بکر بلا رفته و همراه امرا بعد از شهادت امام حسن بن علی علیه السلام و موالیایش شام و از آنجا بدینه و سپس بشام باز رفت از وی دیگر عامر رادر عدی و عبدالرحمن برادر زاده عدی بجهتجوی ساسی و عدی که بر بیزگاری شهرت یافته بود از وطن برون آمدند - در اطراف بیابان ها حاسراغ گشتگان خود میگرفتند هر کسی موافق مان و قیاس خود آن بچارگان را محاقی دلالت میکرد و راه محاقی می بردند و حرن و سرگردان جستجوی عدی بچاره پسر مرده بودند - اما ساسی دختر حجر تا مدت دو سال و چیزی در دو مجرا در حالت آشفنگی و پریشانی بسر می برد و بر بیزگارم [یعنی عدی] بهمان حالت دریشی همراهش بود - بنام این دختر و بر بیزگار از شناسائی به بگازگی والدت پیوست و حال آنکه بچاره نمانست که بر پاکدامن جاوی است از این بگازگی و حال واحدی کار بچاقی رسید که مصایب پدر را فراموش کند - اگر گاه گاهی ذکر نام معشوقش عبدالرحمن پسر عرش در میان نمی آمده آینه مصیبت قتل پدر را فراموش میکرد - و هر گاه بیاد عبدالرحمن می افتاد یا اتفاقاً ذکر او در میان می آمد در درباری خیالات و

تلمات مستغرق میشدند و گاهی اتمخیال میکرد که شاید هنوز در قید حیات باشد و تجدید آرزو بیدار او میکرد - اما طولی نمی کشید که نوبیدی و باس بر او غلبه میکرد و در حالت مشغول گریه و زاری و ناله و بیقراری می آمد و بر بیزگارم نمیتوانست که او را به خبر صریح و آگاهی قطعی نسلی رشدت عطر شوق او را نشانی دهد - حتی آنکه روزی از روزها هنگام صباح ساسی دید که مردم دیر بچراه هم در هم اوقصاده مضطربانه مشغول زینت و آئین بندی دیر و ابواب و درجهای دیر و فرش صحن و کشتن گوسفندان و غیره مشغولند - ساسی از کیفیت این استعداد ضیافت پرسید خدمه دیر گفتند که حایفه یزید ابن معاویه برای شکار بحوران می رود لابد است که از این کلیسیا عبور کرده رود و شاید يك روز یا دو روز هم اینجا بماند ساسی بمجرد شنیدن این خبر دل در سینه اش لرزیده و درد و مصیبت در بدنی خود را بخاطر گذرانید مگر خودداری کرده دیدن پسر بر بیزگار شتافت و چون نزدیک وی رسید دید که پسر دیا دیده مستغرق الحیال زیر درختی نشسته و با عصای دست خود چیزی بر زمین مینگارد و مانند کسی است که متفکر بر امر بسیار مهمی است و گویا مدتی است که در آن دامنه متفکر ساکت و صامت است ساسی چون نزدیک او رسید پسر بر بیزگار چشم خود را بر او اندوده در حالتیکه چشمانش مانند دو شعله آتش می درخشید در گفتگو پیش دستی نموده فرمود ای دخترك وقت نزدیک شده است که شکار گریخته در دام افتد این دهنه هم از دستت میگریزد یا نه ساسی فوراً هانت مسئله شده تجدید امید انتقام در دهنش خطور کرده بدون خودداری جواب داد که امیدواریم این دهنه شکار گریخته از دست نرود - خداوند تبارك و تعالی یار و یاور ماست - پسر دستی گفت ای دخترك من ساسی بدان و آگاه باش که یزید امروز هنگام شام باین دیر میرسد و يك شب هم بماند که قدری استراحت بکند و پس از آن روانه بحوران میشود اگر بتوانی کاری بکنی که دوز و مصیبت از ما فراموش بشود - فتنها حزن و اندوه ما بخوشی و سرور تبدیل گردد - بلکه این شهر عظیم مستغنی و مهم از گردن مسلمانان بر داشته است ساسی قدری در اندیشه بود

بازار کوفته (جای کتابی) (۱۳۲۶) - سال دوازدهم - شماره ۱۱۱۱ (ص ۱۱۱۱)

وقتی بدگفتن الهامات عالی بیاری بازی خواهم کرد - اما بچاتم که به ذرات بخت مرا مسافرت میکند در بازار حیدرآباد را بینم نامه آ. آ. آ. پیر باگرات گفت اگر تو در اینکار کامیاب شوی و کار این مرد را بسازی هر آینه حیدرآباد را احیا کرده و او را از زمره سردگان برانداخته (شاهی) بلرزه در القناده گفت بنی معلوم میشود که تو سحر صریح موت او را داری پیر گفت نه و لیس گز - بلکه آرزوی من این است که بدان مجله بابت کرد و خداوند عالم بر مظلومان است و اگر در قدرت تو داشته شده است که عبدالرحمن را در این دنیا به بینی تا صورت و نظیر او را ندیده و با یکدیگر با سعادت و همیشه و عشرت زندگی نخواهد کرد - و زنده در آخرت او را حواصن یافت و انتقام خون پدر و اهل بیت زان گرفت و این تو را کافی است (باقی دارد)

تهدیب اخلاق

یکی از اسامی خدمت شریفه و اطلاع بلا و دیگرم عدم رعایت خود این اعتراضی است که با ضعف و کمی عدد روزنامه جات در ایران مگر بیک بی الصافی که آنوقت طرف حروفش را هم مجبور بمقابله غیر صحیحه کند هیچ جواب منطقی ندارد

جناب مدیر تریا در لغزش خود متذکر باشند ماده چهارم آنکه صاحب مکتوب میگوید کسیکه وطن خود را دوست داشته باشد چگونه اینقدر تکذیب میکند - طبل شبیه است به این قضیه که یک شخص کرد عبور میکرد از جلوی یک مکتب خانه دید یک معطلی بای یک طفل کوچکی را بسته است و جوب میزند آمد پیش ملاگفت اگر انصاف داری چرا اینقدر را میگوئی - جواب داد از برای تربیت - گفت تربیت که بشود چه میشود - گفت آدم میشود - پرسید اگر آدم بعد چه میشود گفت مثل تو میشود - اگر آدم شود چه میشود گفت مثل من میشود گفت ملا نه چند قرآن پیل داری - گفت هیچ گفت بس او را آزار مده که مثل من باشد که صد قرآن پیل دارم - دویست تا هم گوشتند

حالا محتمل است اوقات صاحب مکتوب تلخ شود که دیگر در مقام میبخش نبود در وطن ما که جبل المتین به تربیت ما قیام کند - بی آسایان اگر دانست میشود شهرت و مقام منوار - بجای اینکه سزا بجای مثال شود

گردد خودمان را در تحت نظام بیاوریم رقیب تو تر از خاتج آوزدم حاکم در تحت نیت او عمل کرد و انتظام بدیم - امروز جزء رؤسای بزرگ وطن ما شده است - دلیل از هیکل (وسیون) بزرگ تر ندارم که قریباً دویست کیلو وزن دارد و آنکه خوب است اگر خجالت نمیکنیم متقی خجالت را بشیم و سکوت کنیم در ماده اینکه میگوید صاحب مکتوب که نیت است فلان خفیة نویس اجاب است و خود آشکارا نویس اجاب است اما خفیة نویس فلان را مینویسد که کتب است صاحب مکتوب محرمانه هويت خود را ظاهر ندارند اما خفیة نویس فلان معلوم بشود - لا آنچه در آشکار نویسی - میگوید اینکه جبل المتین آشکار مینویسد آنچه می است که در سال قبل خفیة نویسها نوشته اند اگر آنچه که امروز در پرده است میخواهد بدانیید مردم مطلع هستند اجزای بدعید که در صحاح درج شود تا صحیح از سقیم و کج از راست معلوم شود گذشته از اینها این بحث شما باید بر (تایمس) لندن و (مان) فرانسه وارد شود که روزنامه های است صح در لندن طبع میشود عصر در پاریس نشر میشود و روزنامه های پاریس شام در لندن است - و تمام مطالبی که در خصوص اوضاع حکومت و جریان امورات است بموقع مذاکره میگنایند و هر کدام قابل قبیح است قبیح میکنند و هر چه درخور تنقید است تنقید و آنچه که شان از برای تردیدست تردید (مگر روزنامه نیم روسی روس شش ماه قبل بمینوش که انگلیس ما با تکلیف میکنند... که باید تقسیم کرد ما قبول نمیکنیم) ما مگر بپیر از بعضی افعال که قابل ذکر نیست معلومانی ماند که سفرای اجاب ندادیم؟ هیات هیات حیف از زحمت قلم و سوزش این قوه کار و وقت من که در اینوقت شب صرف میکنم ماده پنجم مظلوم بزرگ صاحب مکتوب در مسئله صدر اعظم است و تکفیر - اولاً تمام مردم بدانند که منتخب شخصی من اینست که هر کس بر وطن خود خیانت کرد کافر میدانم - خواه صدراعظم باشد یا رئیس اکرم ولی من مد ناده یک نفر صدر معزول ایران که تصبیح است یا ششم هیچ گفتگو ندارم - میگوید که از نظای اعلام سوال شد گفتند این بهائیت است و اطلاع نداریم این نسبت به آنرا غلط است بهائی اعلام که ظنون

تصور جهال است. اولاً علای اطلاع میبایند که اگر خلاصاً تماماً جمع شوند در يك موقع و بگویند صدر اعظم مسالمت بر حسب يك قاعده علمی که در دست است قابل قبول نیست فرمایش ایشان چرا (کنم خیر استه الخرجت الناس بأمرهم بالمعروف وینهون عن المنکر) یقین است امر بمعروف و نهی از منکر فرض ذمه هر مسلمانی است. و قبیله فرض ذمت هر مسلمانی شد فرض علمای بیشتر است که جلوگیری کنند از اشاعت يك همچو منکری در گامیک هیچ عسر و حرج بر آنها نمی توانست وارد شود. زیرا که در اشاعت حکم تکفیر مال و جان و ناموس صدر اعظم در موقع مخاطره افتاد و نسبت این گناه بزرگ اگر واقعیت نداشت بر ذمه علمای بود که گاهی که اوراق عکسی احکامشان منتشر شد یا پس از سه ماه که جبلالتین درج کرد در اوراق روزنامه فوری بتوسط روزنامه جات داخلی تکذیب میکردند. اگر نمیخواستند بتوسط روزنامه جات تکذیب میکنند تلگرافی بدولت میکردند متفقاً که ایستگاه صحت ندارد و دولت هم بهر نقطه اطلاع میداد که بر حسب امر اعلی حضرت مایونی و تلگراف علماء ایستگاه صحت ندارد. یا اینکه تکلیف شرعی ایشان این هم نه بود اداره جبلالتین که از خودشان بود حرمانه مینوشتند که اوراق حکم تکفیر جعلی است شما تعقیب نکنید یقین است که اگر یکی از این نشیانات شده بود جبلالتین شخصی بود که از حکم رؤساء بزرگ شرع و پادشاه سر بیچی کند. هیچ کدام اینها واقع نعدده بلکه يك مبالغه معینی هم خرج شد در طهران يك ناسخی بیرون آمد که مبدع هیچ فایده نمیتوانست شود. خوانین مصطفوی چون رؤسای شرع و امنای دولت سکوت کردند اگر حرفی وارد شود و بحق بر سکوت آنها وارد خواهد شد فرض کردیم که خیر این حکم علمای نبود چون فرض حال حال نیست باز هم شخص جبلالتین در ایستگاه هیچ مسئولیت قانونی ندارد. چون مدیر يك روزنامه امام نیست که يك شب جهل جا مهبان شود یا يك روز در هشاد شهر سیر کند. فقط در هر شهری چند نفر خبر نگار موثق امین دارد که ناموس آنها هر چون صدق کلمه آنهاست. و اساس روزنامه هم آزاد و ذمه دار درج مطالب مفیده است. و قبیله ورقه رسید که فلان وزیر در دستگاه سلطنت همان خود را باز کرده و

آچه خواست بملای يك ملت گفت. و توهین بملای يك قوم توهین به آئین آنهاست و توهین بدین رسمی يك حکومت در هر قانونی سبب تکفیر است. لذا علمای او را تکفیر کردند. یقین است که از برای يك نفر روزنامه نگار و روزنامه آزاد خبری از این مفید تر و بهتر نمی شود که تأدیب گذشتگان و تنبیه آیندگان هر دو را شامل است و اگر از وضع روزنامه نگاری نویسنده محترم اطلاع داشت میدانست هیچگونه مسئولیت مادی و معنوی بر ذمه جبلالتین نیست. بلکه اگر مسئولی وارد آید بر ذمه سکوت کنندگان است و اگر حالا قیام بضلی شده که باید هشتاد ماه قبل شود یقین است که از دائره مصلحت خارج و جز توهین هیچ نتیجه نه بخشد. یقین است که این القاء شهادت از مسلمین نیست بهتر این است که صحبت دو پرده باشد و آتش فساد مرده (بالی دارد)

مکتوب از طرازون

مؤید الاسلاما - از دخول نامه مقدس به خاک پاک وطن تبریک و تهنیت گفته از قادر و نیاز ی ایشان درخواست مینماید که پیشتر از این خصامالی را با توفیقات سمداییه و تأییدات سعادتیه خود مؤید و مستظرف فرماید که حق را از باطل و مظلوم را از ظلم قریق و بمصدق (واقعه مته نوره ولو سکره المشرکون) پشت گرم گشته به حلات خاشاکه معارف کشان سینه سر سازد

دبستان ناصری

روز بیست و هشتم ربیع الاخر که مصادف ۲۹ ژوئن ماه رومی بود شاگردان دبستان ناصری که به همت غیرتمندان ملت از سال (۱۲۹۸) تاکنون بکمال انتظام بر پا و دایر است. آخرین امتحانات خود را (در حضور جناب ذوالفقار خان قونسل ژنرال و هیئت محترم انجمن دبستان ناصری و همزین گرام که سرک از معارف پروران و برادران اهل سنت و جماعت اند) که باقتضای جنبه جامعه اسلامی زهد حضوراً قبول نموده بودند) بکمال مهارت داده هر يك بفرایط خود استعداد و تحصیل خویش مورد تحسین و تمجید گردیده بعضی بموجب پروگرام دبستان فارغ التحصیل و بعضی از درجه خود به درجات عالییه ارتقاء یافته

تعلق و جابجوسی نیست بلکه منظور از وصف تربیات آن وجان فشاییهای هیئت انجمن و ایضا و تشویق سایر هموطنان است که اقدامات ملت نوازانه ذوات غیور موصوف را سرمشق بخود قرار داده به تعلیم و تربیه نونهالان وطن بکوشند صکه معنی پادشاه پرستی و ملت دوستی و حب وطن را ازکوی ترویج معرفت دسته کورکورانه و اوطان نگویند

چندیست جناب قونسل ژنرال و هیئت انجمن ایدمقامه‌نمائی مکرر اجتماع نموده مذاکره کردند بلکه از خرج دبستان حق‌المقدور کسر نموده و بدخل زیادتی داده مانند دبستان اسلامبول دائرة صناعتی از حیاطی و تجاری وغیره تشکیل نمایند که اطفال فقراء ملت علاوه از علوم جدیده صنعتی هم یاد گرفته و بعد از فراغت از تحصیل پریشان نمانند - ولی بعضی خودغرضان بخرد به ملاحظه اینکه اگر دائرة صنایع در دبستان دائر شود هیئت انجمن لابد هفته دوسه بر اقتصاد مجلس نموده بمشاوره خواهند پرداخت و ما از روزنه مجلس خواهیم نگریست طفره زده طاع از اجرای این امر خیر شد

حق نیرنگ بسیار بکار بردند صکه بلکه فیهابین نمانده دولت و هیئت انجمن رنجش افکنده از دور نماند نمایند ولیکن از حسن تدبیر دور اندیشانه طرفین تیر آملشان بسنگ درآمده مقصودشان بازاری گردید شکر خدای را با این همه عوایق باز زمرمه اقدامات سابقه شنیده میشود

اگر پس از این باز دشمنان معارف از اغراض شخصی و فساد جلی خود در نگذردن محض خدمت بعالم معارف و نونهالان بوستان وطن که از بی آبی و بی باغبانی خودی در چمن زار بیگانه به تشوینهای محدود بردارند باسم و رسم مقصودشان را از این همه طفره‌بازیا بندوبسته خریدم مقدس که یگانه هوادار معارف و نازیانه غیرت ملی است انتشار داده تا به بدی و معارف کشی نام ایشان در صفحه روزگار ابدالدر باقی ماند

خلاصه این‌ها نمیشود مگر از جهالت و نادانی و خود بینی که ادبار استقبال آینده اطفال مصومرا بیک تشخص خشک خالی امروزه خود ترجیح داده میخواهند اساس این بنای مقدسرا متزلزل و متزعزع

(اعتماد تفصیل توزیع العامت بشاگردان را هم در صورت امکان عرض خواهد نمود)

در این دبستان عقاید دینی و لسانیهای عربی و فارسی و ترکی و فرسوی و علوم ابتدائیه از قبیل حساب و هندسه و اخلاق و موالید و جغرافی و رسامی وغیره خوانده میشود - امور دبستان در نهایت انتظام جریان دارد - بطوریکه عرض میکنم که از جمیع مکاتب طرازون که بطرز جدید دائرات منظم تر میباشد وضع انتظام آنرا ازین استنباط میتوان نمود که بعضی برادران اهل سنت و جماعت با وجود اینکه مکاتب باصول جدید دارند اطفال خودرا بدبستان مذکور سپرده اند تمام ملبوسات و مصارف تلامیذ که پیش از چهل نفراند از صندوق دبستان تدارک میشود

جناب قونسل جنرال که مراتب تصب ملیه شان مستقی از عرض و بیان است و سمت ریاست و سر پرستی دبستانرا دارند هفته یکبار هیئت انجمن ناصری تحصیلات طلاب و سایر امور مدرسه را از نظر تفتیش میبکذراتند - در پیشرفت لسان عذبالیسان فارسی که زبان ملیه شاگردان است کمال مواظبت را دارند - و هر روز یخشنبه از دروس فارسی معلم ذی اقتدار شان فاضل یگانه آقا محمد تبریزی معروف بصراف امتحانات خصوصی میبکیرد و در نظافت و انتظام ملبوسی و درجات طلاب منتهای دقت را دارند - حتی روزی نگارنده شرف ملازمت حضور را داشت معلم موصوف و جنابان مشهدی اسمعیل آقا حسن یوف و حاجی محمدعلی آقا امین صدوقی و مشهدی حسن آقا تاجران تبریزی که از متمخنین اعضای انجمن ناصری و از متمولین و غیرتمندان ملت ایرایه‌اند شرف فرمای دبستان موصوف شده همچون پدر مهربان يك يك تفتیش احوال تلامیذ را نمودند در آغیاه برخی از طلاب را صکه لباس مشاهده کرده فوراً مبصر و یواب مدرسه را احضار و غطفن فرمودند مادام که جمیع ملبوس طلاب از صندوق دبستان داده میشود نباید رخت میبیک مدرس باشد و همالیشان اطفال نیز تنیسات لازمه را اجرا فرمودند که عهد اخیال و ش نیاید

باری مقصود از عرض این مراتب مدلسی و

بایند (اللهم اصل في قلبنا نوراً و بصراً و نبها و عیلاً
و حکماً انک علی کل شیء قدير) . خیرخواه ملت

خوب زبون را سرمشق خود بگردان

قرار باید داد

هر طرف نظری اندازیم در روزنامهها ترقی فوق العاده
ژاپون در طریق تمدن جدید جلوه بروز میابد -
و فتوحات متواتره اش بر همسایه لاف زن دل طارا
روشن میسازد - و امیدها و کوششهای مابرا بصورت
می بخشد و همت ما را می افزاید - و نمائش این خیال در
حاطر خطور میکند که حالت متغیره و دائم تغیر پذیر
خود را که در آن واقع شده ایم بخوبی بسنجیم و مطابق
قانون غیر متغیره فطرت طریقه و وضع زندگانی خود را
تغییر دهیم - ژاپون نیز مانند ایران هم دارای تاریخ
قدیم است و هم تاریخ جدید - جای حیرت است که
قومی که چند سال قبل همته در تاسی بوثیره قدم
موصوف و در تصبات مذهبی و تنگ چشمی و تنگ
طرفی معروف بود - چگونه در این زمان بسیار قابل
آنهمه فنون و علوم را تحصیل نموده که جز و اعظم
ترقی و تمدن ماقی تواند بود و هر سنگی که در راه ترقی
او واقع بود و هر مانع و عاقبی که در طریق رسول
بمقاصد طالبه دو جانش میشد همه را همت مرده از
میان برداشته نمره تلمذ اساتذة ماهر فرنگی خود را آنآ
فاناً بدان فرا صکرفت - و در وصول باین مقصود
همت و جرات و صبر و پایداری و حد و جهد وافر
نکار برد تا باین درجه رفیه ارتقا جست - و جود
دولت ژاپون معاف است لاجل صکه سیاسون را
بحیرت انداخته فهمیدن و شناختن وضع و روش
چنان مشکل است صکه ترقی فوق العاده اش را
سنجیدن - یکی از سیاسون امریکا که ساها در ژاپون
اقامت داشته و سیاحت کرده است و بنظر دقت و
تمیق معاملات ژاپونیان را دیده است در یکی از جراید
امریکا مینگارد - که شناختن حالت و فطرت ژاپونیان
امریست بسیار دشوار - علاوه بر فطرت و حالت
ظاهری يك خیال فلسفیه نیز در باطن محرك شان است
که بقناعه و تشکیلات آنها را راضی ساخته است - و
تجربه اش اینست که هرگز ژاپونیان را کسی مغفول

بسیار آب و برف را بجز و آب و شور و شیب نمی بیند -
نه از فتوحات مغرور میشوند و نه از شکست و شکست
و محوم

در حله این معا و طلسم مطلم و مقلل آبی
بنظر میرسد اینست که اولاً این قوم دارای اتحاد ملتی
و دوائی است کانه دولت و ملت بمنزله نفس واحد
میباشند فتح و قبی که میرسد همه راسح است و شکست
و مغزیتیک باید میشود همه در آن سهم و شریکند
و ابدآ تفاسیت و شخصیت در میان ایشان نیست گویا
متحرک بيك حرکتند - ثانیاً در امور لشکری و
کشوری و جلب منافع و دفع مضار و مراقبه حساب
و غیر حساب همیشه بیدار و هوشیار و همواره در
تدبیر کار اند - ثالثاً در علوم و حزم در هر امری
بطور کافی و واقعی دقت فرود گذار نمی کنند -

هر اصل ترقی و کامیابی و ابونیسان آمادگی آنها
است در قبول تغییرات لازمه - و چون حالت و رفتار
زمانه همواره بيك و تیره نیست اینها قدم قدم با حالات
و روش زمانه در اوضاع و اطوار خود تغییرات
لازمی را امری میدارند - انسان درین زمان بدان
درجه ارتقا حست است که میداند کلید ترقی و تمدن
و پیروزی منحصر بفتح و پیروزی است ولی نه آن
فتح و پیروزی که با اسلحه و جنگ فقط حاصل شود -
بلکه با تجارت و فنون و علوم - پس در این امرهای
تردد نیست و در چنین حلقی هر فردی از افراد
ملت لازم بل واجب است که در معاملات اوتبساطی
و بلتیکی و مذهبی آن درجه را حاصل نماید تا در تحصیل
آن کوشش کند که آحرکار مجبوراً پس از زمانی امر
منجر بدان خواهد شد و بهتر آنست که زود تر آنرا
پیشاز کنیم (عندالسیاح محمد القوم السری) اما احتیاط
کلی لازم است که دانیات و خصوصیات ماقی ما در
تقلید تمدن ملل مغزیر از دست برود و مفقود نشود
بلکه آنآ فانا در سات و استقیامت افزون شود - خیالات
یعنی مردم بر غلط است که بگویند اهل ژاپون در
همه کار تقلید ملل یوروب را پیشهاد خود کرده اند -
شک نیست صکه آنها فتح بزرگی از تعلیم و تحصیل
علوم و فنون مغربی حاصل کرده اند بمصدق (بخنوا
للایمان و ترک الالبالی) مثل غیر تعلیم فوجی که از آلمان

و با گردن گرفته اسیر و ذلیل خواهم شد - (باقی دارد)
کلمه چند در تعصب

یکی از داناتان صاحب بصیرت که نازه بشری اسلام مشرف شده مقاله مفصلی در تحت عنوان فوق در یکی از جراید فرانسه نگاشته ما بجهت استحکام اعتقاد مسلمانان و رفع تحت بعضی از دشمنان دین جنف اسلام از فرانسه فارسی ترجمه می‌نمایم و جز یاره توضیحات و مؤیدات تصرفی در آن نمی‌کنیم -
مشار الیه گوید

اگرچه عموماً میدهد بکلمه تعصب (فانابیم) یک حدود تنگ و کوتاهی بدرجه که گمان میکند اختصاص آنرا بملل و حشیه ولی بحقیقت دائره آن به جهان تنگ و کوتاه است و بالعکس بی بزرگ و وسیع و غیر مختص بیک طاقه یا یک نژاد میباشد بملت آنکه آنچه بنظر شخص تعصب می‌آید و از آن منزجر میشود نیست در نزد دیگری مگر یک تکلیف و فرضه حتمیه و بسی مستحسن و مدوح - و این مسئله درست شبیه عادات و اخلاق است که در نزد هر قوم عادت و خوی خودشان حسن و پسندیده و خوب است و در نزد دیگران قبیح و لایق مذمت و نکوهش

اهالی مغرب زمین چه قدر مصراند که این گله را نسبت دهند به برادران خود (اهالی مشرق) - و هر روز بضایین مختلفه و اسامی متعدده هتم میسازند این بیچارگانرا و مقصر میبایند آن بیدست و پایارا - و بالعکس خودرا تربیت شده و خالی از تعصب گمان میکنند و هواخواه راحت نوع و حامی حیات انسانی جلوه میدهند - و این گله را وسیله پیشرفت مقاصد خود قرار داده هر روز بر برادران ضعیف خویش می‌تازند - حجت و دلیل شان همه این است که ایشان و تربیت و منظر در بحر تعصب اند و بمنزله طفل صغیر اند که ولی و قیم لازم دارند و بنفسه نمیتواند امور خودرا اداره نمایند و عقلشان از وصول بمضار و منافع قاصر است

ولی این فرقه چشم از عیوب خود پوشیده در صد کشف معایب دیگران اند - گویا ذات خود را مصوم و بری از خطا و خلاف میدانند یا آنکه تعصب خودرا فراموش میکنند فی الواقع اروپائیان خویش را قرب میدهند یا پرده بر روی نقص و خطامای شخص

و سوس و ستون مهندسی از آمریکا و انگلیس و کشکاری‌های اقسام از فرانسه و نغمه بدست آورده اند ولی هرگز خصوصیات ملق و ارتباطی خود را فراموش نکرده اند - و از علوم ادبیه و فلسفیات شعرا و علمای خود صرف نظر نمودند - از مذهب اصلی خود دست نهکشیدند بلکه بر وضع و طریقی که ممکن بوده در ترویج و تشیع اینها کوشیدند - واپون را مقلد گفتن از نا انصافی است - ایشان را مانند سایر ملل اروپا موجد باید انگاشت -

سیاح سیاسی مذکور میگوید که واپون بمصدق (خذ ما صفادع ما کدر) آنچه از ممالک مغرب خوب و پرمفتمت و مناسب حاش بود اخذ نمود - عیسویت ابداء و اصلا در آنها اثری نکرد زیرا که خودشان دارای مذهبی هستند که قدیم است و الهی تالان جهان مذهب خود را میسازد - و همین سبب است که امروز مملکت ژاپون سر مشق معتبری و مشتمل هدایتی برای تمام ملل و اقوام آسیا گردید است - مملکت چین نیز اتفاقاً بدان کرده هر ساله هزارها طلاب خود را بمدارس ژاپون میفرستند تا از علوم و فنون جدیده با سهل و حسی بهره وافی حاصل نمایند و ملک خودرا نمونه ژاپون سازد - و دیگری نگنودر که چینیان بمقصد خود نایل شوند مال دیگر آسیا که بر حکیم و دانا غنی نیست با این همه ذهن و ذکا و فطانه چرا از خواب غفلت بیدار نمیشود؟ و از چه رو در تردیدند که چه باید کرد - حالت افغانستانم نمونه دیگریست که همه کس آنجا هوس آمده روز و شب مشغول کار اند - ملل دیگر آسیا حکه همان حیالات بزرگی و عظمت قدیمشان کافی است که بدان مغرور باشند چرا در فکر ترویج علوم و اخذ تشایح و ثرات و تعلیم اطفال خود بر می‌آیند و تعلیم را هومی نمیکنند؟ چرا هنوز بخواب غفلت عاقبت و خامتند؟ اگر خیالی و اندیشه قابل عمل باشد چرا آنرا در معرض اجرا و چرا از قوه فعل نمی‌آیند؟ این زحمانی نیست بلکه از همسایه‌های خود قائل بشیم مثل ما مثل اسب و میدان مسابقه است - اگر برای مقصود خودرا آماده نگذیریم همسایه‌های هوشیار بیدار ما قصب السبق از ما خواهند بود و تا آخر کار پادل حکمت و خاطر افسرده هم چیزها از دست داده و بقتضای حاجت انبار و اجتناب

هود می پوشانند و نصب مخصوص اروپایی را از یاد می برند. چون صفحات روزنامه مجال جولان قلم را در این موضوع ندارد لهذا بطور اختصار سخن چند در این خصوص میگوئیم و حقیقت امر را بر خوانندگان آشکار میسازیم تا نمره این تمدن اممی را بشهند و از آن و کیف قضیه مطلع گردند. و بارة ساده لوحان را مشبه شده ارضا هر کلام باطن را قیاس نکنند. چه بسا اشخاص گفتار و نایبند کردار قرار میدهند و از الفاظ فریب میخورند و نمیدانند که بسی کسان در باطن کرک خویش خوارند که از بیرون خود را بصورت گوسفند میسازند (چه قدر مناسب است حالت این طوائف با مضمون شعر خواجه حافظ شیرازی رحمة الله علیه

واعظان کین جلوه در محراب و منبر میکنند

چون مخلوط میروند آثار دیگر میکنند

ای کاش ملل تمدنه حیل و دسیسه را قبیح دانسته اندکی از معایب و مساوئ آن آگاه گردیده پیروی آنرا در مذهب پلٹیک روا نمیداشتند. و پلٹیک نیکی و خوبی را از دست نمیدادند (کلمه پلٹیک در لغت یعنی علم سلطنت داری و فن ریاست و حکمرانی است و اکونومی پلٹیک یعنی علم اقتصاد و صرفه جوئی در مقام دولتی. ولی ایرانیان اکثر چنین بندهارند معنی این کلمه مکر و تقلب و نادرستی است) ورنه این درجه نسبت زهد و تقوی نمودشان میدادند و بنام انسانیت و اسم مردمی و سروت بر برادران خود نمینماختند. خیلی شرم میکنم که تشبیه کم این اشرف ملل عالم را بحکایت ... که شاعر اسامی گوی مروف (لافونتن) فرانسوی ذمکر کرده است که چگونه او برای صید حیوانات ضعیف دام مکرر و شبکه تزیین در راه منبسط نموده. چیست این بنونت شما اروپائیان از ساکنین مشرق زمین؟ و این نام نژاد تو قاسی (قفقازی) کدام است که بر روی خویش نهاده اید؟ سفیدی و زردی چهره را چرا سرمایه اختلاف کلمه قرار داده اید؟ با اینکه علم شهر (دسکارت) در خصوص نژاد چنین میگوید. هر نژاد انسانی مختلف نیست با لذات همه از یک پدر و مادر و بمنزله یک همیل آمد. در طبیعت و خویشیه نباید ذاتی ندارد. و اینکه بعضی ها نسل آدمی را میچندین قسمت کرده اند چون نژاد ایینی با

قفقازی. و نژاد اصغر یا چینی و نژاد اسود یا زنگی و نژاد احمر یا امریکائی. صحیح نیست بلکه بدقت در احوال این طوائف و وضع مملکت مسکوته شان مشاهده کرده بانسان میدهد که اختلاف رنگ و چشم و سیاناشی از آب و هوا و وضع منطقه است که در روی ساکنند. چنانکه ساکنین زیر خط استواء که آفتاب بخط هودی بر مفاوق آنها میتابد لامحالہ سیاه شود و سر زمینی که همواره آفتاب تابان بابرهای تیره محبوب است با چهره اهالی سفید گردد. و آنکه در وسط نقطه اعتدال است اندکی از تابش آفتاب جهانتاب زرد رنگ و شبیه بگندم گردد و قس علی هذا. و گرنه چون نژاد ایینی را بودی زنگیان برند قرنی نگردد که رنگ و سیاه و مشخصات بدنی همه بشکل سیاهان گردد و بالعکس. و مکرر مشاهده کرده ایم کدی که بنقسط حاره سمر کرده بعد از مراجعت رنگش اندکی تیره و لبایش قدری کلمت و موهای سرش فی الجمله درشت تر شده است پس اختلاف صوری که منشاء آن آب و هوا و اقلیم است نتوان دلیل تباین نژاد و نسل نوع انسان قرار داد) مترجم گوید. یا للعجب این مرد بزرگ که در عداد نمره اول فلاسفه متأخرین بملاوه از مشاهیر کتاب و نویسندگان مغرب زمین است بحقیقت که اهالی فراسه بوجود آن بر مال دیگر اقتضار میکنند. چنان این کلامش که عین فلسفه و لب حکمت است در نظر منریبان قدر دان پست و فرومایه آمده اصلا مورد توجه و محل اعتناء قرار نمیدهند گویا آنرا غار میآید که با مشرقیان از یک نژاد محسوب کردند یا کسرو قس خود میدانند که آنان را با خود در حقوق سپیم و ضربت قرار دهند. سبحان الله آدمی را چگونه طبیعتی است که چون اندک خود را بی نیاز یابد سرکش و تند روی آغاز کند قوه تعالی (ان الانسان لیطغی ان رآه استغنی) باری پروریم باصل ترجمه (بالی دارد)

مکتوب از اسلامبول

در ضمن شماره سی و پنج و سی شش نامه مقدس شرحی از اقلطت مستقیمه عتار السلطنه درج فرموده بودند هر چند خدمتش نرسیده اما چنانچه باید و شاید بر حسن نیت و یاری عقیدت و شاه پستی و ملت دوستیش واقف و آگاهم. ولی چهاره عتار السلطنه

شماره ۱۹ (۲۴ جمادی الثانی ۱۳۷۲) - مجله فصلنامه - دوازدهم - ستمبر (۱۹۰۸) - صفحه ۱۵۹

چه میتواند بکند در مملکتی که فوسن تا شمار و مقدار
 حصول همه ساله اش غیر معلوم است و هرگز نمیتواند
 فهمد سکه امسال چه قدر ذخیره لازم و در خود
 ایران چه مقدار بصل آمده. چه مقدار کسر. و با چه
 قدر اضافه داریم. که اگر بخارج فروش برسد مایه
 سنگی و نایاب نشود دانستن این هم صورت امکان نمی پذیرد
 مگر با اجرای قانون. و اجرای قانون هم در ایران بدون
 مجلس شورای ملی محالست زیرا دولت و وکلای حضرت
 هرگز نمیتوانند خیر ملت و مملکت را بزودی به افراد
 اهالی که هنوز از فزع و ضرر خود واقف نمیشاند بشیاند.
 ولی پس از آنکه وکلا و مبعوثین خود ملت بمغایب کارها
 برخوردند و از لوازم اصلاح آگاهی حاصل نمودند میتوانند
 ملقا قانع نمایند و بشیاند که تا کار در تحت يك نظام و
 قانونی در نیاید آسودگی و رفاه و ترقی از برای هیئت
 اجتهادیه محالست. هنوز لفظ قانون از برای عموم و حجت
 می آورد زیرا چنان میدانند قانون یعنی آزادی مردم
 در اجرای فواحش و ذائل. نمیدانند مقصود از لفظ
 قانون که ما مینگاریم قانون مقدس نبوی است اجرای
 عدل و مساوات رفع مظالم تا تکالیف دیوانی از روی
 يك قاعدة صحیحه بالسویه اخذ شود. و خزانه بیت المال
 از تپذیر و اختلاس مصون ماند. دزد را بمداقبتوت
 بدون چون و چرا قبول و بقانون شرع انگشتان قطع
 نمایند تا مایه عبرت ناظرین باشد. هر آنکو شرب خمر
 پرداخت بدون ملاحظه شان و مقام با نازیاه تأدیب
 شود و هر کس مفلس شد در امان خدا باشد تا
 خدا الاستطاعه. تا با استطاعت نتواند در ادای دین گردن
 گشی نماید مانند مفلسان حبله کار. و هر آنکو لواط
 نمود بحکم شرع گردن زنند تا این همه زشقیها بروز
 نماید و شرم و حیا از مردان و زنان سلب نگردد.
 مولای متقیان میفرمایند (من نسبت اسافه صبت اهالیه)
 شخصی حکایت می نمود که حاجی سید علی قطب در
 اسلامبول آمدش ترك خدمت او را گفت. پس کی بود
 در نزد شخصی که شغش بستن عدل تجار بود سکه
 باصطلاح اسلامبول (چولبی) میگویند بدرونی نداشت
 حاجی سید علی بنوسط آن کیسه در حجره او مهیا
 بود او را فریفته همراه خود بمجاز برد. بعد از مراجعت
 از سفر مشایخ جوان بیرون بی بخشمت داده سر سفره

بوه آندوخته داشت اذن مرخصی خواست تا بوطن
 رود. قطب در مقابل خدمت او سپارش او را به صدر
 سابق نگاشت. آقا میرزا علی اسفرخان فوراً او را بمنصب
 یابری قورخانه خوی منصوب نمود. دیگر مطالبه
 کنندگان حالت قورخانه خوی را میتوانند بخوبی بدانند.
 بی قانون تجویز نمیکند که يك (م) چنین سپارشات
 بنگارد و دست پروردگانش روح دولت و ملت را باو
 بسپارند. قانون مناسب را به ارباب استحقاق میسپارد
 و از آنان در خور جای و مسند و نظیفه طلب میباشد
 اساطین دین اینك دو دغه است دولت و ملت
 ایران را از محو و اضمحلال رهائی بخشیدم آمد نخست
 در خانه روی که اگر مرحوم جنت آرامگاه حجة الاسلام
 میرزای شیرازی اعلی الله مقامه اقدام در منع فرموده
 بودند ایران محو شده بود چنانچه محض تند و دشمنی
 به ایران و ایرانیان پس از آنکه جلوه او از همه جا
 کوتاه شد روی خاک عثمانی را مقصدانه اجرا داشت که
 در آن ضمن يك حق بزرگ دولت و هیئت اجتهادیه
 از میان رفت

و در ظاهر سالی پنج سکرور تومان و در ضمن
 سالی بجاه سکرور تومان دولت و ملت ایران ضرر
 وارد آورد و حق بزرگ را در ضمن امتیازی که
 دولت عثمانی به رژی داده چون در ماده هفتم قید
 شده است بعد از افضای مدت بیست و پنج سال اختیار
 تنباکوی ایران با دولت عثمانی است که تجدید امتیاز نماید
 و با خود اداره کند. و همین شرایط را با اجازه يك
 باصرار آقا میرزا علی اسفرخان ناظم الدوله سفیر کبیر
 بدون مآل آندیشی تصدیق و امضا نمود. در تانی این
 فقره آخر که اساطین دین اعلی حضرت ظل اللهی را یاد
 آوری از منزل آقا میرزا علی اسفرخان فرمودند
 خالی از قایده نمیداند هر نفسالی را سکه در شماره
 بیستم قانون درج نموده بود در اینجا نقل و در
 ضمن محض دولت و وطن پرستی افکار خود را از
 روی يك نیت خالص بمرض نواب مستطاب شاهزاده
 عین الدوله وزیر اعظم دام ظلّه العالی سکه امروزه
 هیئت اجتهادیه ملت و احیای دین و دولت را بت به
 نخبات متبصرانه و مجاهدات خالصانه واقعات مجده
 و واقعات آن حضرت میدانند زیرا در دو حبه فمه

داز میباشند که در حفظ آن و وطن کوشند و در
 رفیع و دمع معایب و معاصد ف مقدرت فرمایند .
 خواهم رسانید
 (بعضی از جمله های عرض شده است)
 مدتی بود ما مظلومان ایران در میان ک دریای
 مصائب از ترحم علای دین خود بکلی مأیوس شده
 بودیم دست فضل آن سحت کبری به ابراز یک نور
 ناگهانی چشم و قاب مارا منور ساخت
 در وقتی که فاسد حقوق ملت در کامرانی خود
 مست ضرور بود بیک اشاره انگشت ارکان هستی او
 متزلزل و کل ممالک اسلام را مملو بک حیات تازه فرمود .
 ظهور اینقدرت آسمان بر کل عالم پیش از وقت مبرهن
 ساخت که روح اسلام هنوز مالم مقدرات دنیاست
 بدی است که پس از طلوع چنان آفتاب نجات چشم
 داشت ایرانیان باید در دایره جزئیات محدود بماند .
 لقمه فروش تجارت تبار و ناحی یکی از فروط است
 که آقا میرزا علی اصغر خان بر این ملت حمل کرده -
 کدام تعدی . کدام ستم . کدام شرارتست که سیل
 خرابیها را از هر طرف بر ملک جاری نکرده باشد
 و جان و مال و عیال و ناموس و جمیع و سائل
 زندگی طرا بازیچه افصح رذالتهای تاریخ ساخته باشد
 شکی نیست که در مقابل این عقیده باک ما اولیای
 ظلم فریاد خواهند کرد که عارضین این عریصه حائل
 و بیدین و حین هستند . بی حمل ما اینست که
 میگوئیم حقوق و وسایل زندگی ملت را نباید با جانب فروخت
 میگوئیم خلق ایران را نباید در تحت این کوههای
 ظلم تا ابد مدفون نگاه داشت
 میگوئیم مسلمانان ایران باید از جان و مال اقل
 بقدر اسرای سائر ملل مطمئن باشند
 بیدینی ما اینست که میگوئیم مناسب دیوان و
 خزائن ملت عوض اینکه مثل امروز بدلقوا اراذل
 آلت خرابی دین و دولت میباشند باید بدست دانشمندان
 ملت اسباب سعادت عامه بشود
 خیانت بزرگ ما اینست که میگوئیم کتق دولت ما
 در میان اینطورگان سفاهت حکما منعدم نخواهد شد . و
 بحکم خرقانون شری و عقل بر ذمه علای دین واجب
 است که بلا تأخیر مجلس شورای کبری ملی ترتیب بدهند

و موافق اصول شرع مقدس حقوق ملت و شرایط
 بقای دولت را آنطوریکه باید مقرر و حکم بسازند .
 در یک جمله نگاشته آمده است استیلائی ظلم است
 که جمیع حقوق آدمیت حق اختیار کلام را هم از تمام
 افراد ما سلب نموده
 ما اهل ایران هرگز بیخبرت نبوده ایم (جمله دیگر) .
 از برای علای عصر چه اقتضای بالاتر ازین که بدون
 هیچ آشوب بقوت کلام حق این دولت اسلام را از
 یک این جانور ملت خوار خلاص و مجددا آیین عدل
 را اسباب سعادت امت مرحومه قرار بدهند
 (در یک جمله مینویسد)
 یکی از امرای نظام اصرار دارد این مضامین
 ذیل بفریح برسانیم
 اما ازین همقطاران بیچاره با آنکه می بینند ما همه
 در میان جلین سیاه خرق هستیم باز می آیند و در
 مجلس سینه بین مینمایند و گپ سوزناک مینمایند و زبر
 چه قدر دانا و فحیح است
 ای ننگ جنس ایرانی میدانیم گرسنه هستی و بی
 استخوان میکردی اما آخر یک قدر هم حیا بکن مردم
 تمام شدند . دولت رفت . کدام یک از خرابیهای این
 دستگاه شقاوترا میتوان پوشاند . چه ذلتی بالاتر ازین
 هراج مناسب . چه سعادت غریب تر ازین منزل و نصب
 حکام . این حکمرانی آبدارخانه این بقای خزانه این
 معکوس جمیع اصول اداره با کدام عقل و با کدام
 جنون راست می آید . به بیند این تجارت تناکو که بدون
 هیچ مرامت وسیله گذران ملت بود چه دیوانگی از
 دست داده اسباب چه رسوائی و موجب چه خرابیهای
 تازه گردید . چه توقع از یک دستگاهی که بجز دروغ
 و فریب و غصب و غارت و زنجیر و مبرغضب هیچ
 قانون قبول ندارد . چه امید از شعور یک وزیر که
 به مهر و امضای خود بقدر یک سبزی فروش اعتبار
 باقی نگذارده هزار بار تفریق و تف بر ما اهل نظام
 که این زندگی متفن خود را در اجرای چنان شناخت
 های ملت کش قرار داده ایم
 بحدائق شر مطلق از میان برخاست و بجای او
 شخصی اداره امور دولت و ملت و مملکت را بعهده کفایت
 خود گرفته که قصان کلی و جزئی را خرد و حسابات

سلسله "جلیله" خود میداند - تمام خاک وطن را خاص خانواده خود دانسته و تعمیر همه را بر ذمه امت خود فرض و واجب می‌شمارد. رعیت را اولاد و عیال خود دانسته راحت و سعادت عموم را از درون جان و بن هندان آرزو می‌فرماید. اینست که جبهه آگاهی برواقص و حصول آرای صحیحه که بنسای سعادت هر ملت و قوم بوده و هست اذن دخول نامه مقدس را صادر فرمودند - چون میدانند که با رقه حقیقت از تصادم افکار حاصل نتواند شد - لذا بر جمهور ملت و افراد هیئت اجتماعی فرض و واجب است در خیر دولت و ملک و ملت هر آنچه بتصور آنان گذشت در یاد آوری خود داری نروزند تا شکر نعمت و وظیفه دولت پرستی را ادا نموده باشند

پس در مقام جسارت برآمده عرض می‌بایم ترقی و سعادت هیچ قوم و شوکت و عظمت هیچ دولت بدون اتحاد هیئت اجتماعی حاصل نتواند شد و شرط حصول اتفاق در میان هیئت اجتماعی اجرای قانون مساواتست زیرا اتحاد امری است درونی و اختیاری در میان افرادی که استحصال رأی آنان در مسائل متعلق منافع وطن محل اعتنا و اعتبار نماند طلب اتحاد عبت است پس از این دو قضیه واضح و برهنه میگردد که وجود اتحاد بسته به وجود حریت و مساوات است استبداد و حریت و مساوات دو خاصه هستند یکی ضد دیگری زیرا استبداد مردم را سوق میدهد سوی بردالت و دنائت طبع و تبصیر و مدافعه و تصدیق بلا تصور و ارائه دلایل مجروحه در اعطال حقوق هر معلوم و یا رفع و دفع افعال و تصور هر ستم پشه جو استند و جز با قبول قانون مشروطیت نتواند شد نخستین نتیجه زکرة قانون مشروطیت اتحاد است و مساوات محض اعلان اصول مشروطیت سرعت اتحاد و اتفاق در میان افراد بدرجه خواهد بود که گویا قلب طبیعت عمومی شده است پس از آن از برای هیئت اجتماعی بجای عدم امید اطمینان کامل درباره حکومت روی داده و در میان افراد بجای بغض و خصومت یگانگی و همدلی حاصل خواهد آمد - چه همیشه دستگاه استبداد رنگ مشروطیت گزافه مراسم ستم از میان برمیخیزد و تباهی و تزلزل در دل برادران استقرار مییابد دولتیکه

باجرای قانون عدل پرداخته و اصول معیشت را بر استبداد اختیار نماید حق آنرا حاصل میکند از حقوق و املاک و دواب مسکین عبارت از خانه و دکان و کاروا سرا و حمام و گاو و گوسفند و شتر و اسب و استر و اولاد باشد اخذ مالیات نباید هیئت عمومی را جبهه مدافعه و حفظ و حراست وطن آماده فرماید زیرا که وکلای ملت از دخل و خرج دولت آگاه و در محل صرف مأخوذهی دولت و از لوازم تدافع واقف و خبیر میباشند و مراتب را بمشروع مانت خاطر نشان خواهند نمود دولت انگلیس که اضافه بر صد و شصت میلیون لبرای انگلیسی در حرب ترسوال مصرف نمود همگی را مانت با کمال ششاست برداخت و دول که در راه ترقیات قوای حربی اینقدر مصرف میبایند همگی را ملت میدهد چون ملت را بر لزوم آن آگاهیده اند لذا ملت با کمال رضای خاطر نادای همگی آنها حاضر است و عدم افراط و تفریط در اخذ بدی عین عدالت مملی است مشهور که ظلم بالسویه عدل می‌باشد پس از اجرای قانون مشروطیت اصول گرفتن مالیات را باید از اروپا اخذ نمود زیرا که در هزار سال مردمان دانا و عالم اروپا با هزار گونه تجربه قانون صحیحی تنظیم و از برای ما و دیگران دستورالعملی کافی آماده نموده اند حال تضییع اوقات نمودن و رأی و اراده خود قانون ناقصی ترتیب دادن خطاست ولی در محاکات حدودیه و جزائه قانون شرع مقدس از هر قانونی بهتر و نیا تر است قانون حدارا باید پذیرفت و از فکر ناقص خود بپروی نمود و قانون شرع را حبه اصلاح امور جمهور اختیار کرد

ای حکم شرع آب خوردن خطاست
و گر خون فتوی بریزی رواست

(باقی دارد)

اصلاحات جدید یا خیالات

مخ عالیة وزیر اعظم

در دو سه هفته قبل شرحی از بابت مصار و مع مالیات و حراج معمولی متداولی ایران و خسارت وارده از این طریق را عرض رسانیدم و نیز از محاسن فوائد مالیات مرسومه در ممالک متقدمه فرنگ و غیره نگاشتم و وعده دادم مفاسد دیگر آنرا نیز که مرقب بر این ترتیب است بطریق قرار محترم روزنامه مقدس برسانم

و مقدماً کلام فیلسوف آلمانی را که لب حکمت و جوهر فلسفه است نقل نمودیم - بواسطه واقعه غیر متوقبه حدوث مرض نحس (کرا) از این خدمت چند هفته قهراً باز ماندم اینک تدارک طاقت بنام در ایران و حوه چنداست که مخرب بلاد و موجب انهدام خانقارحیت و ملت و مورث نقصان مالیه دولت است (اول) مسئله ارباب و رعیت و ملک اراضی بدون استحقاق شرمی است - و ما از مفاسد دیگر این امر صرف نظر نموده فقط آنچه واجع بالیات است در اینجا ذکر می نمایم توضیح آنکه غالب قری و مزارع و دهات در مملکت ایران متعلق است بامراء و اعیان که بطول مدت بوسائل مشروع یا غیر مشروع صاحبان اصلیه آنها کنسار کرده خود متصرف گردیده اند و بسیار دیده شده که يك نفر از اطلم يك دامك بلکه يك قسمت از سی قسمت قریه را خریده مابقی را بزور و ابناء مجبور نموده یا املاك خود را بقیمت بسیار نازل بفروشند یا بالکلیه ترك علاقه و زندگانی نموده بترك یار و دلبار گویند نه تنها همان قریه را تصاحب نموده بلکه ندرجیا و بمروور زمان تمام آن ناحیه را بناویں متحصن کرده و طرق متعدد ملک مسکونه چندان در این عمل مشق و تجربه حاصل نموده اند که مافوق تصور میباشد چه بدیهی است صکه آدمی را قواست که در هرامی اهتمام و جدو جهد نماید باقصی النایه تواند رساند - چنانکه اروپائیان در ترقی صنایع و علوم زحمت کشیده صنایع خود بدرجات عمیر القول رسانیده اند اهالی وطن مقدس ما همان سی و جهد را در ابناء برادران و دزدی و قلب و حیه و دسیسه بکار می برند مخصوص اگر روزگار مساعد باشد و وضع شخص اول مملکت چنین پسندد و قتیکه صدر اعظم دولت هر روز بیک بهانه مقربان سده سلطنت را متم سازد خودترا اخراج یا اتلاف نماید املاك و اموالش را بوسائل غیر مرضیه خود یا دیگری متصرف شود البته سایر طبقات نیز پیروی و تقلید خواهند نمود - یکی از رجال موق آذربایجان که خلی از هر مرض و بقولش اطمینان کلی حاصل بود حکایت مسکونه که وقتی امور میزان (کرا) صفحه آذربایجان از جانب صدر سابق منقوش شد بمخاطبش اللهم مسکونه

طرف و همه بلاد و سرحدات آذر باجهان مأمور فرستاد چندی نگذشت که دیک طبعش زیاد از حد بجوش آمد و بخیال ازدیاد مال و مثال افتاد هر یک از مأمورین بلاد را باسامی مختلفه سیاست و جریه نمود چندان ابواب ظلم و تعدی گشود و درهای سلامت و رحم فرو بست که باستان مبارک حضرت ولایت عهد (اعلی حضرت اقدس شریاری صکه آن اوقات در تبریز بسمت ولایت عهدی رونق امروز بودند) پناهنده گشتند - از آنجا که فلرتش ناپاک بود بده شرم و آزر را باره مسکونه حقوق ولینمت را بر طاقچه نیان نهاد بدرجه پای پیشروی بر حلقه رکاب نمود که قلم با رای نوشتن ندارد - از جمله کارهایش یکی این بود که مأمورین متمول صاحب صیاع و عتار را بمرکز بضوان تصفیة حساب خواسته در منزل خود نگاه میداشت يك دو روز بعد جنازه آن تا کام را از خانه او نقل بقبرستان مینمودند آنگاه تمام ما ملک او را ضبط می نمود باسم باقی کرا و درین امور ایرادی بر او وارد نیست چه از قدیم گفته اند (الولد الحلال شبیه الحلال) پس خواهر او نیز از این اعمال زیاد داشت که در آتی بخواست خداوند مشروحا خواهیم نگاشت

خلاصه بعد از تصاحب املاك و قری و مزارع این فرقه در صدد برآمدند که مالیات و حقوق دیوانی املاك خود را تخفیف دهند و بار خود را سبک کرده مبنی ار این راه بر واردات خویش بیفزایند - پس بانواع حیل و تدابیر مالیات خود را کاسته و از دیگران را افزودند و بسا شده که اسامی مزارع را تغییر داده بنام جدید خوانده بمروور زمان نام قدیم را صکه محل مالیات بود از میان بردند گاهی بنام تخفیف از دولت گرفته گهی با مستوفی مواضع نموده مالیات او را سرکش جامای دیگر کرده اند - نتیجه آن شد که دطایع چون از عهد این مخارج گزافی بر نمی آمدند ضیاع و عتار را رها کرده بترك یار و دیار گفته رهسپار دیگر ممالک و بلاد گردیده و میگرددند تاچار مالیات اراضی شان بر زمین خورده لاوصول مانده و تدریجاً از صکت بیخه دولت و دفتر مالیه ساقط شده آنگاه یکی از متمولین و اعیان بنام دیگر او را خوانده و آباد نموده این است که مشاهده میشود ملاکین و صاحبان مستغلات در هر صحت

چند سال صاحب ملبوسات ثروت و مکتب گردیده و صدها ربابا اسیر نکت و فلاکت و فقر و فاقه شده اند و بالیقین میتوانم بگویم که این ثروت از خون ملت و دولت است که بپرحسانه جمع و در شیشه نموده اند - دیگر آنکه اقتصاد بر این جاری شده است که هر ساله بی مزارع و املاک از نواحیات میشود ثنوت چند ایجاد میگردد و اراضی بایره را مشروب و دانه و دارای محصول و منافع میسازد و این قسم مستمرات در حکمتایچه جمع و خرج ثبت نیست از ادای حقوق دیوانی معاف و آزاد است و اگر هم جزئی وجهی میدهد بجهت حکام و ولات داخل میشود و حبه بدوات نمیرسد و در ازای آنها قسمتی دیگر املاک از آبادی و رونق اقتصاد طراب و بایر میگردند و چون این املاک در جزیه ثبت دفتر است تا میتوان بزور مالیات او را از صاحب بیچاره اش میگیرند و عاقبت سرکشش و تقسیم بر مزارع و قرای دیگر میکنند و این واضح است که از این تقسیم املاک اعیان و متمولین خارج است فقط مورد حمل آن ربابای مسکین پنوا هستند پس کل بوم بار این یک مشت زراع سنگین تر میشود تا در زیر بار میبندد این است سکه مشاهده میشود تمام مدت سال را بمرست و تنگی گذرانیده خوابه دل میخورند و در آفتاب و برف و یخ میدود باز هم دارای دیناری میشود چکنند این فقیر رعیت ندست ستر دارد و نه بای گریز مالیات کتابچه علیحده است پیشکش حکام جدا تنزیل مالیات و تفاوت عمل جدا گانه قلق فراش خدمتانه، مأمور حق که خدا قسمت مباشر مهان مأمور وجه اجاره ارباب تعارف ارباب و غیره هر یک جدا آخر کار مدتی باید در حبس حکومت بماند چوب بخورد ارباب هم تومری پلو بزند کسی می برسد تقصیر این عیارة بدبخت چیست در پاره املاک چپاول ایلیات و عشایر نیز مزید علت میشود و هر گاه تیول باشد که دیگر بنده زر خرید صاحب تیول است نه غلط گفتم بنده زر خرید قدر و قیمت دارد زیرا که پول در مقابل او داده اند قبول مردم گویا آب آورده است سکه قیمت ندارد - این دعوت مظلوم دولت هر چه از هر یک بدست آورد باید بپردازد. هر دمانه سابق الذکر که هر یک کدام زیاده

از مالیات دولت ضیاع و هتار و وجوه و جواهر و خانه و پارک و میل دارند بسیارند - آنان نیز در عوض بدولت حیانت کتند آبرویش برزند و حقوقش را با جانب بطن نجس بچشند و این یوسف مصری را بدرامی معذومه با جانب بفروشتند خطایا حکمردگارا ملرا چشم پنا و گوش شنوا کرامت فرما ادراک بخش که زشت و زیبا قبیح و حسن را تمیز دهیم حسن ملی ما را زیاد گردان شاه بر سق را در قلوب ما جای ده اخلاق زشت منعمومه را بصفات حسنه تبدیل ساز آ. آ. آ. آیا احدی در این اواخر باندازه وزیر سابق مورد الطاف و مرام شاه شهید و اعلیحضرت اقدس شامنشاهی واقع گردید؟ از پست ترین درجه او را آورده بر مقام میرزا قلی خان و قلم مقام منکی دادند دست قدرتش را در کلیه مهمان ملی و ملی باز دادند هر منصب و درجه و مواجب و نقان و وزارت و حکومت بر کس میل داشت بخرید دو مقابل این همه نعمتها حقوق و این نعمت خویشرا بچلین ارزانی و منفی بهمسایه شاهی فروخت و در صدد اضمحلال دین و دولت برآمد توضیح حال آنست که مالیات کثونی ایران رحسب تحدیدی میباشد که در زطن مرحوم نایب السلطنه عباس میرزا شده است و در کتابچه و دفتر مالیه ثبت و ضبط گردیده و هر ساله از روی همان دفتر نازه می نویسند و دستور العمل حکام را مقرر میدارند - در طول این هشتاد سال ابدأ مهندسی فرستاده شده و اراضی را تحدید نموده اند. تجرید دفتر و حکمتایچه نشده مگر بعضی جزئیات که قابل اعتنا نیست - پس اگر ما قبول نمایم که مالیات باید بر نفس آب و زمین هم باشد نه محصول. باز این وضع حالیه صحیح نخواهد بود زیرا که در عرض هشتاد سال اراضی ر یک حال باقی نماند سال سال املاک مختلف میشود برخی ترقی و بعضی تنزل و پاره بالکلیه لم یزرع و بایر میشود و بعضی از نواحیات میشوند چه اراضی و مزارع نیز بمشایه اشخاصند زطنی طفل و بعد جوان و وقتی پیر و بالآخره از لباس هستی طاری میشوند هرگز ممکن نیست تحمیل یا حکمی بر انسان کنیم که در همه اوقات و از زمان تغییر نپذیرد - دیگر آنکه از کجا معلوم شد تحدید هشتاد سال قبل نیز صحیح و خالی از هر گونه خطا و غلط

بوده است مرحوم نایب السلطنه بشخصه البته همه ثاملاًک و اراضی ایران را رسیدگی نکرده است مأمور بهر طرف فرستاده و بقول آنها عمل نموده است حالت مأمورین با علم و تجربه ایرانی هم پوشیده نیست همگی میشناسند و نمونه سابقین هم امروز در دست است - سکه دینشان مذهبشان بیخبرشان لطمشان بلکه خدایشان ول است و در هیچ کار حزقی و کلی ما منافع شخصی منظور نباشد اقدام نمیکند حقوق دولت و راسخ و درستی و صداقت در مناسبات پول وقع و اعتباری نارد از هر کس بولی گرفته اند حقوق دیوانی او را کم بخرج داده اند و هر آنکه بشکست نداده ریاده از قدر محصول زمین بروی تحمیل شده

عیب دیگر آنکه مایه و خراج را اغلب بر وجه نقد مقرر داشته اند و این خود اشتباه و سهو و موجب ضرر دولت است زیرا که سکه معامله هر ساله بلکه هر ماهه و هر روزه متفاوت و تغییر پذیر است اجناس و محصول اراضی نیز بالتبع در قیمت تغییر مییابد زمانی خروار گندم دو تومان است و وقتی ده تومان و زیاده - البته در عهد مرحوم نایب السلطنه جمیع اجناس ربع قیمت حالیه را داشتند چنانکه از مقایسه ده سال قبل اکنون این معنی بخوبی آشکار میشود خواه بگوئیم این تفاوت از جهت تنزل قیمت سکه دولت است که از سوء خیالات وزیر سابق شد و سکه پنج تومان بدو تومان تنزل کرد و این خسارت که از پرتو وجود آقا میرزا علی اصغر خان است پشت مات و دولت ایران را خم و دوتا کرد و انشاء الله در تحت روزنامه مخصوص این امر را مینویسیم یا گوئیم بر قیمت اجناس و محصولات افزوده شده فرق در نتیجه نیست

(باقی دارد)

اسامی وکلای محترم روزنامه مقدس

حبل المتین در ایران

- طهران - جناب آقا میرزا سید حسن کاشانی وکیل
- مرحکزی میباشد و اختیار جمیع وکالتی اداره در ایران با ایشان است اهم بر اینکه آنها با اداره رأساً طرف باشند یا نباشند
- تبریز - جناب آقا میرزا محمد علی تاجر اصفهانی

- رشد - جناب آقا میرزا حبیب الله خان مدیر محترم مدرسه وطن
- انزلی - جناب آقا میرزا ابوزر انزلی
- اشرف - جناب آقا میرزا عباس خان رئیس پخت خانه مبارکه
- ساری - جناب آقا میرزا علی خان مؤیدالوزاره
- بار فروش - جناب آقا محمد حسن تاجر بادکوبه
- استراباد - جناب آقا میرزا محمد علی مشیرالتجار ارباب طهرانی
- بندر جز - جناب آقا محمد علی تاجر اصفهانی
- گنبد قابوس - اداره جلیله کنتور رقاب روی حساب وکلای بندر جز و گنبد قابوس نیز با وکیل محترم استراباد است
- سمنان - جناب آقا میرزا احمد خان رئیس پستخانه مبارکه
- دامغان - جناب آقا میرزا محمود خان سرهنگ
- شاهرود - جناب آقا میرزا ابراهیم خان رئیس پستخانه مبارکه
- سبزوار - جناب آقا میرزا اسمعیل خان سرریب رئیس پستخانه مبارکه
- خراسان - جناب آقا میرزا صادق خان رئیس راه شوسه
- برجند - جناب حاجی محمد علی خان رئیس سابق پستخانه مبارکه
- بجنورد - جناب آقا میرزا یوسف خان رئیس پستخانه مبارکه
- تربت حیدریه - جناب آقا میرزا حسین سقذفروش
- نون - جناب آقا میرزا حسین خان رئیس پستخانه مبارکه
- طیس - جناب محمد قاسم خان رئیس پستخانه مبارکه
- نرشیز - جناب آقا سید حسن رئیس التجار
- سیستان - جناب آقا میرزا عبدالکریم تبریزی مدیر اداره بشک
- درجز - جناب آقا شیخ محمد علی معین الرطای
- قوجان - جناب میرزا صادق خان امین دفتر
- کناباد - میرزا محمد حسین رئیس پستخانه مبارکه
- حساب جمیع وکلای محترم خطه خراسان سوای

سازمان

سبزوان با وسکيل مرکزی مشهد مقدس جناب آقا
 ميرزا صادق خان تبریزی رئیس راه شومه میباشد
 § سهاس - جناب آقا محمد علی اکبر ای معینالتجار
 § ساوجبلاغ - جناب مصمص خان سرتیب رئیس
 پستخانه مبارک
 § زنجان - جناب آقای بهارت‌الملک رئیس پستخانه
 مبارک
 § جلنای ایران - جناب آقا میرزا محمود ای
 تاجر خوش
 § آشتارای ایران - جناب حاجی معاون الریایا
 § ارومیه - جناب عطامان خان مدیر کربک
 § اردیل - آقا میرزا آقا خان ناظم پستخانه مبارک
 تبریز - کتابخانه مبارک تربیت -
 § قم - جناب آقا میرزا نصرالله خان رئیس مرکزی
 کل پستخانجات حدود قم
 § ملات - جناب آقا میرزا احمد خان مستوفی
 § اسپهان - جناب آقا عبدالحسین جناب
 § شیراز - جناب تاج‌الشرانجل مرحوم میرزای آسوده
 § کاندون - جناب آقا میرزا حسین نصیرالسادات
 § بهبهان - جناب شیخ الاسلام
 § بوشهر - جناب آقا میرزا عبدالوهاب خان سرور
 الملک
 § محره - جناب آقا میرزا جعفر خان
 § بندر لنگه - جناب آقا سید احمد سید محمد سید
 عبدالرحیم
 § بندر عباس - جناب حاجی محمد حسین کاه داری
 امینالتجار
 § ملاتر - جناب آقا میرزا حسین خان رئیس پستخانه
 مبارک
 § نهاوند - جناب آقا سید اصغر علی رئیس پستخانه مبارک
 § بروجرد - جناب آقا میرزا رضاقلیخان رئیس
 پستخانه مبارک
 § نوشتر - جناب مستطاب آقا شیخ مرتضی نجل
 ارجمند حضرت مستطاب آقا شیخ محمد علی مدظله
 § دزفول - جناب آقا میرزا مهدی نواده مرحوم
 حجة الاسلام
 § کردستان - جناب آقا میرزا غلامحسین خان شریبیا

§ کرمان شاه - جناب آقا حاجی عبدالعظیم تاجر
 § کرمان - جناب آقا میرزا غلام حسین تاجر کرمانی
 § سیرجان - جناب آقا میرزا علی اکبر خان رئیس
 پستخانه مبارک
 § رفسنجان - آقا میرزا محمدحسین تاجر یزدی رئیس
 پستخانه مبارک
 § اربعة یم - جناب آقا میرزا حیدر علی خان
 سرهنگ رئیس تلگرافخانه
 § یزد - جناب حاجی محمد جواد تاجر کرمانی الشریع
 § صکوه ملک سید زلیخا - جناب آقا میرزا
 عبدالعظیمخان (باقی دارد)

انا لله وانا اليه راجعون

بموجب خبری که با دارة رسیده جناب مستطاب
 آقا سید احمد تاجر یزدی که از اجله تاجر محترم
 جلیل‌القدر و پایه انتخاب ایرانیان در خارجه و داخله
 بود و در مراکز عده ادارات تجاری داشته
 و داوند و انعقاد کتبی بسیار مبتی نیز نمودند - در
 (مشهد مقدس) دامی حق را اجابت و با اجداد
 ظاهرین خویش مشور گردید رحمة الله علیه رحمة واسمه
 چون زیاده بر این شرح حالات آن مرحوم
 با دارة رسیده بود بدین مختصر اکتفا نموده مقرر آن
 مرحوم و ترقی عمر و عزت نامانداگانش از خداوند
 خواهیم

اشهار

کان هرتال (زرینخ) وکان سنگ سرب وکان سنگ
 مس در ملک جزال وجود است هرکس از تجار که
 خواهش خریداری اشیاء مذکوره و یا یکی از آنها را
 داشته باشد باید راساً بحضور عالی جناب مهتر صاحب
 والی جزال هر ضداشت بفرستد فقط

استعا از وکلای محترم

بواسطه حدوث حادثة فوق‌العاده شماره‌های سی و
 هشت و سی و نه و چهل و چهل و یک و چهل و
 دو و چهل و سه و چهل چهار مفقود شده و از
 هر یک صد نسخه درکار است هر یک از وکلا هر قدر
 بتوانند نسخه‌های مذکور را بدست آورده ولو
 خریداری از مشرکین باشد با دارة ارسال دارند
 (منیجر)

تکرات

(۹ جمادی الثانی - ۲۰ آگست)

خبر روتر از (توکیو) خبر میدهد که بتاريخ نوزدهم لشکریان ژاپون (اشانجان) را متصرف شده روسیان بمحافظ (مکلن) فرار نمودند

خبر روتر از (چیفو) خبر میدهد که دیشب حمله سختی لشکریان ژاپون بر بندر آتھر نمودند - کپتان یکی از جہازات موشک ژاپون اظهار داشته که امروزه حمله شدیدی بر بندر آتھر شده است

(۱۰ جمادی الثانی - ۲۱ آگست)

خبر روتر از (توکیو) خبر میدهد که دو جہازات گرمه ژاپون اجیتوس و (سوشیا) جہاز جنگی روس (نوک) را متلوب کرده مجبور نمودند که بحل ا کورساکروس پناه گیرند

خبر روتر از چیفو خبر میدهد که لشکریان ژاپون قلعه نمره ۲۵ که تا کوه (گولدن) یک میل فاصله دارد در بندر آتھر محاصره نمودند - فتون روس در بندر آتھر (۲۳۰۰۰) بشمار آمده است - ژاپونیان نیت حمله بر بندر آتھر را برای سه روز دیده اند و چنان تصور میشود روز سوم بندر آتھر قبضه ژاپونیان در آید - لشکریان ژاپون که بندر آتھر را محاصره کرده اند (۶۰۰۰۰) بقلم آمده و چنان انتظام شده که متوالاً سه روز کامل جنگ را قائم دارند و در جزیره (میاتوا) ملاحظه شده است که پنج جہازات ژاپونی دو کشتی روس را تعاقب بمحافظ مشرق نموده اند

خبر روتر از شنکائی خبر میدهد که جنرل قونسل امریکا مجلس شورائی از قونسلهای دول خارجه فردا منعقد خواهد نمود تا مشوره نماید که بجه اصول مجلس (نیونی) شنکائی را تأیید و همراهی میتوان بود

یکی از جہازات موشک شکن ژاپون با منتهای سرعت در بندر شنکائی وارد و در عقب آن جہاز موشک شکن امریکا چانسی آمده در قریب جہاز جنگی روس (اسکولدا) لشکر انداختند

خبر روتر از (توکیو) خبر میدهد دولت ژاپون ورقه را رسماً اعلان نموده مسئله جہاز (ریچلی) روس که گرفتار کرده مطابق قانون بین الدول ثابت کرده است چه قبل از گرفتاری جہاز مذکور برخلاف قانون حرکت نمود و در این ورقه در بطریق دولت چین در این جنگ بحث نموده ظاهر داشته است که ورود جہاز (ریچلی) در (چیفو) شروط بیطرفی دولت چین را از جنگ باطل می نماید - درین جنگ سرعوت چین ژاپون را مجبور کرده که بندر چیفو را نیز از بنادر جنگی قرار دهد - این امر خارج از امکان است که دولت روس جمیع بنادر چین را بناگاه خود قرار داده در آنجا وارد شده پناه گرت و سپس خارج گردیده بر ژاپونیان حمله نماید

(۱۰ جمادی الثانی - ۲۲ آگست)

جہاز جنگی روس (نوک) در حالیکه مشرف بفرق بود خود را بساحل رسانید - در این تعاقب هیچگونه تقصاتی بمحافظات ژاپون نرسید

و پنج نگار روزنامه دیلی سکرایکل از (چیفو) خبر

میدهد که شاهزاده امیرالبحر (اختومارکی) که سرمد امیرالبحر (ونکاوت) از جانب دولت روس در بندر آتھر متعصب شده خیر میدهد که بتاريخ دهم جہاز (بالادا) از علیک ژاپونیان پانزده و جہاز (رتویسان) یازده سوراخ شده - پانزده جہازات موشک روس تقصان دیده - مجروحین از لشکریان روسی سیصد و سی نفر بقلم آمده - مقتولین آن مبین نیست

بتاریخ ۱۶ از خط جنرل (استاسل) که سپهسالار بندر آتھر است ظاهر میشود - حمله ژاپونیان بر رودخانه (لوئسه) حمله نموده لشکریان روس ایستادگی کرده دشمن را با تقصان زیاد عقب نشاندند - ژاپونیان مجدداً خواهش تسلیم شدن از روسیان کرده جواب یأس یافتند - حالت فتون بندر آتھر نیکو و با منتهای شجاعت و جاغشائی جنگ میسایند

یکی از جہازات روسی که حمل پل برای عبور و مرور لشکر داشت از پتسبرگ بمحافظ (لینا) حرکت کرده در بین راه مصادم شده فرقی گردید

خبر روتر از شنکائی بیان می نماید که جہاز چانسی امریکا بین جہاز موشک ژاپون و جہاز جنگی روس (اسکولدا) لشکر انداخته است - و دو جہاز موشک امریکا را در حفاظت بندرگاه حکم بحرکت رسانید

بوجوب قول یکی از جہازاتیکه در بندر ادرین (امرقائی) جنوبی لشکر انداخته بود یوم پنجشنبه یک جہاز جنگی که مال دولت روس معلوم می شد در قریب (سنت فرانسس) دیده شده است

یک جہاز گرمه روس (ترانس) و دو جہاز موشک شکن در روز از آبنای (گریٹ بلت) گذشته بمحافظ دریای احر روانه شده که تحقیق حال جہازات تجارتی را نماید

خبر روتر از شنکائی خبر میدهد که مجلس شورائی قونسلات متعاقباً متهمی بدین امر شد که درباره جہازات روس از دربار چین استفسار شود و جہاز جنگی روس (اسکولدا) را چهل و هشت ساعت دیگر ملت توقف بدهند

خبر روتر از چیفو خبر میدهد که لشکریان ژاپون از رودخانه (پیچن) روسیان را عقب نشانده و در ساحل قلاع مغربی بمحاذ آمده قبضه نمودند - ولی توپخانه روس ژاپونیان را از تصرف رودخانه (پیچن) و قلعه آن منع می نماید

رسماً از پتسبرگ خبر رسیده که در روز ژاپونیان بر (کورساکوسکی) حمله نموده تقصاتی ظلیل دیده اند

خبر روتر از شنکائی خبر میدهد که امیرالبحر امریکا اظهار داشته است که جہاز (چانسی) که در شنکائی وارد شده هیچگونه حکمی برای جہازات موشک شکن ژاپون ندارد - رسماً در واشنگتن اعلان شده که دولت امریکا جہازات جنگی خود را هدایت نموده است که فقط در بیطرفی دولت چین در این جنگ مسامی خود را مبدول دارند - هیچگونه دولت امریکا به امیرالبحر خود امر ننموده که عمل حرکت جہازات جنگی ژاپون گردند - چه دولت امریکا را یقین و اطمینان است که هیچگاه ژاپونیان مخالف با بیطرفی چین دو این جنگ نبوده و نیایند

(۱۱ جمادی الثانی - ۲۳ آگست)

دولت انگلیس در (مالتا) اعلان نموده که جہازات

پولتین مشخصین از حمل ذغال سنگ ممنوعند - روزنامه طمس را عقیده بر این است دولت انگلیس در مجمع بنام در مصره خود چنین حکمی نافذ خواهد نمود

امیرالبحر (لختومسکی) خبر میدهد که مقتولین کشتیایکه به بندر آرتور هودت نموده اند یکصد و پنجاه و پنج نفر قتل آمده است

وقایع نگار روزنامه دلی نیوز لندن از برلن خبر میدهد که دولت آلمان بفرستل شنکائی خود اعلان نموده که در ماده بی طرفی دولت چین در این جنگ هیچ گونه معارضه نماید

یکی از روزنامهجات روس (کروزیستک) عقیده خود را چنین ظاهر میدارد که دهوی دولت ژاپون در شنکائی بر جہازات روس قرین بصواب و قانون است

مجلس تجارت لوربول (وزارت خارجه انگلستان لارد لندون در ماده تمیین ترمه اشیاء ممنوعه جنگ اسرار نموده که با دولت روس عاجلا فیصله نماید - سائر مجالس تجارت نیز این مسئله را تأیید کرده اند

چنان تصور میشود که در نواح (سینت خوانس) جہازیکه دیده شده (اسمولتکس) باشد و این نیز ممکن است که یکی از جہازات آلمانی که به ملکیت روسها درآمده است از آن ساحل عبور نموده باشد

از ملاحظه جہاز دیگرگرمة روس که در راه کب دیده شده اخبارات انگلیسی بهذا آمده اند

روزنامه (طمس) مینویسد که اگر جہاز مذکور (اسمولتکس) باشد هیچگونه اعتباری برای روسیان باقی نخواهد ماند و دولت انگلیس باید فوراً در صدد علاج و تدارک برآید

در مجلس قونسلات شنکائی منباب غرق نمودن جہاز مجاروتی انگلیس (هیگ) رای بدین نحو داده شده که جہازات روسی بر خلاف قاعده و بدون دلیل بین چنین حرکت نموده - عدالت بحری و وزارت خارجه را لازم است در ایجاب تدارکات لازمه را بنمایند

(۱۲ جمادی الثانی - ۲۴ - آگست)

بر بندر آرتور حمله ژاپونیان جاری است - ولی حالات مفصلیکه از (جیفو) میرسد مسلسل نیست با این همه معلوم میشود که اندک اندک ژاپونیان تقدم میجویند

غیر روزی از (شنکائی) خبر میدهد که میعاد مقرره هریران شدن جہازات روس از اسلحه و یا حرکت شان از بندر شنکائی رسیده ولی تا کنون روسها هیچ اقدامی نموده اند - دسته جہازات جنکی ژاپون در خارج شنکائی ایستاده منتظرند

غیر روزی از بندر (درین) خبر میدهد که جہاز گرمة روس (اسمولتکس) در تلاش جہاز تجاروتی انگلیس (آرملی) که از نیویارک حمل اسباب راه آهن نموده بجانب (فوسن) میرود بکین است - جہاز (آرملی) از بندر (درین) بوم یکشنبه گذشته است

امیرالبحر (وری نیس) خبر میدهد که بواسطه نقصانات زیاد جہازات (اسکولد - و کرا سوموتی - و واتها) را دولت روس بر حکم بحرانی بر طمس داده است

غیر روزی از توکیو خبر میدهد که بطریق رسمی

ظاهر شده که جہاز روس (سوانسپول) بوم سه شنبه در چنینکه اراده حرکت از بندر آرتور داشت به سرنیک دریا مصادم شده شکست مجدداً مجبور به ورت گردید

من باب اعلان دولت انگلیس در (مالتا) و منع حمل ذغال روسیان اظهار رنجش نموده روزنامه (نیویورکیا) مینویسد که این حرکت انگلیسیان طلبه عداوت با روس را ظاهر میدارد - چه حمل ذغال از بندر (مالتا) هیچگونه نقصانی به ژاپون نمی رساند

غیر روزی از (جیفو) خبر میدهد که بتاريخ ۲۱ ژاپونیان قلعه «آیشال» را متصرف شدند - و دو قلعه دیگر را منهدم ساختند

در بندر آرتور هیچ مقام و مکانی نیست که از شلیک ژاپونیان مسموم نشده نقصان نیافته باشد

سراسر جشن ولیمبد دولت روس که مولود جدید است در (پتروف) بعمل آمده و بسیار باشکوه بود ۳۰۱ توف شلیک شد - تمام شهر را آرایش و آیین بسته بودند - از طرف امپراطور آلمان و پادشاه انگلستان نواب مخصوص برای شرکت در جشن ولیمبد روس در (پتروف) رسید امپراطور روس با کمال گذاشه روئی آثارا ملاقی گردید

(۱۳ جمادی الثانی - ۲۵ آگست)

موجب تلگرافیکه از پاریس رسیده بر جہاز جنکی روس (دیانا) در خط آب کلوه سخن رسیده نقصانی زیاد یافته است - و کلوه دیگر ژاپونیان ۴ نفر را مقتول و ۲۳ نفر را مجروح کرده است -

موجب حکمیکه دولت انگلیس نافذ نموده در هیچیک از بنادر کب بدون حکم دولت انگلیسی به جہازات روس دغال داده نخواهد شد

ولی از هریران شدن جہازات جنکی روس از اسلحه در شنکائی دولت مشارالیها این امر را خواست کرده است که ژاپونیان اطمینان دهند که من بعد مسئله جہاز (ریجلی) را تجدید نمایند -

غیر روزی از شنکائی خبر میدهد که برای تعمیر جہازات جنکی تا ۲۸ کشتی های روس را در شنکائی مهلت داده اند و وقایع نگار طمس از شنکائی مینویسد که دولت روس به امیرالبحر خود حکم داده که فوراً جہازات جنکی را هریران از اسلحه نماید - دیشب ساعت هفت جہازات مدسکور علم جنکی را خواہانیند

در مجلس تجارت لندن آتشبه که تجارت هند و چین را دارند امروز انجمن شده که دولت انگلیس فوراً باید ترمه اشیاء ممنوعه جنگ را مین نماید - تعجب است که سلطنت نقصان تجارت را هیچگونه خیال نمی نماید

مسترلنور صدر اعظم انگلستان خواهشات مجلس تجارت را قبول کرده فوراً در صدد اصلاح خواهد برآمد - مستر بلقور اظهار داشت که روسیان ذغال و ادزاق را شامل در اشیاء ممنوعه جنگ نموده اند - دولت انگلیس هرگز نمیتواند با خیالات آلمان همراهی کند - دولت روس باید بداند که سلطنت انگلیس هرگز منحرف نخواهد شد از قانون کلیه که در ترمه اشیاء ممنوعه جنگ بلذای دول رسیده است اگرچه تا کنون این امر به ثبوت نرسیده که دولت

روس در تلاش جہازات انگلیسی و دول سائرہ شرقیہ میکنند. - ہرگاہ این مساعی بہ ثبوت پیوندد نتیجہ نیکو نخواهد بخشید .

❖ بموجب تلگرافیکہ از لیاؤیاک در پترسبرگ رسیدہ می ہزار قشون ژاپون با دوست مرادہ نوپ دو دو قطار از پنکو بجانب ہیوننگ و قطار سوم بجانب شمال راہ آہن از راہ مغرب حرکت نمودہ اند .

❖ جہاز گرمہ روس (بودل) جہاز تجارقی انگلیس (ایشیا) را کہ بجانب کنگ می آمدہ در قرب (سنت و سنت) جلو گرفتہ دو ساعت مطلق نمودہ است .

❖ خبر (روز) از توکیو خبر میدہد کہ دو کشتی موشک روس در داخلہ بندر آنتہر دیہب و سرنگ دریائی مصادم شدہ یکی غرق دیگری قصان زیاد یافتہ است - تلفات آن تاکنون غیر معلوم است .

❖ بموجب خبریکہ رسیدہ سہ جہاز گرمہ روس در کبب از جہاز آلمانی ذفال حاصل نمودہ اند .

❖ خبر روز راہ شکنی خبر میدہد کہ وساک حکم ہریان شدن جہازات جنگی روس از اسلحہ اشاعت یافتہ این جہازات تا آخر جنگ در ہیچ میدان شرکت نتوانند کردہ - جہازات ژاپنی تا وقتیکہ جہازات مذکورہ ہریان نشدند در خارج بندر شکنی لنگر انداختہ ہوندد .

❖ خبر روز کہ در اردوی جنرال (کروکی) است خبر میدہد کہ زمین ما حشک شدہ و موسم نیکوست .

❖ بموجب خبریکہ رسیدہ لشکریان روس بہ ہیئتہ اجتماع تمام قلاع و سکرما و مستحکات لیاؤیاک را مضبوط و محکم می نمایند .

(۱۴ جمادی الثانی - ۲۶ آگست)

❖ امیر البحر استومسکی از بندر آنتہر خبر میدہد کہ جہازاتیکہ بہ بندر آنتہر در تاریخ ۱۱ ہودت نمودند ازین مراد است - ریتوسان - سواستپول - برسویک - پایدا - پالتاوا - بالادا - و سہ کشتی موشک دیگر - از لشکریان جہازات مذکورہ ۲۸ متول و سیصد و ہفت ہجروح ہدہ اند .

❖ کپتان جہاز توک خبر میدہد کہ در مرحلہ چہل و پنج دقیقہ بر جہاز مذکور عازی خط آب سہ و در زیر آن دو سوراخ از شلیک ژاپونیان واقع گردید - آتش خانہ و دیکہ بخار ان از کار افتاد - چون خوف آن بود کہ ہیاتہ گرفتار شود شلپار و را غرق نمود - سہ نفر در ہوزدم و نہ نفر در ہستم از سہلا مذکور ہتہ رسیدند .

❖ جنرال کرویانکن خبر میدہد کہ بواسطہ گرمی ہوا در اردوی او مرض اسہال شروع پیدا نمودہ .

❖ در جانب جنوب (آوششان) بین لشکریان ژاپون و روسی جنگ های خفیف می شود .

❖ در جہازات روس کہ حل ذفال و آب داحت از دست جہازات جنگی دریایی ہالیگ از ہوا از داردتر گفتہ است .

❖ خبر روز از (لیاؤیاک) خبر میدہد کہ ژاپونیان در ۲۲ میلی مقامات مغرب و جنوب آغاز ہجنگ نمودہ اند .
❖ بموجب تلگرافیکہ از پترسبرگ رسیدہ بطاریخ ۲۳ لشکریان روسی در بندر آنتہر بر ژاپونیان حہ نمودہ دشمنان را قتل رسانیدند و شایقہ اند .

❖ جنرال کروکی آغاز بہ پیشقدمی نمادہ مقدمتہ الجیش دولتیہ منظمترین در سرحدات متصرف روس آغاز ہجنگ یافتہ غالباً بین سواران روس و ژاپون مقابلہ واقع میشود - ہرگاہ ہوا مساعد و موسم از احتدال نگذرد در بین سہ چہار روز جنرال کرویانکن مجبور ہجنگ خواہد گردید .

(۱۵ جمادی الثانی ۲۸ آگست)

❖ جنرال کرویانکن در یکی از مراسلات خود بیان نمودہ در جنوب مشرق (لیاؤیاک) بتاريخ ۲۳ از ساعت پنج صبح تا ساعت پنج شام ۲۵ تنور جنگ گرم بود و دشمنان اندک اندک بطرف لیاؤیاک گشتند کہ ۲۲ میلی لیاؤیاک است پیشقدمی نمودند و چنان ظاہر میشود کہ روسہا را از مقام مذکور عقب نشاندہ اند - جنرال موصوف بیان مینماید کہ چہار مرتبہ توپخانہ روس توپخانہ ژاپون را ساکت نمود و از این ظاہر میگردد کہ دشمنان دو چار قصان عظم گردیدہ اند .

❖ خبر روز از پترسبرگ خبر میدہد کہ جنرال کرویانکن تلگرافاً خبر دادہ کہ بتاريخ ۲۶ در هیچ سراگر (لیاؤیاک) تنور جنگ گرم بودہ و سخت ترین مقابلہ در مشرق و مغرب جنوب لیاؤیاک واقع گردید - طریقین را قصانی زیاد رسیدہ - متولین روس ۱۴۵۰ ہلم آمدہ است و ۲۴ توپ ژاپونیان از کار افتاد .

❖ خبر روز از چیفو خبر میدہد کہ ژاپونیان دو قلعہ دیگر را متصرف شدند - دیشب در راہ آہن مقامی را قبضہ کردہ اند کہ کان می رود از جانب شمال داخل شہر بندر آنتہر میگردند .

(۱۶ جمادی الثانی - ۲۸ آگست)

❖ خبر روز از توکیو خبر میدہد کہ میچگونہ خبر مصلی از بندر آنتہر و لیاؤیاک رسیدہ ولی این امر ظاہر میشود کہ سردی جنگ در بندر آنتہر بواسطہ آسایش قشون است چہ در بین ہفتہ جنگ های سخت واقع شدہ و لشکریان خستہ گردیدند و نشہ جدیدی نیز برای حہ بر بندر آنتہر ژاپونیان وینتہ این نوبت سخت حہ خواهد نمود .

❖ جنرال (اوکو) از روز جمہ برانشانجان و جنرال کروکی بر اینسک حہ نمودند - و چنان تصور میشود کہ دوست ہزار قشون برای مقابلہ با جنرال کرویانکن تدارک نمودہ اند جنرال کرویانکن در از زیاد استحکامات لیاؤیاک کال مجامدہ را دارد - عقیدہ کلیہ بر آن است کہ عملاً قریب دو لیاؤیاک جنگی بسیار سخت سہ فیصلہ نماید فتح و شکست دولتیہ منخاصین را بطہور خواهد رسید .

❖ خبر روز از لیاؤیاک بتاريخ ۲۶ خبر میدہد کہ لشکریان ژاپون تا کال سرعت پیشقدمی مینمایند میدان جنگ در کتر از ۵۰ میلی لیاؤیاک آراستہ میگردد .

❖ بموجب تلگرافیکہ بہ پترسبرگ رسیدہ در جنگ ۲۸ جنرال خاروف بیان نمودہ کہ اکثر تقہات جنگ در مقابلہ با شمشیر و سرتنگ بودہ است .

❖ خبر روز از لیاؤیاک بتاريخ امروز خبر میدہد کہ لشکریان روسی این از جنگ بہ عقب ہودہ دشمنان را قتل رسانیدند و شایقہ اند .

و شماره (۱۰۰)

روزنامه روز سه شنبه

صفحه اول

چهل لکن کلکته

از هر کس و هر جا بلا استثناء اونه اخبار (مقدمه گزین می شود)

قیمت اشتراک

(مدیر کل کالج استریت نمبر ۴)

روزنامه مقدس

(سالانه — شش ماهه)

کلیه امور اداریه

هند — و برمه

مدیر کل مؤبدالاسلام است

(۱۲ روپه — ۷ روپه)

منتظم اداره

ایران — افغانستان

آقا محمدجواد شیرازی است

(۴۰ قران — ۵۰ قران)

هر دوشنبه طبع

عثمانی — و مصر

(سه شنبه توزیع میشود)

(۵ مجیدی — ۳ مجیدی)

بتاریخ دوشنبه

اروپا — و چین

سنة ۱۳۹۱

(۳۰ فرانک — ۱۷ فرانک)

(۲ وجب (۱۳۲۲)

روس — و ترکستان

قبل از دریافت نمودن فیض اداره

(۱۲ ستمبر ۱۹۰۲ میلادی) (خریدار نباید قیمت اخبار را باحدی تسلیم نماید) (۱۰ منات — ۶ منات)

در این جریده هرگونه علوم و قایح سیاسی و منافع دولتی و فوائد ملتی بجا میشود
مراسلات عام المقتضه منبول و در انتشارش اداره آزادست

فهرست مندرجات

خوشبختی ایرانیان یا سعادت ملت و دولت ایران • صورت تلگرافی جهانمطالع مبارک بحکام و ولات ممالک محروسه ایران • خیل لکن • جواب تلگرافی شاهزاده اعظم سدارت عظمی • سیاسی • جشن مولود هایونی در جنرال قولسگری دولت علیه ایران • تلگرافی وزارت جلیه خارجه بجناب وزیر مقيم • جشن مولود هایونی در رنگون • خطابه • مقاله در رد تحلیست و منهای حریت • مکتوب از اسلامبول • نظامنامه مدرسة عضدیه انزلی • خیل لکن • تهذیب اخلاق • مال کار نابکار یزد بید در دنیا • مکتوب یکی از معارف خوانمان • مکتوب از بادکوبه • مکتوب از انزلی • ژاپون را سرمشق خود قرار باد • داد • تلگرافات • اشعار • اعلام •

خوشبختی ایرانیان یا سعادت

ملت و دولت ایران

بموجب تلگرافی که باداره رسیده اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ملایکه قهردان تری خواه تدابیر لایحه و اقدامات هیئت چگون اهرغه شاهزاده پانسیان عجلعید میزانی عنانوله سوده اعظم را در ایام قیام قنارت

عظمی به نظر عدالت و انصاف نگریسته که کشتی سکان شکسته ایران را (که سال گذشته همین اوقات در ورطه غرق و اعدام بود) و تا کمال فراست و سیاست و تنها ساحل نجات رسانید بلکه در این چند ماهه وزارت خود مظلومی مقرر داشته و انتظاماتی فرموده که اصلاحات امور موجوده و ترقیات آتی ملک و ملت و دولت را بهترین شالوده و محکم ترین اساس شناخته میفود لذا در قصر صاحب قرآنیه روزجشن میلاد مبارک بقلب شخص اول و صدر اعظم مخاطب و مباحی فرمودند و بجمیع حکام و ولات ممالک محروسه از جانب سنی الحوایب ذات اقدس ملوکانه بدین عنوان از صاحب قرآنیه تلگرافی داده شد

صورت تلگرافی جهانمطالع

بمضمون حکام خارجه شود از آنجا که در ایجت که کلیه امور ملکی را بسنده کنایه عین الهوله وزیر اعظم و اگذار فرمودیم آنطوری که دلخواه ما بود در تصحیح جمع و خرج دولت و سایر امورات دولتی نهایت خدمتگناری و شاه پرستی را بعمل آورده و بارها از هرجهت آموده نموده پس لازم شد که بمرحمتی بزرگ در مقابل زحمت این سرافرازش فرطیم که باعث امیدواری

هم بترکها بشود لهذا طورا بمنصب و منصب صدر اعظمی و شخص اول مفاخر فرموده و تمام حکم و علماء و طبقات و کر و مرادیا را مقرر میفرمائیم که احکام صدر اعظم را حکم خود ما دانست و آنچه حکم ناید بموقع احرى بگذارند - ۱۴ شهر جمادی الثانی سنه ۱۳۰۲

حبل المتین

ملك مصون گشت و حسن ملك مصون گشت
منت ایزد سکه چهار کنگ جبین عهد
اعضای ادلوة حبل المتین که در وقت و حین شادمانی اند حسن انجام ملوکامرا که از الهامات غیبیه باید دانست و بشادمانی سعادت آتیه و حسن استقبال ملك و ملت و دولت ایران را در بر دارد تشکرات صمیمی خود را تقدیم و از درگاه احدیت مسئلت مینمایند که دولت و ملت ایران را در سایه رأفت و دامن تربیت این پادشاه و وزیر که حدایهسان همراستایان بخشد بمقامات عالیة رفیعة سکه چهار نائل و بین الملل و الدول انگشت نما و ضرب الملل بوده اند نائل فرماید

و نیز تحریکات خلاصانة خویش را به آستان مبارک سدارت عظمی که سرپی و سائق ترقیات ملیه و دولیه ایران شناخته شده عاجزانه عرض میکنند
پاش تا سبج دولتت مدد
کاین هنوز از نتایج سعراست

عقرب است که اقتضایات نوعی و اهوازات ملی که در ملل و دول متعده بزرگترین اعزاز و افتخار شناخته شده و تا امروز احدی از وزرای - لطف و صدور گذشتة ایران را صیب نشده و لکنی لغآن چشمتی بچشیده اند این شاهزاده معظم از حسن اقدامات ترقی جواهرانه ملت پرورانه خود محفوظ و متلذذ آید - چه امروزه چشم و آوش ملت ایران باز - نیک را از بدو زشت را از زیبا و قبح را از ضرر شناسخته دوست را از دشمن و خائن را از امین تمیز میدهند و سعی شده بر سقستان متحرک و ملون وطن منوای در عز و قشاق حربان قدر دان سر بر سینه های صاوقانه ملیه و تعمیرات ملکیه و ترقیات دولتی مفرودند - چون این شاهزاده آرزو آنی از این خیالات عذب فرخ و ازین حوام بیرون نیست دیری نگذرد که بزرگترین بزرگواران از بزرگان و امینان ملت آلمان بود و باین سبب بزرگترین مفاخرت من از آن جمیع

وزرای دول اروپا زبود این شاهزاده آلمان و لوزناب دولت باو آید نیز برده و در جمیع وزارتیه دولت آلمانی بزرگوار مفاخرت را برابند که بزرگان گفته اند

کنیم از گشم برید جو نو جو

ببالجه - از انتشار این خبر مسرت گردیدیم و چون در وقت دولت آلمان بشان رفیق بشان تمام مفاخرت فوق مسرتها بود نجاب آقا میرزا محمود خان منیر المملکتان وزیر متیم که در طرف مقامه رطابا و نجه دولت علیه ایران مقیم هندوستان بسده سنه سدارت عظمی تلکرافاً تبریک گفته و بموجب ذیل جواب یافتند

جواب تلکراف شاهزاده اعظم

صدارت عظمی

وزیر متیم از تبریکات شما و نجه امتنان حاصل سعادت ملت و موکبیت مفرودا از خداوند خواهانم (سلطان عبدالعزیز)

سیاسی

از هشت ماه بدین طرف بزرگترین میانه که در اقصای شرق بین دولتن متحصارین روس و ژاپون آراسته گردید جنگ [لیاؤیلک] بود - از بدو مدار که نازش روسها را باستحکامات طبیعی و حصون مصنوعی بندر آوتور و لیاؤیلک مینوشتند و صاحبان خبرت و بصیرت و ارباب درایت و سیاست را عقیده این بوده سکه تسخیر بندر آوتور برای ژاپون اتقای قوت بحری خصم در اقصای شرق است - و قبصه بر جزیره های (لیاؤیلک) اعدام قوای بری او در منچوریا میباشد - چه حصون طبیعی بندر آوتور و لیاؤیلک بقسی حصین است که در اندک توجه باستحکامات آن برای لشکر خیم دشواریهای عظیم پیش مینماید - اهمیت مرکزی [لیاؤیلک] برای حکومت منچوریا از جمیع مقامات پیش است - فاصله هشتاد میل از سه جانب او که های رفیه و فله های منیه سر بهم داده و طریق و طرقی منحصر است از عبور لارهای باریلک و راه های تنگ سکه از جو طرفش کوه ها بر بکر بکر بکر میباشد و لیاؤیلک به سال است و در حدود این مفاخرت میباشد و بجز این دولت و سحر دعای اختصامات لیاؤیلک را دیده اند و باین سبب بزرگترین مفاخرت من از آن جمیع

کتاب تاریخ روسیه و ژاپن (۲) (۱۳۸۸) - فصل پنجم ژاپن و روسیه - سپتامبر (۱۹۰۵) - صفحه ۱۰۴

و اینکه باقی مانده بود که جنرال کروپاتکن
 توجیه همکاری ژاپن با جاپان (لیاویانک) داشته و
 اردوی مرکزی خود را در لیاویانک قرار داده و
 بر استحکامات طبیعی و مصنوعی آن آنچه توانست
 انجام دهد تسلیم است. اما برای آنچه بطریق موقوت ظاهر شده
 همکاری روس در (لیاویانک) قبل از آغاز جنگ
 در پیست و پیست و پیچ هرگز بوده و از تاریخ
 ۲۴ آگست تا اول سپتامبر دو (لاگور) که عبارت از
 صد و نولسک باشد - کنگ اردوی جنرال کروپاتکن
 رسید. اینهاست که عیناً در کل قشون ژاپن
 (مارشل آرمان) در بیانات رسمی خود قشون روس را
 در جنگ لیاویانک سیزده دویزین نوشته که عبارت از
 سیصد و بیست و پنج هزار پانچ و نیز جمع تلگرافاتی که
 از وقایع نگاران اخبارات مختلفه رسیده حال اینست
 بر اینکه توجیه روس در لیاویانک هم بر اینکه بدین
 از ژاپن بوده بهتر هم بوده است - مذاکره این گونه
 شکست فاجعه خورده و تا این پایه عقب نشین جز
 قهر و هراس و مصدوقه (نیز من نشاء و ندر من نشاء)
 را طریق تسلیم نداریم - جمیع تدابیرش ماعدا جنرال
 کروپاتکن که در استحکامات لیاویانک بر روی جلوگویی ژاپن
 نموده در غرضه شش روز ژاپنیان از میان برداشته
 عقب تر آنکه تا این قتح نایان و غلبه بین و تحمل دشواریهای
 گران ژاپنیان از پای نه نشسته جلو خود را برای
 حمله بر [مگدن] صافه میبایند - اینک از دو جانب
 مضرب خیام اردوهای ژاپن در پاینده میلی و هفده میلی
 مگدن است از این نظر میشود که باوجود شدت بارندگی
 و قنایه و ایستادگی خصم ژاپنیان صف راه مگدن را
 طی نموده و مقامات متین را متصرف شده اند - هرگاه
 یوان سد راه نبود جنرال (کروپاتکن) را قیام و ورود
 در مگدن ممکن نبود چون شهر مگدن در دشت واقع
 شده و هیچگونه استحکامات طبیعی ندارد چنان گمان
 میشود که جنگ سعی واقع شده به تصرف ژاپنیان
 در آید و هرگز جنگ خود را جنرال کروپاتکن در
 (هالین) قرار میدهد

به ژاپنیان راه آهن را تصرف کرده چنانکه آنان را
 بر کاشان و خاکینا خود قویا تسلیم کردیم برای
 و اینست که در روسیه و ژاپن در این اسباب استوار است

تصور میشود چه خصم را مایه سبوت و نزدیک
 همکاری ولی چون راههای آهن این نواح همه قبضه
 ژاپن آمد تا درجه مایه سبوت و پیشرفت برای دور
 جنگی او نیز تصور می شود. دولت ژاپن در منچوریا
 امروز متکمل نگاهداری و حفاظت حرار و با صفا بین
 و بالغ بر یکصد و بیست مقامات منیه است و همین است
 قوای جنگی ژاپن را تا درجه نوزده عوهه و نیز هر
 قدر روسها بجانب شمال عقب نشینند بمركز خود نزدیک
 و ژاپنیان از دائرة خویش دور میگردند و این نکته
 طبقت سبب ضعف ایشان و قوت آنان تواند شد -

موسکدر مسحق (لیاویانک) جنگ خواهد شد یعنی
 روسها بقاعده که تا امروز جنگ کرده اند برابر ژاپنیان
 چنان امتیازات خواهند ورزید روسها از این و بعد
 اردوی مرکزی خود را در دویا و لایاویانک و در
 جنگی (هالین) مقرر خواهد نمود - و آخرین مقاله
 سخت در بری و بجوی در این دو مقام خواهد شد
 در صورت فتح ژاپن این دو مقام را جنگ منچوریا
 را خاتمه تصور باید کرد مبصرین اروپا را عقیده این
 است که در فتح هالین ژاپنیان را جدان زحمت پیش
 نخواهد آمد - مگر روسها در این موسم زمستان
 اعتماد بقنایه با ژاپن را طریق کامل به یقین مسلم
 است دولت ژاپن نیز در مقابله با خصم آورده
 نخواهد داشت هرگاه جنگ موسم آینده افتد چنانچه مسلم
 است باید در انتظار جنگ بزرگ در موسم آینده شد
 بهر صورت قوت جنگی ژاپن با امروز در مقابل دولت
 قوی پخته روس حاصل نموده حیالات سیاسیون اروپا و
 ممالک پیشان مغرب را در راه شرقیان متزهج ساخته
 قسرا در سینه های شان حبس نموده نزدیک است که ارجامه
 تمدن و ترقی خارج شده به طایفه باغی با جمیع اروپاییان
 را در محو این قوت شرقی دعوت نمایند این است که وضع
 نگارش روزنامه های انگلیسی نیز بمقتضای مصلحت تدبیر
 یافته و ظهوره بیان ملتفند - اگرچه این شده است از
 سینه همسر زده ولی دول مغرب اورقابت و حقوق یکدیگر
 علناً ابراز این خواست را میدهند دولت ژاپن و خود
 و مسحق تا از برای آسیایان پیدا نمود - یکی اورسال با
 سیاست آمریکا میگوید هر چه را که ملاحظه میکنیم و هر
 قدر آنرا که ملاحظه میکنیم در اینجا هم در اینجا در این نقطه فتح

فنیب ژابون خواهد بود - بدو عنبر روسیستان عدم استعداد بود یقین است که در هرمنه عفت ماه همگونه استعداد جنگی را در (لیاؤتاک) دیده بود معنات عفت روز در مقابل ژابون استقامت نورزیده خود داری نکردند

چشم مولود هایونی

در جنرال قونسلگری دولت علیه ایران (تاریخ چهاردهم جمادی الثانی در محفلت بیلاقی جنرال قونسل گری دولت علیه ایران در (بونه) جناب آقا میرزا محمود خان مفتاح السلطان وزیر مقیم جشن مولود مبارک شاهانه را در منتهای شکوه گرفتند - بدو (کارت) دعوت طبع شده هموم تجار ایرانی و محترمین و معززین را از هر طبقه در بونه دعوت فرموده نهار بسیار مفصلی صرف و عصر همان روز مجلس رساه منعقد و جناب وزیر مقیم با لباس نیم رسمی نشسته پس از قرائت خطبه و لفظهای بلیغ که حاوی بود صفات حمیده و خصائل پسندیده ولی نعمت کل ایرانیان و ترقیاتی که در عهد فرخنده میمون این شاهنشاه جهان پناه حاصل شده و تبریکات سیمیا به بخاندان سلطنت و شاهزاده صدراعظم و دمای سلامتی ذات اقدس والا ولیعهد دامت ولایت الکبری چند شیفته عتق بیست اجتماعیه گرفته شد جناب وزیر مقیم جواب تلکرافات تبریک که بتوسط ایشان بطهران فرستاده شده رسیده بود اظهار نمودند - و این عبارت بود از تلکراف تبریک خودشان از طرف ایرانیان مند هموم و تلکراف نهیت اعضای انجمن مظفری کلکته و قونسل گری رنگون وغیره - جوابات تبریک که بتوسط جناب مستطاب مشیرالدوله وزیر امور خارجه رسیده بموجب ذیل است

تلکراف وزارت جلیله خارجه

بجناب وزیر مقیم

تبریک جناب شما و هموم ایرانیان و اعضای انجمن مظفری و ویس قونسل و ایرانیان رنگون بخاکهای هایونی تقدیم شد خاطر مبارک خوشوقت گردید

از آن بعد طایفه زردشتیان به وقت اجتماع در حالتیکه معلم روحانی خود را جلو انداخته وارد شدند هر بیسته تبریک عید هایونی را قرائت کرده اظهار بیبودیت و

خاکساری را کا بلیق بجای آورده سپس جناب وزیر مقیم در وسط قرائت گریه متعجبین دور ایشان حلقه زده رای یادگار چند شیفته عکس گریه شد

اسال جشن میلاد هایونی نوروز و جنرال قونسلگری گرفته شد که در هیچ سال بدین وضع دیده نشده حتی این است که وضع سلوک و حسن مشرب جناب وزیر مقیم خیلی جالب توجه خاطر ایرانیان اهم از مسلمانان قری و ارمنی شده مزید دعا گویشسان بذات اقدس ملوکانه و دولت علیه گرفته است

چشم میلاد هایونی

در رنگون

یوم جمعه ۱۴ جمادی الثانی (۱۳۲۲) که مصادف با روز میلاد مبارک اعلی حضرت اقدس هایونی بهترین سلاطین عدالت آیین - بهترین شاهنشاه مسلمین ملوک الملوک والسلاطین

(برهان ظفر مظفرالدین شاه)

خداقده ملک و سلطان بود در کالار عالی (وگتوریا) که از بزرگترین عمارات رنگون است جناب آقا محمود قونسل دولت علیه ایران انقاد مجلسی بسیار با شکوه نموده حماید و بزرگان را از هر طبقه دعوت نموده بدو جناب حاجی عبدالحمین اصفهانی بیای خاسته خطبه که دیلاً نگارش خواهد یافت قرائت نمود و جناب آقا سید علی اکبر شیرازی نیز در زبان انگلیسی مطلق مفصل داده که حاوی بود بر صفات حمیده و اخلاق پسندیده ذات اقدس شابعانه جمع مجلسیان سلامتی ذات اقدس هایونی را تا آواز بلند خواستند از آن بعد صرف شربت و شیری و فواکه شده مجلس ختم بخیر شد

خطابه

آغاز سخن بنام خداوند

بخشایشنده مهربان

روایح روح افزای حمدی که مقام مقدسان ملائقی را سرگرم علیه تسبیح سازد مروه جنیان عقل قدس ذالجلالی تولد بود که بنقشه حیات بخش (و بخشنده) فی من روحی - خجسته بیکر السانویا در تپاشی هیچ ایجاد از گران خوابید عدم بیدار بیاطمین و بیجوشی تپای پویایی که با ظهور تپای اعجاز خدای مهربان و

درگش نورجبه ووشن ضمیران (سیاهم فی وجودهم
من اولسجود) عنوان صحیفه کرامتس کریمه (انما
ولیکما) و برات نجات دوستاش مصدوقه (اللهم
وال من والاه) کاسر رایات اکاسره طنبسان وغوایت
وهادم قصر رفعت قیاسره کفر وضالات اعنی اسداقه
الغالب و شهابالتاق علی ابن ابیطاهر علیه و علیهم
صلوات الله (ماتلا لالساه بالتواب) /

بر صاحبان مقام و دوستان کرام غنی و
مستور نماید که چون امروز مطابق با روز فیروز
ولادت با سعادت حضرت اقدس شهریارى حدیقه
ملکه اعنی اعلیحضرت قدر قدرت قویشو صکت قضا
مهابت سلطان العادل الکامل البازل الفاضل مظفرالدین شاه
قاجار خلداده ملکه سلطه شهنشاه کل ممالک عروسه ایران
اصنافه من الحدتاتن میباشد لازم دانسته محض خاطر
طاهر فیض مظاهر وجود مسعود اقدس پادشاهی تهیت
و مبارکبادی گفته شود و مخم مجلس بدعاگون ذات نا
برکات ملکوتی صفات مقدس هیوس گردد - این است
که جناب آقا محمود صاحب قونسل دولت عایه
ایران این مجلس مطلوب و محل مرغوب منقده نموده
که ما رعایای جان نثار ذات اقدس شهریارى را و
خانواده سلطنت عظمی را تبریک گفته تا کمال مسرت
حاضر یسکدیگر را نیز تبریک گوئیم لذا ما ایرانیان
و ایرانی نژادان رنگون با کمال بیعت و سرور و شرف
غیر محصور ذات با برکات ملکوتی صفات مقدس
اعلیحضرت پادشاهی را و حضرت اقدس وایسند
سکردون مهد را تهیت و تبریک گفته از دل
و جان دعا سکو و ثنا خواتیم و ازدیاد عمر و
دولت ابد مدت اعلیحضرت قدر قدرت قویشوکت
قضا مهابت سلطان العادل الکامل البازل الفاضل السلطان
مظفرالدین شاه قاجار حدیقه ملکوه و سلطنته را از
خداوند تعالی عزشاه خواهانیم از جهت سلامتی و
ازدیاد عمر و علم و تقوای و ورع و برهنگاری علای
اعلام کزافه امثالهم و ایضا از جهت سلامتی حبیباج
و مسافرن و زایرن قبر حضرت خانم التیین صلواتالله
وسلامه علیه و آله و سبه اجمعین و باز از جهت سلامتی
خاتمین دمای خیر میبایم

(بجانبین الاستغاث)

بخیال اقلیاس از خواب المول برخیزد نثار بارگاه ملک
الملکی را سواست که در خیالی شبهای شبست بجهت
اعتدای مالکان طرایق عرفان ذرات وجود را بانوار
بهراست (سزیم آیتنا فی الآفاق فی انفسهم حق بتین
لم انما الحق) معصه دار ظهور آیت وحدانیت خورش
گردانید و کته ذات بیچون را از نظر دورینات خاطر
حالی ایتان و ساکنان حرف رفیقه عرفان محبوب
ساخته - جایکه مرش المعرف حاملان مرش معرفت را
اعتزای بسجور باشد آلودگان معموره امکان را
به جای خیال عرفان - و در فضائیکه اوج همت بلند
پروازان هوای عرفان را در وصول شرف قصر شرف
اقرار تصور باشد محبوسان مسطوره خاک را کجا هوای
ادراک (لا الموالاعلی فوق کل مال والجلال الایجد فوق
کل جلال) و کراکب ثواب صلوات متصلات و تسلیات
متوالیات که از خبای ضمیر خلوصشان شاهد طلم آرای
صبح صادق مجال جلوه جلال جز جلیاب اختفائیات
جره جهره روضه مطهره و ضریح مقدس برگزیده را
رواست که کم گشتگان فبانی تپهای ضلالت و شیدایان
بیدای بی منهای جهالت باقتباس آثار شریعتش مبهط
تجلیات انوار طور سینسای حقیقت و بقین کریده اند
طلیحه طلوع آفتاب رسالتش ید و بیضای موسوی و
مبشر مقدم فیروزی ارش نقش جان بخش عیسوی
رفیع قدری که منشور نبوتش بطفرای فرای (وما
ارسنک الا رحمة للعالمین) موشح و مطر است و بلند
مریبه که بر قامت هنرتش خلعت (لولاک لما خلقت الانساک)
زیبا و رساست (علیه و آله و صحابه من الصلوة امها
و ابهاها ومن تسلیات انما واستاها) و عوارق انوار
تجلیات منتجیات که ابصار ارباب بصایرا خیره و سپور
سازد شمع شبستان قدس آل اطهار و عزت اطهار او
نواند بود که نور تو لایشان در قلوب اصحاب بقین
(کالمصباح فی زجاجة) لامع و درخشان و ریاحین ایمان
در حدایق صدور ارباب عرفان به نسیم مودتشان
شگفته و خندان است آیت علو قدرشان (تنزل الملائکه
والروح) و شرح سفینه نجات محبالتان (مثل اهل بی
کله سفینه نوح) سپا شهاب قالب سپای ایت و جهاد
و متناخ طبع (لا مدیا لکم و علی بابها) که برقی تیغ
ظلمت و دلان و جلاد حیره دلان کفر و تجسود و عباد

مقاله در رد نظریست و معنای حریت

چون خلق بفرسید عوالم کره ارض خود قاده و بحسب
حسب خیراء عطف نظر نموده بدیده تدبیر و نظر تعمق
بدی نگریب و آثار طبیعت را در سطح آن تجسس
کنیم در حلت مختلفه و انواع متباینه مشاهده نمایم
(بعضها فوق بعض) خواص و اوصاف و شئون
هریک را بنوعی خاص و طرزى جدید بنیم یاره را
قوت و توانی از خود نیست بحالت جهاد یا میعان قاده
نه از حرارتشان ناذی است و نه از سرمای شان
بلك وطائفة را طبیعت کلیه خاصیت نشوونما بخشیده وقوة
ایات و ترقی عطا نموده میروید و بر میدهد و از آثار
و آثار خود جوی را منتفع میسازد بی آنکه خود
بفهمد و از حرکت و سکون و سرسبزی و خشکی
مطلع شود در چمن عالم دست پرورده چن آرای کلاند
اگر خویند یاد شیرین با تلخ بهمان دست که میپرورد
میرویند و دست دیگر تابع حرکت و اراده و دزای
حواس مختلفه و امرجه متکثره و صاحب حیوة و زندگانی
که مؤلم و متاثر میشوند و ادراک ملایم و متاثر مینمایند
باقسام متعدده آن از حیوان بری و بحری اهل و
وحشی درنده و چرنده خرنده و پرنده چنداں سکه
محاسب و هم از تعداد عاجز شود - بعضی را چنان
بزرگی و عظمت داده که رؤیت آن بقتده را بوحشت
اندازد - و برخیر آسان کوچک نموده که چشم را دیدار
آن ممکن نشود

(سبحان من تحیر فی صنعه العقول)

با این همه تباین ذات و اختلاف حالات صفات
دست موجد کل جات قدرته و عمت حکمته دو طبیعت
خالق مشرک بودیت نهاده و سر نظام طبیعی را آشکار
ساخته و انتساب همگان را بیک مبداء قدیم اثبات نموده
ذرات کائنات از حیوان مکروب تا اشرف مخلوقات
(فرزد اسان) مجردات و مادیات محسوسات و مقولات
را ذوق ذاتی و حب فطری و شوق جبلی باصری
واحد است گوئی قوام و دوام خود را بوجود او
مربوط دانند و وجود خویش را بدون او محال تصور
کنند همگی جويا و بویای این گوهر گرانبهاله و در
آرزوی وصالش مهره گردان این بفضاء و طایف دور
این گنبد مینا هستند و بزبان حلی گویا ایات طائفه

در هوای جمال عظیم الملائش انشاء مینمایند یا بحسب
آتش سوزان در آتش محبتش سوزان - یاد صبا پای از
سر شناخته بکوی او دوان

(بر هر چه نظر کردم سپای تو می بینم)

(سرهای سرافرازان در پای تو می بینم)

این همان محبوبی است که جلها نثارش سازند زن
و مرزند مال و ثروت قربان قدم میمونش نمایند در
هوای وصلش بیابانها قطع میکنند دریا ها در نوروند
قلل جبال شامخه را گلستان ارم دانند و خار مغیالین
را در وصول بحضرتش کل و روحان شپارد

ترکت الخلق طرافی هواکا

و اعمت الیبال لکی اراکا

هانا آن ذات بهیال که مقصود کائنات و قیله
موجودات است حالت راحت و بودن بر هیچ طبیعی
است تا در تحت فشار قاصر نهوده جوهر وجود
خود را ظاهر سازد سکه باسامی مختلفه خویشی و
راحت و آسایش و اختیار و شادی و بسبب سادگی
خیلی طبیعی آزادی و حریت نامند - هر چیز با این
حالت خواص محسوسه خود را ظاهر سازد و
از وجود خود دیگر را بهره مند نماید - فی ائکل سیاب
سکه درین فلزات درجه یسقی را از انتفاع داراست
اگر در خلاء ماند و فشار قاصره هوا مزاحش نشود
درجه حرارت و برودت را نشان دهد و بحالت آزادی
خدمت نماید - پشه ضعیف که ناتوان ترین حیوانات است
اگر اسیر و دستگیر شود تا اقصی القوه برهائی نازک را
بر هم زند و بصوت ضعیف خود فریاد الظلم الظلم
الدخیل الدخیل برآورد و از پای تشیند و کوشش نماید
آخر یا جان بر سر آزادی نهد یا اردست تعدی اسارت
و بند آسوده شده ببار مذلت و مسکنت عبودیت
تن در نهد - مرغ کوچک که در فضای وسیع حریت
پرواز کرده و بر درخت شاداب اطلاق آشیانه نهاده
و از سرچشمه آزادی آب زلال راحت نوشیده لذت
این آسایش را دانسته ولو در قفس شهد و شکر بکامیش
ریزند و از زحمت پریدن و در طلب روزی و رزق
بهر سو گشتن معاش دارند هر آینه بر نمب و غمش
افزاید شهد در مذاقش خنک و شکر در دهانش
سهم ناب ارتقش خواهد نمود - هیچ چیزی در عالم

فداست و لذت شهید آنرا نچشیده در شهرستان آزادی
قدم نهاده کنش را با کلاه فرقی نداده در فتولی نامه
و افهان فائزه شان معنی کله را تصور نکرده طریقی
معاش جز در سایه رقی و بدگی فرض نمانند. خدای
وار دیده سیرتشان بضایه عالم آراء نیر اعظم حریت
نور بخش گشته جز ظلمت بندگی وجودی دیگر را
در عالم متخلله نیز تفکر نکند فی الحقیقه مثل اینها چون
بهائیم و امام است که زندگی را فقط بار کشیدن و علوه
خوردن میدانند اگر آواز را رها کنند باز سر اطاعت
پیش آورند و معنی خود را بهر از این طریقه محال
دانند. از اینرو در وصف این گروه وارد شده (اؤلک
کالانسام بل هم اضل سیلا کولی بلید معنی آزادی را
شناخت و حیثیت آنرا بدست آورد که مراد از آزادی
نچیزی است صکه حزب (انارشیت و نچلیست) و
آشوب طلبان میگویند (باقی دارد)

مکتوب از اسلامبول

(ار شماره ۲)

تا امروز چون شخص اول دوات ابداء از علم و
اصول مملکت داری خبری نداشت و جز نفس رستی و
رزل پروری و فتنه انگیزی در میان ملت شیوه نمیدانست
سایر بزرگان هم اکثری بتفاق فطری که طبیعت ثانوی
آنان گردیده گرفتار بودند چیزی که در فکرها آن
نیوید آسایش ملت و شوکت دولت - سخنی که بزبانها
جاری نمیکرد انظ حیت و اندیشه که در میان نبود
ملاحظه آینده مملکت و خطراتیکه در پیش است. امید
داریم پس از اصول مشورت و قانون معروفیت از
برتر اقدامات وزیر با دانش مدین اجرا و در اطراف
منافع و طایفه قله های متین از افراد غیور وطن پرست
تشکیل یابد و هیئت اجتماعی ملت از برصکت اصول
مشورت نائل با آزادی و مساوات گردیده یکدل و یکجهت
در حفظ حقوق و شئون دولت و ملک و ملت با تمام
مسئله خود آماده و مهیا گردند.

امروزه نخستین چیزیکه از برای ایران و ایرانیان
واجب و لازم است اتحاد و اتفاق عمومی است و اتفاق
هیئت اجتماعی ممکن نیست مگر با ایقان و آگاهی آنان
بر آنکه وطن مشترک قمع و ضرر او نیز مشترک میباشد.
و تا اصول مشروطیت در میان نیاید و به آرای عمومی

لغت حریت و آزادی مقابله نتواند بود و هیچ الم
و اندوهی بیایه بندگی و رقیت نتواند رسید - خوشی
زندگی این جهانی بلکه راحت جاودانی جز در سایه
اختیار نیست - این است که در مال متمدنه و ممالک آزاد
نخستین نوع مجازات ماصیاترا منع حریت و توقیف از آزادی
مقرر داشته اند عقلاء و دانایان این گونه سیاست را
بزرگترین وسیله امنیت عمومی فهمیده اند و نام او را
حبس و قید و زندان و توقیف نهاده اند. چه هر کس
میداند حالت محبوسین حلیه فرنگ را هیچ وجه تکداری
جز از منع آزادی نیست از جهت مأکول و مشروب
و ملبوس و دیگر لوازم معیشت نهایت رفاهت و آسایش
حاصل است هانا درد ناگوار توقیف حریت و سلب
قدرت و اختیار است - اشخاصیکه در طول سنین قدم
از کاشانه خود بیرون نهند و اعتزال و گوشه گیری
پسندند اگر محکوم شوند که روزی بل ساعتی مجبوراً
در قفله بل در خانه خویش متوقف گردند فضای
عالم در پیش چشم شان تیره و تشنگ و این گونه زندگانیرا
تنگ دانند. و بسا شده که خود را بدست خویش هلاک
کنند یا در دنیا طعمه طامیان سازند که در سر نیجه اسارت
و رقیت گرفتار نشوند که (الموت اولی من رکوب المار
(امی که اندک بوی آزادی بشاوه آنها رسیده
هرگزین بسبودیت و مذلت در ندهند چنانکه مات (بوش)
که جوی مردمان زارع بر بصاعت و استطاعت بودند در
هوای آزادی از سلطوت و صولت دولت بریطاییای عظمی
اندیشه نکردند و پروانه وار خود را بر آتش خصم زدند.
این گروه اگر مغلوب نیز بشوند و همگی کشته و پایمال
سم ستور سکرند هرگز مورد ملامت و شهادت واقع
نگردند زیرا که بایسته خود را بعمل آورده اند. دولت
و ابون هر بنکه خصم قوی نیجه را دید که چون سیلخانه
کن بطرف جزایر او روان است. و اگر خاموش نشیند
بر آزادی او بیم خطر است فریاد برکشید و ملت را
آگاه نمود با تمام قوای خویش در سدد رفع دشمن و
سد این سیلخانه کن برآمد ولو آنکه جان در آرزاء
بازد چه قیمت حریت بسی مراتب از زندگان زیاد است
بلی نومی از ناس که بصورت متشکل بشکل انسان
و هر معنی به ناس و حیوان اند که خیر از شر و نفع
از ضرر و راحت از خطر نچیز نمانند معنی حریت را

یادگار هدیه برای شما تبارك نایم ناچار خواهم شد از استقراض وجهی که اهالی او از برای من غیرممکن است لذا هدیه شما را نمیگیرم و بشاهم هدیه میدهم

و نیز حکایت مینمود هنگام حرکت بیک نفر ضابط و بک تابع که جبهه همراهی او مشخص نموده بودند بک طاقه شال کشمیری جبهه ضابط و بجهه فرانک جبهه تابع فرستادند نذیرقتند بسادت ایران بداشت کم است بجهه فرانک روی شال گذارد و انعام تابع را هم صد فرانک نموده باز رد نموده پاسخ دادند رد نمودن ما نه بجهه کی است بلکه جبهه ما دولت و ملت معاش تعیین و خدمتی مشخص نموده تا در خدمت باشیم معاش ما را میسراند و هر خدمتی بفرمائید باید اجراء کنیم بجای خدمت دیگر خدمت شما را بمهده ماحمول نمودماند بعد از رفتن شما باز سر خدمت اولی خواهیم رفت علاوه از وظیفه خدمت نکرده ایم که مستحق مکافات مخصوص باشیم

بلی این ملت و دولت ترقی مینماید و قوی میگردد صاحب همه چیز میشود ولی میرزا علی اصغر خان بسادت دیرین از اندوخته هائیکه خون جگر پویگان و پتیان ایرانیانست در این سفر بخششها و ریشها نمود که شاید اهالی ساده را بفریبد و از برای خود طرفدار پیدا نموده دوباره کمر به عمو دولت و ملت ایران به بندد

باری بعد از وضع قانون اساسی و اخذ اصول مشروطیت جبهه ملت علم و دانش لازم. و معلوم است صریحی جز دولت نتواند بود. پس میگوئیم اگر دولت مایل ترقی هیئت اجتماعی ملت است باید بمقدار نفوس هر جا حق قری و دعوات مکاتب منظم آماده فرماید و مخارجش را از هیئت اجتماعی بطور مساوات اخذ فرماید و جمیع کودکان ملت را از هرب و ترک و کرد و لر و بلوچ مجبور نماید تحصیل علوم و فنون بزبان فارسی و در تعلیم لسان بکوشد و در شهر پایتخت و سایر شهرهای معتبر فار الملطمین ها باز و معلم جبهه تربیه و تدریس کودکان ملت ندادک فرماید و مکاتب عالیة فنی و عسکری آماده فرماید. با قوم جاهل هیچ دولت و ملت را سعادت حاصل نمیشود و نباید وقت کودکان وطن و نوباوگان ملت را بآموختن زبان اجانب ضایع نمود (باقی دارد)

مراحت نشود محال است هیئت اجتماعی درک اینخبر را نموده و در راه منافع مشترک با همه چیز خود آماده نموند تا امروز ملت از پرتو ناراستکاری استبداد رأی وزیر دست گذارهای صدر سابق و احوالش حکومت را جنس دیگر فرض مینمودند و از هیئت حکومت ترسان و هراسان بودند در اینصورت چگونه میتوان با این دژیت از استقبال حکومت حاکمه و هیئت اجتماعی امنیت حاصل نمود

پس از آنکه ملت آگاه گردید که آنچه از او گرفته میشود در راه سعادت ملک و هیئت اجتماعی صرف میگردد از هیچ چیز دریغ نخواهد نمود گواه اینجی رفتار و ترقیات اهالی ژاپونست حکه هر وقت دولت چهار صد نفر فدائی طلب مینماید چهار هزار نفر قدم پیش میگذازد

بلی چون دولت ژاپون ملت خود را از نفع و ضرر دولت واقف و آگاه نموده و به آنان فهمانده است حقوق وقوع و ضرر مشترك است بانفاق هیئت اجتماعی بتدارك اسباب جلب منافع و دفع مضار یکدل و یک جبهه گردیده و وظیفه عموم ارکان دولت را تعیین و در مقابل لوازم معاشه آنان را ملت در عهده نموده است که هر یک فراخور کار و شغلی که بآنان محول است معاش دارند و ازین رو پیش از معاش خود طمع در مال دولت و ملت بستند اینست که ترقیات شان چشم عالم را خیره و روزگار دشمن را تیره نموده است

در اینجا بجا نمیدانم شرحی حکه همراهان میرزا علی اصغر خان در اسلامبول قتل مینمودند بتکلم شاید در مأمورین ایران اندکی اثر بخشد و از اوصاف گیرند. مشارالیه گفت (میرزا علی اصغر خان) در (توکیو) بک مرد غالبیة ابریشمی جبهه وزیر خارجه دولت ژاپون بتعارف فرستاده او رد نمود این اصرار کرد که این غالبیچه را محس یادگار بشاه میدهم که پیوسته در خاطر شما باشم - وزیر خارجه در پاسخ گفت راستست شما این غالبیچه را که هزار فرنگ و یا بیشتر ارزش دارد بیادگار جبهه من فرستاده اید اگر قبول کنم لازم میآید منم بشاه جبهه یادگار چیزی ندهم که اقلاً بقرار این غالبیچه ارزش داشته باشد ولی معاش من پیش از کفایت خرج من نیست در صورتیکه بخوام در عرض جبهه

نظامنامه مدرسة عضديه انزلی

(از شماره اول)

- (۱۵) دو اطاقهای تحصیل کسی حق مسکینین سیکار و قلیان ندارد
- (۱۶) بدون اذن ناظم و معلم احدی حق دخول و مذاکرات و صحبتهای خارج از تحصیل ندارد
- (۱۷) هفته هفته روزهای پنجشنبه اطفال باید رضایت نامه از والدین و اولیای خود بنسازم و معلم ارائه نمایند هر کدام رضایت نامه ارائه نمود بتوسط فراش تحقیق خواهد شد اگر خلافی کردامد مجازات خواهند دید
- (۱۸) معلمین همه روزه یکساعت از آفتاب گذشته تا یکساعت بتروب مانده جهت تدریس حاضر خواهند بود
- (۱۹) درجه اول اطفال از هشت تا چهارده ساله قبول میشود - درجه دوم و بالاتر از دوازده ساله تا بیست و چهار ساله پذیرفته خواهد شد
- (۲۰) هرگاه اشخاص بزرگ بخواهند موقتاً تحصیل کنند از یکساعت بتروب مانده که زمان مرخصی اطفال است تا یک ساعت از شب گذشته مجال تحصیل دارند
- (۲۱) یکساعت قبل از ظهر و یکساعت بعد از ظهر اطفال مرخص اند که رفع خستگی نمایند
- (۲۲) هر روز صبح قبل از شروع باید یکی از اطفال قرآن را بلند تلاوت نموده باقی اطفال با او آهسته بخوانند
- (۲۳) نماز ظهر و عصر را بجماعت بخوانند و معلم تعقیبات وارده هر روز را تعلیم نموده بین صلواتین اطفال بخوانند
- (۲۴) در امتحانات کایه و جزیه از هر کدام اطفال سوال علمی میشود اگر اشتباه گفت هر يك از شاگردان که میدانند انگشت خود را بلند کرده کتایه از دالستان آن غلط بوده آنوقت جواب دهد
- (۲۵) ترقی و تنزل درجات تعیین از نمره يك است تا ده
- (۲۶) درجات تنیه اطفال هرگاه درس خود را درست یاد نکرد مسکین اطفال پست تر از خود را بچند کند

- (۲۷) اگر بی ادب یا خلاف السابقی از او صادر شد وقت مرخصی همه اطفال انگشت بطرف او دراز کنند و بگویند این ملان بی ادب است چنانچه تقصیرش فوق آن است باید کفش اطفال را بپوشد و پاک نماید اگر زیاده از این هم مقصر است کاغذی در او نوشته شود این طفل بی غیرتست و بر سینه او بیاویزد و تمام اطفال تا یکروز باسم بی غیرت او را بخوانند ولی بعد از يك روز هرگاه در کوجه یا مدرسه بلو بی استزای نمایند مورد سیاست خواهند بود

- (۲۸) از اطفال کم استطاعت درجه اول ماهانه پنج قران و از با بضاعتان مایه يك تومان دو جات دیگر با استطاعت دوازده قران بی بضاعت هفت هزار دینار
- (۲۹) اطفال یتیم از سادات بی بضاعت و غیره از ده الی بیست قر مجانی پذیرفته میشود

- (۳۰) هرگاه از وجه اساسیه یا اطافه چیزی زیاد آمد باطفال یتیم سادات و غیره لباس داده خواهد شد
- (۳۱) تمام اطفال بلباس اسلامی و زیاده خواهند بود

- (۳۲) اشخاصیکه باسم اطافه در دفتر اسامی آنها ثبت است اطفالشان از دادن ماهانه معاف خواهند بود
- (۳۳) آنهایکه همراهه وجه اطافه بمدرسه فرستند باید مطابق فصل (۱۹) رفتار نمایند

- (۳۴) عموم اهالی و مدیر و وکلا از حضور ختاب مستطاب شریعتمدار والاذا لاسلام آقای حاجی شیخ ابراهیم دامت برکاته استعفا نمایند که در هر هفته عصر پنجشنبه بمدرسه تشریف فرما شده امتحان مختصری از تربیات علوم عربیه و تجوید و مسائل آنها فرمایند که مورد تشویق معلمین گردد

- (۳۵) شش ماه پشاه دخل و خرج مدرسه در حضور مدیر کل و وکلاء و اولیای اطفال رسیدگی شده صورت آن بجزایر قاریه اسلامی انضاد خواهد شد که مورد تشویق غیرمندان وطن در اطافه مدرسه گردد

- (۳۶) از هر بزرگیه باسم اطافه بمدرسه عضديه بذل عنایه شود قبض رسید بهر مدیر و وکلا فرستاده

خواهد شد در دفتر باسم و رسم ثبت و در جراید اسلامه فارسی ذکر خواهد شد

(۴۷) معلوم است جراید اسلامیه پس از مطالعه طماننامه مدونه (عصیه) را ثبت در جراید خود فرموده و معلمین این مدرسه را از مطالعه جراید محترمه خود محروم و برصیب نخواهند گذارد

(۴۸) در سال اول ایام ماشورا در مدرسه پنج مجلس و بعد در سنوات آتی هر ساله ده مجلس ذکر مصائب خواهد شد والسلام علی من اتبع الهدی فی شهر ربیع الاول ۱۳۲۲ ازلی

جبل‌المتین

این طماننامه را جناب آقای حاج میرزا صرافه ملک‌المکملین واعظ اصفهانی ترتیب داده و محرک بنای خیریه این مدرسه نیز ایشانند خداوند امثال ایشان را در ممالک اسلامیه هموماً و ایران خصوصاً رید فرماید -

اعضای اداره جبل‌المتین هم همراهی و همردی را با این مدرسه و سایر مدارس وطیبه داشت و دارد و انشاء الله هماره خواهد داشت

تهذیب اخلاق

(از شماره ۲)

ماده ششم یکی از اعتراضات خوشگل و شیرین صاحب مکتوب این است که مینویسد کسیکه ادعای علم و قانون دانی نماید چه حق آن دارد که بر سر سلطنت و بزرگان دولت و علماء ملت تعرضات مفرضانه نماید اگر نمیترسیم بلکه از حرف ادب خارج شده باشیم صاحب مکتوب عرض میگردم که قدری لا اقل دو سه سال صبح از دور در حوضه درس بعضی از اهل علم و اطلاع نشینید - آقا جان اولاً این سلطنت را باید ما بسازیم یا سلطنت مشروع است یا غیر مشروع - سلطنت مشروع است که منصوص باشد مانند سلطنت حضرت سابقان و حضرت امیر مؤمنان علی ابن ابیطالب - یا باید سلطنت منصوب باشد - یعنی از طرف ملت مثل سلاطین اروپا - صورت سومی سلطنت غیر مشروع است که سلطنت بالفلقه است - یقین است که در هر سه صورت حق یک نفر گاه محکمش و جمال ایران است اگر بفهم خود قصی در اوضاع سلطنت بتظرفش برسد بیان کند عرض کنیم سلطنت ما سلطنت منصوصه است و مشاور

هم فی الامور م راجع به تمام مردمی است که در تحت کلاه اسلام بودند هموماً و اشخاصیکه در مدینه بودند خصوصاً غیر از احکامیکه بحکم الهی از آسمان نازل میشد دنیام امور امت طرف مشورت بودند - وقتیکه آنحضرت لشکر را بطرفی میفرستاد میگفت که امیر شما یکی از شاهت باشا باید بنشینند - باشا باید غذا بخورد - باشا باید غذا کند باشا برتری ندارد مگر در امر جنگ و امامت - در تاریخ دیدیم که زمان بخلقایی حضرت رسول نیز کار همین قسم میگذاشت - در جنگ آذربایجان ابو موسی اشعری امامت لشکر داشت گویا یکی از مسلمانان که يك اسب خوشگلی داشت گفت که این اسب را بمن بفروش گفت من شایسته‌ترم بسواری این اسب از شما زیرا که قوه من بیشتر است از برای جنگ ناقوه تو - او هم با کمال بشاشت خاطر تصدیق کرد فرموده صاحب شرح مقدس است که هر فرد شا وکیل اجرای احکام الهی است اگر منکری دیدید تا جایی که خوف خطر نیست فریاد کنید - این حال يك سلطنت منصوصه است -

اگر سلطنت ما يك سلطنت منصوصه است مثل سلطنتهای اروپا که سلاطین از طرف افراد ملت نصب شدهاند آنوقت هم دلیل لازم نداریم مگر اینکه بگوئیم اگر حرف دنیا ساکتند در جلو حرکات وزرای خود و مباشرین امور ما هم ساکت باشیم و اگر آنها ساکت نیستند پس يك نفر ایرانی در ظهور بعضی نقائص حق هم قسم اعتراض دارد - اگر سلطنت و دولت ما سلطنت غیر مشروع است خدای نخواست باز نیز هر فرد بازاری ایرانی را لازم است که در حرکات این حکومت بالفلقه یا جبری مداخله کند از برای آسایش نوع و سلامت وطن چه جای مردمی که مدعی قانون و اطلاع هستند - این جواب منطقی شما بود - ورنه جبل‌المتین بر بستگان سرور سلطنت و بر علمای بزرگ ملت تاکنون تعرض نکرده است - علی يك طایفه هستند که آنها را من و شما هم درو میشناسیم باسم علمای و يك فرقه دیگر باسم بزرگان و بزرگی آنها را شواهدش و دلائل اخلاق آنهاست بنوع مختصر و علم اینها گواهی اعمال اینهاست که حوضه منسوب است که دیوانه از تحمل آنکه فلان کس بعد از ارتکاب همدم طماننامه باز بیرون

گفته شود یا فلان آدم بعد از همه قسم تضييع احكام خدا عالم خطاب شود تشنگ آمده است. شاهد صداقت اين بزرگان بعد حالتی که همیشه خرج آنها بر دخل اضافه است پارکها و مبلهای فرنگی و برهائی میباشد که در بانک اجانب است و کوزه علم آنها موازاة حال ورود از عتبات طايات با امروزست. فرمایشات و بیانات وطن پرست غيور و همشهری عزیز ما تا جایکه میشد یعنی قبول جواب میکرد محض رفع شبهة سایر عزیزان و فرزندان وطن جواب عرض میشد. حالا در موقع بصيحت محض ارادات که بمدير محترم تریا دارم چند اعتراض در درج اینمکتوب واردست که ناچار از ذکر و شرح آنها وجود مدير ثبات

جناب مدير تریا مینویسد در اول روزنامه مطالبی که راجع بحال دولت و ملت باشد درج میشود این مکتوب باتفاق تمام اهل قلم و ارباب حل و عقد دارای هیچ فایده نبود از برای هیئت جمعیت يك ملت چرا که آنوقت مثل من يك شخص بی اطلاع تصور میکنند یقین قاعده مناقشة قلمی دایمان است كه يك كاغذ را سراپا از حرفهای ناشایست پر نمایند - بر فرض صاحب مکتوب جبلالین را از بعضی نسبت ها که بعضی اشخاص داد بلمان و شكیك بصيحت و تنبیه کرده باشد هیچ شایان نبود که سبن گانی كه او گفته تنبیه کند - در تالی این مکتوب بود حلوی بعضی حكایات ناخوش خصوص بعاتد ایرانی و راجع بود بمنحن جبلالین چرا كه در جرح گلات مدير جبلالین حادی برهان عقلی و قلی و جلی هیچكدام نبود بلکه خیر میداد این مکتوب از عدم اطلاع و فساد اخلاق و طرفداری صاحب خود - بر شخص مدير تریا لازم بود که چشم ببوشد از درج این مکتوب بر حسب آنچه اطلاع میدهد در روزنامه خود در این درج مدير محترم تریا دو اعتراض بر خود وارد آورد یکی اعتراض عدم سلیقه و اطلاع و بلکه و یکی هم عدم رعایت نوع خود - این اعتراضی است که با شرف و کی عدد روزنامهجات در ایران وارد میگردد بلكه بی انصافی كه آنوقت نظری حواله را هم بمقتایه غیر طبعیه ملاحظه كنند طبع خوبها شایسته نبود

مآل کار نابکار یزید پلید در دنیا
(نمره - دوم)

سالی خواست جوابی گوید که در حال مدای ناقوس حکه اهل دیر را بخماز و دما و کارهای ضروری دعوت میداد بلند شد و آن هم خواست که بکار خود بازگردد - پیر برهنگار او را صدا مکرده گفت اندکی صبر کن ای (سامی) در اینخل گره بسته که کنار چادر خود از دهنها بسته بود کشوده و کاغذ سفید بسیار نرمی را در آورد و بدای داده و گفت بگیر این کاغذ صوف را و نگاهدار که در آن دوی انتقام است اگر یزید آزا بنوشد مسلمانان را از درد او شفا باشد (سامی) گرفته و بتقریر معلوم کرد که زهر است آزا کشوده دید کردك بسیار نرمی است مجدد پیچیده نزد خود پوشیده و قابم کرده و بطرف دیر روان و روان شد فوری مطبخ رفته با سایر زنان مشغول تهیه و تدارك طعام گردید هنگام عصر که عنقای آنتساب بجانب آثیانه مغرب میل نمود گرد و غباری در پهنای دشت و افق پدیدار شد بلا فاصله رهبانان دیر با عمره و مبخرمای عود و کندر بیرون آمده و در سخن دیر یا ملبوسات رسمی داحشندة رنگارنگ صنف کشیده و آیات حوانان بنای خواندن آیات ترحیب گنارده سار و سنج مینواختند و رئیس دیر پیشاپیش همه رهبانان ایستاده نوحوانان برگ درخت خرما و دسته های گل و شگوفه در دست داشتند بعد از اندکی سواری بظرف دو آمد که جلو آن دسته وار بود و خود بر اسب عربی نژادی حکه با زن مرصع آراسته بود نشسته لباس ارغوانی کلابتون حاشیه در بر و کلاه زردی بر سر داشت همان لحظه حکه نظر سلسی بر او افتاد او را شناخته بدنش ملرزه در افتاده و بیاد آورد حال خود را با او که چه باید کرد اما صبر و ثبات را پیشه خود قرار داده منتظر ماند به پند چه میشود - سپس قراولان سواره تند تند پیش آمده و در نزدیکی دیر خیمه ها بر پا کرده و پیاده شدند خدمه و وکب و شکارچیان با باز و نازی و بوزینه و بوز ویتنگ مانند آنکه در شان پیش دردیو خالد مشاهده کرده بود در رسیدند تو این اسلحی خازه از خواهد یزید بود هرگاه بنای حرکتی بکنند و بنگار

کرد یزید هم او را این داد در حال یزید بعضی از خلوتیان خود را طلبیده در باب عشق خود با باجی مریم صحبت داشت و خواست کرد که او را بیک نومی بفریند که همراهی یزید را قبول کند و بهرجه تواند او را دوام آورد و لذا یکی از خلوتیان یزید بعد از نماز اهل دیر یزید رئیس رفته اظهار خوشنودی یزید را آشکار کرد تا اینجا که گفت یزید قبل از خواب قدری فواکه و منسوبات میخواهد - رئیس دیر گفت ما همه چیز را برای او مهیا داشته و بهرجه امر فرماید منتظر اشارتیم و هیچ را از او دریغ نداریم فرستاده گفت مشکل بنظرم می آید که بخواست خایفه بتوانید اقدام نمایید چه هرجه بادا باد میگویم - پوشیده مباد هنگامیکه از دارالخلافه بیرون آمدیم بر حسب طاعت یزید طبایخه همراه داشت که طعام او را تنها او ترتیب میداد و او در راه بیمار شده بدمشق باز فرستاد و باقی راه را همین طور گذراند ازین رو یزید لذتی از طعام نبرد اما امروز پیش شام خورد خیلی مفتون شد و در میان زنان دخترک جوانی دید که در ترتیب طعام خیلی افراط کرده و اگر بتواند در بقیه سفر با تاحوران آن همراه ما باشد خلیفه خیلی ممنون خواهد شد اما گمان نکنم حاکم زنان راهب بتوانند از دیر بیرون بروند و از این جهت بود که گفتم نتوانید به احتیاج یزید قیام کنید - رئیس دیر گفت در زمره زنان این دیر زن جوانی است که از راهبات نیست و لکن در عقل و ذکاوت بهترین زنان است و اوست که بهترین وضعی طعام را آماده میکند اگر آنست که پسند خاطر خلیفه شده بخلوتیان یزید ملحق توانیم کرد و این کار را شرف عظیم خواهیم شمرد پس فرستاده و ابشارت داد و گفت اگر مرام آن دخترک جوان است که ما او را باجی مریم (اخت مریم) میگویم حاضر است - برسد چنین می پندارد که راضی بهر راه بودن با خلیفه میشود رئیس گفت کی است که این شرف را بیابد و قبول نکند - سر نجلاً مدیر دیر را طلبیده امر کرد که باجی مریم را حاضر سازد چون آمد و رو بروی رئیس ایستاد او را مخاطب ساخته گفت ای دختر بدان که خلیفه تا به دوران سفری است و میخواهد که زنی برای او طبیح طبعم کند و من موارث و ولایات تو را در ابتکار تعریف کرده ام و لوغی

میرفت - چون یزید پیاده شد رئیس رهبانان و بزرگان دیر او را استقبال و پذیرائی کرده تشریفات و ترحیب داده بخیمة خلعتش فرود آورده الیاس نمودند که شبی مانده و شام را در آنجا صرف نماید - یزید دعوت اساقفه و رهبانان را اجابت نمود پس امر به گستردن سفره طعام شد و درجائیکه برای گستردن سفره مقرر شده بود دست خوانهای طعام گسترده و از هرگونه اطعمه و اشربه لذیذ برای یزید و دو بار پاش تقدیم کردند بعد از صرف اشربه آنها را بر سر اطعمه که رنان آماده ساخته و خدمه آنها را می آوردند رفته بعد از چیدن ظروف طعام یزید کلاه را از سر برگرفته و دست خود را شسته در صدر مجلس پروساده حریر شسته با یاران و همراهیان خود مشغول تناول طعام شد در انشای طعام خوردن ملذذت زنهای راهبه دیر گردید که همه بر پا ایستاده مشغول خدمت بودند ناگاه نظرش به (سلمی) افتاد که اهل دیر او را باجی مریم نام داده بودند یزید شیفته جمال و کمال و دلال و وقار باجی مریم شده فوراً خیال (سلمی) را بخاطر گذرانید و حال آنکه شنیده بود صکته زیاده از دو سال است مرده و دفن شده در دل خود گفت باللهجب چقدر آدمی زاد بیکدیگر شبیه است بعد از اتمام طعام یزید نظر خود را از صورت او بر نمیداشت و از میلان خاطری که به او داشت خودداری نمیتوانست کرد - بعلم آنکه شباهت شدیدی با (سلمی) داشت اما سلمی خود را از سرحد حقیقت دور انداخته متجاهلاً و انمود میکرد که یکی از خدمه دیر است که همواره اطعمه و اشربه را نزدیک می آورد و خاطرش جمع بود که یزید او را نتواند و نخواهد شناخت - نظر بر آنکه از طیب خانواده خلافت خود خبر فوتش را شنیده علی الخصوص اسم و رسم و سایر خیالات خود را هم تبدیل کرده بود اما یزید نهایت میل را با او بهرسانیده و عشق خود را پنهان داشت بلکه به یک حیله او را بطرف خود بر باید بعد بنا کرد اظهار تشکر باریس دیر کردن که مرا از مہانداری و ضیافت و مکارم خود همین منت گردانیدی و اگر امری و فرمایشی داشته باشید در اجرای آن منت دارم بعد آفتاب قریب فرو برسد و صدای ناقوس کلیسا بلند شد رئیس اساقفه استننان عبادت از یزید

از مدارج علیای خود نزول نموده و قبول بردن تورا
همراه خود کرده است (باقی دارد)

مکتوب یکی از معارف خواهان

این اوقات مسافرت بانزلی پیش آمد روز نهم
ربیع الاول لواملکک فرانس باشی فرمان فرمای گیلان
مأمور رسیدگی به امور کرجی بانهای انزلی شد هنگام
ورود بانزلی با حضور نایب کارپرداز همسایه شاهی و
رضیه خاطر او حضرات کرجی بانها تأدیب شده فرانس
باشی نائبالحکومه انزلی را هم تغییر داد نایب کارپرداز
همسایه شاهی معزول و رهسپار روسیه گردید افواه
است که این قمره را بدار الخلافه خبر دادمانند تا صاحب
مملکت از بی اعتدالی مأمورین خارجه برخوردار باشد
گویا امر چنین صادر شده که حرکت نایب کار پرداز
همسایه در چنین بندر معتبری بهتر ازین باید باشد ورنه
باعث قتنه بزرگ خواهد شد و طبایع بروی کرجی بانها
کشیدن از وظیفه او نبود و از همه بدتر تقصیر خویش را
صواب پنداشت و مصره تبه آنها شد این بود حسیه
زود نتیجه بروز کرد انشاء الله ازین و بعد مام سرافقتخار
در زندان بنده خواهم نمود. و در میان خانه خودمان
تو سری خورد خارجه نخواهم بود حکم مان بیل و رضیه
خاطر آنها نخواهد شد کسی از خارجه را قنوت و
جرئت نخواهد ماند که بدون حیا با ما طرف بشود گویا
کار پرداز موصوف بعد از این واقعه يك روز شکایت
کرد که فلان شب چهار ساعت از شب رفته از کتار
دریا طبایع بمنزل من حالی کرده اند - مقصود از این
مذاکرات گریه رقصادن بود و الا چه لباس و چه
حاشی چون میدانست باید معزول شود این بهانه را
فرام آورد خارخواه دولت (ج. ر.)

مکتوب از بادکوبه

در شماره ۳۲ سفر جریده جبلالتین شرحی از
وقایع نگار انزلی درج در روزنامه نموده بود که باجاره
شیلات منتهی و آنچه از بابت منافع (ساک) و آنچه نموده
شده بود این مسئله باعتقاد جی مخالف است یکی
میگوید نیابستی این قمره درج جریده بشود دیگری
تاله دارد تومان هفت تومان قع نداشت آن یکی خیال
میکنند چرا پاره از روی کار اوقده و آن دیگری

می سراید ای سگکاش وقایع نگار در انزلی نمی بود آن
ملاط می کند وقایع نگار را باین کارها چه دیناری که
باو نمیدهند دیگری گفت تا آنکه آنچه نوشته جز اینکه
دشمن از برای خود زیاد کرده فائده دیگر چه بود
باباجان بر فرض اجاره داران تومانی هفت تومان بهره
بردند بتوجه تورا کجا می برند بالاخره چهل بجاه نفر
اعیان اشراف اکابر انزلی برای این قمره طرف شدن
سلاح وقایع نگار نیست - باید از برای خود دوست
پیدا کرد - ابدأ درین خصوصها قلم روی صفحه کاغذ
نگذارد تا میتولی از برای خود دوست تراش با این
همه وقایع نگاران تمامت این مطالب را از یک گوش
شنیده از گوش دیگر بیرون کردند مقصود این است
هر وقت اجاره شیلات مندرود سالیان و غیره متعلق شد
و چون اجاره سرآمد آنوقت تمامت اجاره داران در
مجلس بلدی حضور بهرسانیده بنویسد من فلان مبلغ
میدم تا هر کس زیاد کرد و بر مبلغ افزود بلو بدهند
گویا نویسنده راپرت درد وطن پرستی و دولتخواهی
دارد هیچ شرم و حیا ندارد میگوید تا جان دارم باید
خدمت مملکت و دولت نمایم چنانچه عمل تذکره گریه
اجاره بود وقتیکه اداره شد بجای يك تومان ده تومان
دولت دخل میرد نویسنده چه کار به فلان دارد که
فلاجه راپرت بطبیعت او ناگوار است یقین فلان اجاریه
سالی مبتنی از این هر دخل اوست میل دارد يك
سربوش روی کار باشد ولی اظهار این مراتب خدمت
بدولت است مثلاً فلان آقا چندین سال گریه را اجاره
داشت راضی نبود کسی ملتفت دخل او باشد تا
زطابق اداره گردید آنوقت قدرتش را دولت چشیده
و دانست - مقصود وقایع نگار جز خدمت بدولت چیز
دیگر نبوده و نیست -

حالا هر چه باو صحبت میکنند بیا از این خدمت
دست بردار ابدأ گوش نمیکند میگوید من باید خدمت
بدولت نمایم تا مجهول معلوم شود چنانچه فقره نواقص
پستی را در همان نمره ۳۲ برای ریاست گریه ترجمه
شده و اثر خود را هم قریب می بخشد

مکتوب از انزلی

فرمانفرمای گیلان شاهنشاهزاده معظم عبدالسلطان
بسیار رؤف و مهربان است

مداوند همش را زیاد فرطید تیغ بادشاه اسلام را بر
دشمنش را فنا نماید

مدرسه که در اتزلی بنام (محمدیه) تأسیس شده
بود اسم او را تغییر داده موسوم به (عضدیه) نمودند
این اسم بنام فرطفرمای حایه گیلان شاهنشاهزاده
عبدالسلطان است که خیلی بمناسبت اسم با مسائی است
حضرات گرجی بانها حرکات درشت نمودند ...

لوالملک فرانس باشی از درشت برای رسیدگی مأمور بانزلی
شد چون ترضیه خاطر تائب قونسنگری لازم بود حضرات
را ادب نموده و فرانس باشی حکومت اتزلی را هم تغییر داد
چراغهای خیابان اتزلی که از توجهات حکومت
و اشراف و ارکان در یکسال قبل ترتیب داده شده بود
و شهر اتزلی شبها چون روز روشن بود بمرور ایام
نابود شد و آثاری از روشنایی باقی نمانده این طفل
صد ساله ره یکساله یا شش ماهه می رود تقصیر از اهالی
با ثروت اتزلی است زیرا اگر امسال ماهی شیلات تومان
پنج تومان ضرر نمیکرد فانوس روشن میشد چون
بیماره ها خیلی ضرر مای دارند این است رغبت نکرده
دست بکاری خبر زنند که غصه بسر آید فرض این
تقصیر را بگردن یکدیگر انداخته اند این یکی میگوید
تقصیر از فلان است که اقدام نکرد و تا انجام آن
استقامت نداشت آن یکی میگوید زمانیکه چراغهای
فانوس ایجاد شد قرار شده بود تمام سوخت او از
وقت صده متبرکه باشد مقصود این است بنده خیلی
مایلم شبها با روشنائی و شعاع چراغ الکتریک و وقت
ذو خیابانها راه بروم اما قسم قطع میشود در ماه
پنجران بدم راست است نهمد تومان برای فانوس و
سائر اسباب روشنائی حضرات ماه گذاشته اند اما چه
فایده که عقب کار را نگرقتند تا تمام شود

مدرسه عضدیه افتتاح شد صورت نظامنامه آن
که بقلم حاجی ملک التکلمین واعظ اصفهانی است بداره
فرستادم بپاره چه قدر زحمت کشید تا باعیان و تجار
و اشراف دانای اینجا حالی کرد کارخانه آدم سازی
خوب چیز است اگر چه گذاشت و رفت ولی امیدواریم
که عنقریب ترقی نماید

شب گذشته برای تولد پاناجنگجوی در قونسلخانه
روس اسباب عیش و سرور تها بودند و جشنی ز...

بدور و اطراف عمارت صدوی که محل نشیمن قونسل
گریست ترتیب داده بودند هنگامه فریبی بود هینگ
معمول و شروع با تشبازی شد یکدفعه خبری رسید و
نهایت آن سرور موقوف شد افواه است که خبر مرگ
یکی از محترمین به قونسنگری رسیده بود گویا مرگ
یکی از رجال بزرگ روسیه بوده است که شنیدیم
تنگراف قتل وزیر داخله روس رسیده

حاجی ژاپون را سر مشق خود

قرار باید داد

(از شماره اول)

دولت و ثروت اگر زیر زمین مدفون باشد مرده
اش باید انگاشت

(برای نهادن چه سنگ و چه زر)

دولت و ثروت امرا و تجار اگر بکار وطن نیاید
برای چه روزی خوبست - حضرت امیر مؤمنان مشق
درهم و دینار بدست مبارک گرفته فرمودند (اگر بکار
مردم نیای و مشکلی از تو حل نشود با خاک یکسانی)
حکمت ایجاد قدین تعمیر و تحصیل دارین است - در
صورت دلیله و دینه امور دین و دنیا معطل و بر باد
خواهد شد - پس دولت و ثروت چه از قبیل قد و
و چه از قبیل مسادن همینکه زیر زمین پوشیده ماند
چه ثمر و اثری دارد اگر چه را نگاری سبع سفته
مانه چه حاصل نخواهد شد - و اگر مادن ذقال و
نفت و آهن و مس و طلا و قره و غیره مدفون باشد
باید تقود ملک ما بخارج برود و بجهت لوازم کلیه و
جزیه بصرف مبالغ خطیره باز باید محتاج خارج باشیم
پس در اینصورت باید عالی و دانی بزرگ و کوچک
غنی و فقیر شاه و گدا بتوان اتفاق همه همت
بکارم که تقود معطل نمانند و در مصارف الام
قلام صرف نایم تا کم رفته رفته بتدبیر طیبی ترقیات
کلیه حاصل گردد

ترك جاه و بذل مال و نام و سنگ

در طریق عشق اول منزل است

اگر اولاد وطن تربیت شوند دولتی که حال
ملکت خارج میشود همه دو ملک صرف خواهد
شد - بلکه از اشاعه فنون جدید و صنایع مفیده پناه

چیزها مثل معادن، ذغال و نفت و چوهای بسیار اهل
که بسبب نبودن راه شوسه و آهن بیکار افتاده است همه
قابل کار خواهند شد - و اهل ملک را بسبب پیداشدن
راه همیشه دوات و مکتبی بی اندازه باید خواهد گشت
و آب رفته بجوی باز خواهد آمد - و پایای متفرقه
در ممالک اجانب رفته رفته بوطن مألوف خود عودت خواهند
نمود و ملک ایران بتدریج نفوس زیاد و آبادیش
بی اندازه خواهد شد - ترفه و آسایش نصیب انبای
وطن خواهد گردید که خود سعادت بزرگ است و
کشایشی سترگ - تا مردم خود دست بکار زنند
جوش ترقی در دلشان پیدا نشود دولت چه میتواند
کرد - البته هرگاه دولت خواهش های ترقی را در
عموم ناس مشاهده و استنباط کند برای او نیز سبب
ایقان خواهد شد و یا ملت همدستان خواهد گشت -
اگرچه این مسئله خالی از دور نمانست

مسئله الدور جرت بینی و بین من احب

لولا مشیبه ما جفت لولا جفاهالم اشب

مگر امر در دور معیت سپا در صورت اتفاق و

معیت سهل است -

سوال - سبب ضعف ملت و علت اینهمه مذات چیست
جواب هر صاحب شعوریکه درد وطن دارد
همین ناله را بلند خواهد کرد که عدم تعالیم عمومی و از
فروغ علم محرومی - زیرا حکه قوت اصلی هر تحریک
عمومی موقوف و منحصر بر اتفاق و همدستان
همچو افراد قوم است که دل شان بنور علم مجلی و
پلباس تمدن و تهذیب عملی است - کار این اشخاص
است که عموم ناس را اصول حقیقی تمدن تعالیم نمایند
و تخم احساسات حب و وطن را در زمین دل ایشان
بکارند - شعرای قوم و ملت بجای نصیب و نازل و
زبان حال گل و بابل بهتر است نظمی انشاء کنند که
قلوب مرده قوم را بمنزله روح باشد یا اثری بنگارند
که جوشی در دل مردم پیدا کند تا هر کس از فریضه
خود آگاه گردد مقام افسوس است که مأخذی بقاعده
در میان نیست که مردم بدان ذریعه بزرگان قوم خود را
پشناسند و ذریعه موجود نه حکه بوساطت آن
جودهای خود را برهنه، دهند - یعنی بجای روز
نمایهای پندیده بایشان خود تا مردم از روش روزگار

مستحضر باشند و آلام و شکایات خود را بدان ذرایع
شایسته بر دولت و رجال دولت و اهل حل و عقد ظاهر
دارند تا رفع حرج و تکمیل نواقص شود این نکته را
دول مغرب بخوبی درک کرده اند که بجای خیالات
جمهور و بهتر آنست حکه خیالات مردم بر صحنه
روز نامها منعکس گردد تا دوات بر آن و قوف یافته
بسلج درد پردازد و آرا چاره سازد - چه اگر
آن خیالات مکمون ماند بنوع دیگر خود را ظاهر
خواهد ساخت که جلو گیریش خارج از امکان خواهد
بود مثل ماده قاسد که از بدن خارج نشود و راه اخراجش
مسدود کرده شود تا جگر از جای دیگر بشدت عجز سر
بدر خواهد کرد و اثر آن بر عملا و حکما عظمی نیست
پس طیب حاذق یعنی دوات دوراندیش باید پیش از
پیش مخربی را بجهت ابراز خیالات مردم جایز بدارد
تا هم از خیالات افراد ملت ما خبر وهم از افعال و کردار
کار پردازان خود مستحضر گردد مردم دهات و
فری از روش روزگار بجزر اند و در دریای جهل
منغمس - از جور و اعتساف عمال پامال و باظهار
شکایات و درمهای خود دسترس ندارند - مذهب شان
تجاه روزگارشان سیاه - نه روزنامه که بصدق راه
نجبات بدیشان به نماید و نه حکایات و اشعاری که بذکر
و تذکر نام آوران وطن دوست بر همت و جوششان
ببفزاید و صبر و شکیبائی و راستی و درستکاری
تعلیم شان نماید

سوال آیا ممکن است که معدودی چند که از امور
سیاست خیر اند ترقی ملتی را بعهده خود گیرند و
افراد ناس را که حقیقتاً اولاد دولت هستند در ترقی
شریک و سهم نکرده به مقصود نایل شوند -

جواب میگویم که این امر نیست ممکن بالذات و متمتع
بالمرض تا وقتیکه بزرگ و کوچک ادانی واقاصی همه متفقاً
جهد نکنند و دفع مانع نمایند این گوهر را بدست نیارند
دولت همه ز اتفاق خیزد * بی دواتی از اتفاق خیزد
چه روزی باشد که در مملکت ما بحال ادبی و
علمی و سیاسی به امر جا قایم شود و در جمیع بلدان
و قصبات بلکه در میان ایلات و سکان قلات همه
افراد مله بجد و جهد بلیغ در دولت اندوزی و هنر
آموزی، اولاد وطن باهم قدم زنند و قلوب شان ملو

امثالها مالیاتی از رعایا میگیرد و به مصرف تزیینات شهر و لوازم حفظ صحت و ترتیب خیابانها و سایر آنچه واجب ادارهٔ بلدیه است می‌نماید ولی در ایران هنوز اینگونه مالیات مقرر نشده و واضح است حاکم دولت نیز نمیتواند همهٔ این مخارج را از حیب خود بدمد مخصوصاً با وضع و ترتیب خانها و کوچهها و خیابانهای طهران که از اراضی قدیمه رهان تزیینات سابقهٔ حاملان بنا نهاده شده مبالغ کثرت لازم است تا اندکی در اصلاح آنها سعی شود و نزدیک بمقتضای صحت گردد و قرب بقریب شهرهای محاکم متمدنه شود ملت نیز هنوز از درجهٔ دانائی و آگاهی را عموماً پیدا نکرده اند که بلزوم حفظ صحت متنبه شوند و باکمال طیب خاطر و میل نفس قبول این مصارف را بنمایند هزارها وجوه در موارد غیر لازمه بلکه لغو و باطل ویهوده صرف میکنند ولی در این مورد از اداء يك قران تمام و تکامل میورزند بلکه اداء و وصول آنرا بدعت و ضلالت تصور میکنند و چنان تصور دارند که این نحمده فوق العاده بر آنها است و دولت میخواهد در ظل این عنوان ثروت ایشان را تصاحب نماید. مقصدان فاسد الاخلاق نیز در محکمت زیاد اند که این معنی را خاطر نشان عموم می‌نمایند که هرگاه دولت بخواهد باین نام مالیات مقرر نماید خلق را بشورش و مخالفت عمومی را تحریک نمایند در این صورت چارهٔ این کار و درمان این درد چیست جز آنکه بچارهٔ مختار السلطنه هر روز اعلان نشر نماید التماس کند بلسان لیل و بیان مانع بآنان مطالب را بجهاند و اصلاً متعرض نشوند و کوش فرا ندهند و همگی را یاده شمارند چون خراطین و گروههای خاک در بین خاک و کثافت و چرک غوطه ور شوند و آنچه تواند از طیب گرفته مردمشو و تبرک بدهند و انتساب این گونه بلا را بنصب آسمان و قهر الهی دهند و چارهٔ آنرا منحصر بقریانی و سکره و ضجه شناسند و دسته جمع کردن و دور شهر قادن و خلق را بواحه انداختن و در آفتاب تابان گرما خوردن و فریاد کردن را وسیلهٔ رفع میسکروب این ناخوشی گویند و اخبار و احادیث را بروفق میل و خواهش خود تزیین و تأویل نمایند. یکی از اصول مائیان

از خیالات حب وطن و آزادی و حریت باشد و در سایهٔ عاطفت پادشاه در ساحت ترقی پیش روند ساز لفظ آزادی و حریت و حفت و دمشت نباید کرد چه مقصود من جمیع الجبهات نیست بلکه محصور و محدود است. زیرا که اس اساس و اصل اصیل از تأسیس و تخریب و ترغیب و حصول تمدن و ترقی حفظ نواریس آلبیه و قوانین محمدیه است بدلیل اینکه تا دوات در ترقی نباشد مات در تنزل خواهد بود و بالعکس. و برای قصیل و تشریح و تحقیق این باب تصنیف زیر و صحف ضرور است.

از خیالات عالیه متعالیه شاهزاده سدر اعظم ایران امپدرفاه در دلهای شکسته و افسرده و قلوب پژمرده وطن خواهان پیدا شده است و اگر ابناء وطن نیز فریضهٔ خود را بدانند و بشناسند عجب نیست که در اندک زمان حالت موجوده منقلب گردد و روح تازه در این جسد بحس دمیده شود. خداوند متعال توفیق لطف فرماید که آرزوی وطن پرستی بگور نبریم و بوطن مألوف خود برگردیم و باقی عمر را در خدمت گذاری ملت و دولت صرف نمایم. انه تعالی لما یشاء قدير و بالاجابة جدير. مثلی است طایفه ولی بسیار پر معنی. از ما حرکت و از خدا برکت پس اگر ما خود از جای نجفیم و منتظر باشیم که همهٔ اسباب ترقی برای ما مهیا شود. حیالی است محال (فدائی وطن ۱۰۴-۱۰۵)

مکتوب از طهران

در اوائل صفر گذشته جنسی اخبار مشاهدهٔ يك دو نفر مریض (کارائی) و بان را در شهر طهران داده و خبر شیوع و انتشار آن از حدود عراق عرب مشهور میگردد از طرف دولت علیه دو نفر دستگیر یا لوازم و تدارکات کافی برای وضع قرآنیتهٔ سرحدی رهسپار کرمان شاهان گردیدند و آنچه ممکن بود در سرحد عراقین استحکام و تهیهٔ همه نمودند که این مرض مبرم خانه برانداز بچاک ایران قدم نهاد مختار السلطنه وزیر احتسابیه و رئیس مجلس نرخ ارزاق طهران نیز بر حسب وظیفهٔ خود اعلانات متوالیه در خصوص تزیینات بلدیه و حفظ صحت عمومی منتشر نمود چون در بلاد و محاکم متمدنه مقرر است سالیانه دولت باسم آنها و عد و بخره و

همه قوت این پهلوان را بر زمین زدند و از ورود بخاک فرانسه عمانت کردند در مملکت ایران بدبختانه این قرائین جزئی نیز که از پرتو وجود اروپاییان برقرار نمودند جوی ارازل و اشرار و مردمان از خدا و دین بی خبر که از هلاکت هزارها نفوس اندیشه ندارند و اتلاف نفوس عظیمه بشر را صکناء و تقصیر نمی شمارند حفظ جان خبیث و منافع نامشروع خود را بر تساهی ملت و فناء امت ترجیح میدهند. چون عراق را متر خود ندیدند و از ترس جان خویش فرار را واجب دانستند چون سبیلخانه کن یا آتش سوزان بطرف بلاد صحرارواه شدند و قرائین را برهزدند و این تخمه را در مصاحبت وجود نا مسعود خودشان بجهت ما ملت بدبخت سوقات و ارمغان آوردند - خلاصه بعد از شکستن قرائین و ورود این حزب اشرار دو سه روز بعد سرایت مرض بکرامانداهان شده نفوس بشر از اثر شرارت این فرقه چون برگ خزان ریختند مأمورین قرائین را آورده در صحنه ویستون نهادند باز حضرات اجاصره و او باش مصدر قتل و فساد گشته اطباء و دکتران این عمل را ایذاء و اذیت عمده ناچار از آن مقام بدر برسته بهمدان و استرآباد آمده مرض منحوس نیز از عقب رسید و بالاخره در قم رسیده و از آنجا نیز قدم بطهران و کاشان و دیگر ولایات نهاد. ای بسا خانوادهها که نیست و نابود گردید چه قریه ها که ساکنین آن تماماً دست خوش قتا و اضمحلال شدند چه قلعه ها صکنه مردمانش رهسپار عالم دیگر گردیدند و ابواب قلعه بکلی بسته شد فرع یوم قیامت بر خاست درو دیوار جاد و نسبت بر حال فرزند اسبان خون گریه کرد بقیة السیف نیز که از زیر شمشیر قهر این سردار قوی بجه جان بدر بردند چون بنات العرش در کوه و بیابان و قری و مزارع متفرق شدند - سبحان الله نفس شرور را سوئیت و ساد حقیقت تا کجا و چه جاست که بی پروا موجب هلاکت هزاران نفوس میشود و چنان صبح میکند که گویا مرتکب هیچ گناه و مصیبت نگشته هنوز دعوی تدین و دین داری میکند و خویش را طویل و متقی تصور مینماید اینک مدت يك ماه کامل است که مرض وباء در طهران شیوع پیدا کرد مگر اینکه این دو سه روزه تا

گوید - در ازاء آنکه قوانین شرعی و احادیث نبویه و اخبار الله را متابعت کنیم و عمل و کردار خود را مطابق او نمایم - بالعکس کوشش و سجد ما در این است که قوانین شرعی و اخبار را تابع افعال و اعمال خود سازیم پس این نه عمل بشریت است بلکه مطابق نمودن شرع است بر کارهای خود گویا بشریت مقدسه بر طبق میل و اراده ما نازل شده است و بسا از عوام را دیده ایم که بطماء الهاس میکنند که يك مسئله را که موافق مقصود است مطابق شرع نماید و راه شرعی آن را پیدا کند اینک در مسائل طبیعه و امراض مسریه که اخبار و احادیث زیاده از حد احصاء در خصوص علاج و وجوب رجوع باقوال طیب و وضع قرائینه و حرمت ورود و خروج از شهر و قطعه و بانی وارد شده باقوال تأویلات سخیفه و بیانات رکیکه توجیه کنند با اینکه از بدیهیات اولیه است چنانکه مرحوم شیخ مرتضی رحمة الله علیه در اوائل رسائل متعرض است که در مسائل عقلیه و حسبیه که عقل یا حس بداتها حاکم است هرگاه مخالف با اخبار قلبیه شود ناچار باید عمل بحکم عقل و حس نمود و باب تأویل در جانب نقل صحتشود. پس هرگاه (العیاذ بالله) خبری نیز در باب الفناء معالجات وارد شود بان عمل نتوان کرد زیرا که فوائد و نتایج این عمل محسوس و مشهور است مخصوصاً مسئله قرائینه که موصول به تمام ممالک متمدنه و نیم متمدن میباشد و از برکت همین امر است که از امراض مسریه محفوظ میگردد البته هر صکنه رجوع بتفقه جنرانیان باید میداند اسپانیا با فرانسه چه قدر نزدیک و مجاورند مع ذلك در وبای سال هزار و هشت صد و نود و سیصدی که چهارده سال قبل باشد در مملکت اسپانیا این مرض منحوس چنان شدت و سختی ظاهر شد که روزانه هزارها نفوس را بر خاک افکند و دست قوی بجهت آنرا چنان برهم شکست که تا ابدالدهر سر بر نیاورند دولت فرانسه آن چنان دولت و ملتی که در قرون وسطی علاج این مرض را جز قرائنی و اجتناع در کنایس و پناه بردن بحکشیشان و باب و اقامت تلاوه نمیدانستند - از برکت وضع قرائینهای صحیح منظم حد نقاط سرحدی و مواظبت و مراقبت شدید با آن

و خدمت پابنای نوع و وطن خود در تنظیفات بلیه و رفع کثافات و مراعات حفظ صحت و عمل بلیه از قبیل فواصک و ارزاق و ارزانی و عمل تسلی و تدفین اموات و تحصیل امنیت عمومی و غیره چنان کوشش نمود که محکی اهالی طهران از بزرگ و کوچک غنی و فقیر عالم و جاهل - آنها بمنون و متشکر خدماتش خواهند بود - هرگاه مخوام خصوصیات کارهای او را بشمارم هر آینه دفتری ضخیم و کتابی بزرگ لازم است فلا به چند ماده اکتفاء مییابد شاید سایر اموری و ولات و حکام و پابندگان دولت علیه از کردار این مرد سرمشق گیرند و بدانند تکلیف نوکری چیست ؟ و چگونه باید انجام داد - فقط حکومت و ریاست منحصر بان نیست که رشوت و تلافی و حربه گرفته بعیش و عشرت مشغول شد و از حدود تحصیل ضیاع و عمار و مستغلات و خانه و بارک بآیند و حقوق ملت و دولت را بهمسایگان فروخته چپ و دامان خود را انباشته نمایند و بالاخره مردود دنیا و آخرت گردند (باقی دارد)

تکرافات

(۱۶ جمادی الثانی - ۲۸ آگست)

۱۶ ژاپون رسماً به سفرای دول بدین مضمون بخبره نموده که هرگاه قشور بحری روس که درجهازات مراریندر در شکافی سلاح چین نشوند دولت ژاپون بفرض حفظ حقوق جنبی خود آنچه صلاح داد و مناسب مهمله مأمول خواهد داشت - دولت ژاپون در اینموقع با کمال هوشیاری سعی است که حقوق او پایمال نگردد - سفرای ژاپون را اطمینان داده که دولت امریکا متعهد است که بیطرفی دولت چین را در این جنگ هماره بر قرار دارد

(۱۷ جمادی الثانی - ۲۹ آگست)

۱۷ خبر روتر از پترزبرگ خبر میدهد که جنرال (سظاروف) بتاريخ ۲۷ تلگراف کرده که در جنگ یوم جمه حینیکه لشکریان روس فرار مینمودند از روی اجبارش مراده توپ را از دست دادند تاکنون اتصالات قشون روس در این جنگ معلوم نشده ولی از هزار و پانصد نفر زیاد است بسیاری از محرومین زخم شمشیر و خنجر و طنبچه دارند - ازین ظاهر می شود که جنگ نزدیک بوده - واسطه سرعت حرکت لشکریان ژاپون و سختی شلیک توپخانه آنان روسیان مجبور گردیدند که در این میدان با نقصان زیاد عقب نشینند عصر شنبه مجدداً ژاپونیان آغاز بمحله کرده و حملاتشان مشهورانه و مجنونانه و از خود گذشته بود

۱۸ خبر (روتر) از (لیاوانک) تاریخ امروز خبر میدهد که عام قشون روس با توپخانه و رسدخانه و غیره با احتیاط

بلیه درجه تخفیف یافته و امید است الی چند روز دیگر بالکلیه مرتفع شود دیروز عدد اموات را خیلی مختصر خبر میدهند هر حال در این مدت جمیع اعیان و امراء و تجار هر سمت و هر جهت متشت و متفرق شدند اغلب کاروانسراها و اطاقهای تجارتی و ادارات دولتی تعطیل بود تجارت و کسب معوق و مصل شد زیاد از حد احصاء زبان و ضرر بر عموم وارد گردید از عجایب آنکه بساثر قرا و مزارع اطراف نیز سرایت نمود شمیران که در اطافت هوا و کثرت آب و درخت معروف است میتوان حکفت در حد خود زیاده از طهران طیفان نمود - بندگان اعلیحضرت اقدس میونی عازم حرکت بجانب بیلافت دور دست و بعید شدند ولی از آنجا که خاطر مهر مضامیر همواره منوجه رقاء حال عامه و آسودگی آنها ست بملاحظه آنکه مبدا این حرصکت موجب تشویش خواطر و اضطراب قلوب مردم میگردد از آنجیال صرف نظر فرموده مراجعت بصاحبقرانی که بیلاق هر ساله و متر سلطنت است نمودند در حفظ صحت و قرانتین امر اکید صادر شد شاهزاده صدر اعظم نیز در این باب زیاده از اندازه مسامی جبهه بهکار بردند مبتلی بندگان اعلیحضرت میونی از جیب قنوت خود بجهت تشکیل دو باب مریمضخانه مرحمت فرمودند - اما از همه زیاده قابل تشکر و مستحق ستایش ولایق تمجید اقدامات و مسامی و کوشش حساب مختار السلطنه وزیر احتسابیه و رئیس مجلس نرخ ارزاق بود فی الحقیقه هرگاه حد و جهد و زحمات فوق العاده و مشاق فوق العاده این یک مرد بزرگ ملت خواه وطن پرست غیرت مند نمی بود اوضاع طهران یکباره منقلب میشد حفظ و غلاء و تنگی مزید علت میکشت اموات در کوجه و بر زن میافتادند شهریک قطعه و مرکز عفونت و کثافت میکردید بقتیبکه هرگاه مرتفع میشد نخم و میکروب آن بر طرف نمکشت و سال آینه نیز خندای نخواست حافی مبتلا باین بایه جانگداز میکردیدند یک نفر در شهر بافت میشد یک باب دکانرا احسی باز نمیکرد ولی این مرد با کمال متانت و ثبات قدم و بی طمع و بی غرض محض رضای الهی و خشنودی خاطر اقدس میونی

سلامتی در ۳ لیاویاتک با رسیدن و تدارک جنگ و تیه
جنگ گیری خصم را مینمایند - در روز تماشای خوبی در حین
عودت دادن رسدخانه روسیان بود - در وسط اردو سیودسات
و در گرد آن فوج و توپخانه مشغول بشلیک بودند

۱۱) خبر روتر از توکیو خبر میدهد که دو جنرالان روس
(رونکسی) و کرنی (در این) دو حالتیکه بجانب (لیاویاتک) فرار
مینمودند قتل رسیدند -

۱۲) چهار جہاز گرمه و یک جہاز جنگی روس در دریای
ارطای جنوبی مشغول بتدارک و تلاشی جہازات تجارتی اند
(۱۸ جہادی الثانی - ۲۰ آگست)

۱۳) خبر روتر از (چیفو) خبر میدهد که در تاریخ ۲۷ جنگ
سختی در بندر آرتھر شروع گردید

۱۴) در پترسبرگ اعلان یافته که حملجات جہاز (تویک) و
اضرائوی به از شرقی جہاز مذکور در (ولادی روسک) رسیدند
۱۵) امیرالبحر دولت انگلیس اعلان داده که بتاريخ ۲۶ افسر
بحری جزیره اسپینل (جہازات جنگی) (کریسلیت - فول - وریل)
را بجانب جنوب در تلاش جہازات گرمه روس (پترسبرگ -
و اسولونکس) حرکت کرده است

۱۶) جہاز (باروسه) درین دو دریاچه (ولنش ونگوله) مشغول
بتلاشی است - و جہاز (پار تریج) بین دریاچه (ولنش و سین)
در گردش میباشد و افسر بحری جنوبی دریای اطانتک که
نزدیک کلب میباشد جہازات (سیت چارچ - و بریت) را
همراه گرفته در این تلاشی و تدارک شرکت خواهد نمود

۱۷) خبر روتر از لیاویاتک خبر میدهد که در جانب جنوبی
میدان امروز از ساعت پنج شروع بتلیک نمیکند شده و امداد
اندک توپخانه نیز آغاز بشلیک نمود - و یقین است که جنگ
بزرگ عملاً قریب خواهد شد

۱۸) دینب زاپونیان در پنج میل مغرب راه آهن رسیده
لشکریان روس آنرا پراگنده کردند

۱۹) خبر روتر از توکیو خبر میدهد که از دست دادن قلعه
(انشایاتک) که محکمترین مقام برای حفظ (لیاویاتک) بود
مورث نقصان عظیم روسیان شده تا اندازه استحکام (لیاویاتک)
را کم نموده است

۲۰) خبر روتر از شنکهای خبر میدهد که مسئله عربان نمودن
جہازات روس از اسلحه فیصله و حتم گردید -

۲۱) وقایع نگار اخبار دیلی تلگراف چنین تصور میکند
که جنگ (لیاویاتک) بسیار عظیم و از جمیع جنگها سخت
تر خواهد بود - چه سرداران روس همه از مصروف
دفاع و تلگرافات و اخبارات تعریف زیادی از توپخانه روس
مینمایند - دست دادن (انشایاتک) بواسطه سرعت پیشقدمی
زاپونیان بجانب مشرق بوده است

۲۲) جنرال (کروپاتکن) ادرست حتی بعضی سرداران روسی و
عقب نشستی آنان متشکی است

۲۳) بموجب تلگرافی که از (تینتسن) بروزمه انگلستان رسیده
زاپونیان نزدیک است بندر آرتھر را متصرف شوند

۲۴) تلگرافی که از (مکدن) رسیده ظاهر میدارد که بتاريخ ۲۶
جہازاتی از زاپونیان بدون شلیک تفنگ و توپ بقوه بازو و
برش شمشیر جنگ کرده پیشقدمی نمودند - لشکریان روس
با توپخانه از عقب آنها محاصره کرده جمیع کابری را بقتل
رسانیدند - قشون زاپونی قتل را براساس ترجیح میدادند
و بخود کشتی حویش مبتارت مینمودند

۱) خبر روتر از توکیو خبر میدهد که در جنگ (آپتنگ)
از زاپونیان (۲۰۰۰) نفر مقتول و محروح گردید لشکریان
زاپونی هشت هزاره توپ در (آپتنگ) و هفت هزاره در
آنشایاتک از روسیان غنیمت گرفتند

۲) جنرال سخاروف از لیاویاتک خبر میدهد که جمیع لشکریان
زاپون بجانب لیاویاتک پیشقدمی مینمایند و حله شدیدی بر
میسره و قلب لشکریان ما کردند - و در این حله روسیان دو
چار نقصانی پیشمار گردیدند - زاپونیان شبانه در بعضی
مقامات متبته توپخانه خود را نصب نموده علی الصبح قبل از
ساعت ۶ خود را به قلب لشکر ما نزدیک کردند

۳) خبر روتر از چیفو خبر میدهد که زاپونیان بعد از حله
سخت بر بندر آرتھر و عدم کامیابی کامل در مقامات متفرقه
حله نموده نقصان شدید یافتند

(۱۹ جہادی الثانی - ۲۱ آگست)

۴) دست جہازات جنگی بالتیک روس در (سکرانسد)
معاودت کردند

۵) جنرال قونسل دولت زاپون در پیش رسا دریاچه جنگ
(لیاویاتک) چنین اطلاع یافته است

۶) بتاريخ ۲۵ دشمنان ریلندی کوهیکه در ۲۳ میل شرق و جنوبی
(لیاویاتک) بود متحصص بودند زاپونیان بر آنها حله نموده -
شب ۲۵ لشکریان بیاد زاپون بقوه شمشیر جایگاه قلب لشکر
روس را محصر داشتند - ولی لشکریان روس در میمه و
میسره ایستاده مقامات حویش را نگاهداری نمودند - بتاريخ
۲۶ جنگ شروع شد و دشمنان بهمان قسم مداومه نمودند -
در شب میمه لشکر ما متکی بیکو نمود و میسره خصم را
شکست داده و هشت هزاره توپ آنرا قبضه کردند -

۷) بتاريخ ۲۷ تمام قشون ما آغاز بمحله نمود و تا شام جمیع
مقامات مستحکمه دشمن بدست ما افتاد - در این جنگ نقصان
لشکریان ما (۲۰۰۰) بقلم آمده است - بدون توقف قشون
ما بجانب (انشایاتک) کوچ کرده - روسیان بدون مداومه
سخت راه فرار پیش گرفتند - لشکریان جا قشون خصم
را تعاقب کرده حصه از آنان را جلوگیری کردند -
عاجت جیباً بجانب (لیاویاتک) فرار کرده و از شلیک توپخانه
ما که در تعاقب آنان بود نقصان عظیم یافتند

۸) جنرال (سخاروف) بتاريخ امروز از لیاویاتک خبر داده
که جنگ شب گذشته بساعت ۶ ختم شد - لشکریان روس
بسیاری از مقامات را که زاپونیان داخل نموده بودند باز بقصه
حرد آوردند - لشکریان زاپونی بر میمه قشون ما حله
برده با نقصانی زیاد عقب نشستند - تلفات قشون روس در
این جنگ سه هزار بشمار آمده است -

۹) خبر روتر امروز از (لیاویاتک) خبر میدهد که میدان
جنگ گرم است ولی شدت شلیک توپخانه ما در بروز نیست -
لشکریان زاپون بجانب میسره قشون روس در حرکتند از
طرفین بالغ بر پانصد هزار لشکر در میدان جنگ موجود
است - و هزار و سیصد توپ در مقابل یکدیگر دهن
گذاشته - و جمیع قشون مشغول بشلیک و جنگند -

۱۰) روتر چنان عقیده دارد که زاپونیان بعد از تصرف بندر
آرتھر و تسخیر (لیاویاتک) در این موسم ترک جنگ خواهند
گشت و خزینہ دولت زاپونی آن حیثیت و قابلیت را ندارد که
تا زمانه دوازدهم جنگ را برقرار گذارد - تا وقتی که نام

ژاپون قطع مصلحت و قلبه بلند است اعتبار او برای جلب
فرض و حصول وجه برقرار است
۱۱) خبر روتر از توکیو خبر میدهد که علی سبیل الاستمرار
قتون فک به لیاویانک برای جنرال سکرویاتکن فرستاده
می شود و در عرصه دو هفته دو (کود) قتون فک دو
(لیاویانک) فرستاده شد (کود - دو دویژن و هر دویژن
بیست و پنج هزار است)
۱۲) از وزارت خارجه انگلستان حلی مجلس تجارت لوربول
رسیده که دولت انگلیس با منتهای دقت بدولت روس درباره
نمره اشیاء ممنوعه جنگ بخبره نموده این مسئله زیر بحث
و غور است

(۲۰ جادی الثانی - ۱۷ ستمبر)

۱۳) خبر روتر امروز از (توکیو) خبر میدهد که دو (لیاویانک)
نور جنگ گرم است و تا دیشب که خطوط روسی روانه
شده ابداً نتیجه جنگ و فتح و شکست هیچ یک از دولتین
متخاصمین معلوم نبوده
۱۴) خبر روتر دیشب از (لیاویانک) خبر میدهد که تمام قتون
روس بجانب راه آهن جنوبی پیشقدمی نموده اند -
۱۵) وقایع نگار دلی کرانکل از چیلو خبر میدهد که ژاپونیان
توقف در شلیک و آخیری حمله بندر آدنر نموده در استعکام
محاصره آن سعی اند - تا لشکریان روس خود بخود تسلیم شوند
۱۶) خبر روتر از (چیلو) خبر میدهد که جهاز (اندی بندنت)
که برای ژاپونیان حامل سیورسات بود اضراً بحری (نیوجوانک)
جلو گرفته که این بکته مخالف با بطریق چین در این جنگ
است - فونسل ژاپون در این امر اعتراض نموده است
۱۷) جنرال (استاسل) سردار قتون روسیه در بندر آدنر
اطلب حضرت امپراطور روس را خبر داده که تا کنون هم روزه
حملات ژاپونیان را رد کرده استقامت نموده اند
۱۸) خبر روتر بتاریخ سی ام از (مکدن) خبر میدهد که ده
هزار لشکریان ژاپون از جانب شمالی و مشرق آفاژ به
پیشقدمی نهاده اند
۱۹) خبر روتر از توکیو خبر میدهد که از خطوط روسی
ژاپون عدد تقصانات ظاهر نمیکرد و چنان کان می رود که چند
روز متوالی این جنگ بر قرار ماند - بطریق غیر روسی
روسها ظاهر میدارند که ژاپونیان در جنگ (لیاویانک) ۴۶
مراده توپ را از دست داده اند
۲۰) خبر روتر از توکیو خبر میدهد که اردوی قلب و مینت لشکر
روس که از جانب جنوب حافظ (لیاویانک) بود عصر پنجشنبه
فرار نمودند - و لشکریان ژاپون آنها را تعاقب کردند
۲۱) خبر روتر از توکیو خبر میدهد که جنرال کروکی با
نویخانه از رودخانه (یتسی) بذریعہ بله های مصنوعی بیست و
پنج هزار قتون را عبور داده است
۲۲) جنرال (سظاروف) خبر میدهد که دیروز بجانب جنوب
جنگ ختم گردید - لشکریان روس اغلب در مقامات خود
متوقف بودند - بطرفین قصان زیاد رسیده است جنرال
(استاکبرگ) و جنرال (دوسوسکی) مجروح شدند
۲۳) خبر روتر از شنکائی خبر میدهد که بطریق غیر روسی
شهرت دارد که ژاپونیان (لیاویانک) را متصرف شده اند
۲۴) لشکریان روس متوازراً در لیاویانک کک و نشید می نمایند
۲۵) خبر روتر از (لیاویانک) خبر میدهد که جنرال کروکی

دیشب بقله بندی سرگرفی شهر که چهار طرف آنرا ژاپونیان
تسلیم نموده اند حکم نمود - چرا که بموجب خبریکه قبلاً
است که ژاپونیان از رودخانه یتسی علی الصباح عبور می نمایند
لذا آمادگی خود را تکمیل میکنند
۲۶) امروز بیست و پنج هزار قتون ژاپون از رودخانه
یتسی عبور نمودند و بجانب مغربی راه آهن حرکت کردند
تا سه مخبرات کرویاتکن و لشکریانش را بخلاند
۲۷) خبر روتر از (چیلو) خبر میدهد که (سترواپرت هارت)
نصیبه نمود که جهاز (اندی بندنت) میتواند از نیوجوانک بدون
هیچ مانع و طایقی عبور نماید

(۲۱ جادی الثانی - ۲ ستمبر)

۲۸) خبر روتر از (توکیو) خبر میدهد که از مقام جنگ
خبر رسیده که ژاپونیان حمله خونتاک و دلیرانه نموده اند -
۲۹) اردوی جنرال (اوکو) امروز مینت لشکریان روس را
عقب نشاند و از آن بعد روسیان فرار اختیار کردند
۳۰) جنرال (اویاما) تلگرافاً خبر میدهد که لشکریان ورا - سخت
تقصان رسیده - جنرال کروکی تقصانات تاریخ ۲۴ و ۲۸ را
(۲۲۷۵) مینویسد تاکنون این خبر شهرت دارد که لیاویانک
را ژاپونیان تصرف نمودند
۳۱) ارباب سیاست را عقیده بر این است که تسخیر بندر
آدنر تا اواخر شهر ستمبر خواهد شد
۳۲) تمام اخبارات ژاپون اگرچه تمجید و تریف از بهادری
و جوارردی و جانتشایی و استقامت لشکریان خود مینمایند
ولی در نتیجه جنگ و طاقت آن - اسکت اند فقط حالت
موجوده جنرال سکرویاتکن را بسیار مخوف ذکر کرده و چنان
تصور می نمایند که اقدام جمیع قتون ورا وقت نزدیک
رسیده است
۳۳) خبر روتر از توکیو خبر میدهد که در کوچه بازار شهر
اعالی ژاپون را شور و قش (لیاویانک) بیجان آورده مردم شبانه
چراغ در دست گرفته در کوچه و بازار تنی نموده از محلی
به محل دیگر می روند و سرود فتح می سرایند -
۳۴) خبر روتر از توکیو خبر میدهد که جنرال نلدزو که کاندان
قلب و جنرال اوسکو که حکمران مبسرة لشکریان ژاپون
بودند بلا توقف تا ظهر بر لشکریان روس حمله نمودند رسماً
اشاعت یافته که تلفات ژاپونی بوم چهار شبه و دیروز پنج
هزار نفر بوده است
۳۵) خبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که جنرال کرویاتکن
خبر داده که روسها از مقام اولیه خود عقب نشستند -
ژاپونیان مقامات مینتة قرب راه آهن را حراب کرده
ایستگاه لیاویانک را نیز منهدم ساختند لشکریان روس مجدداً
ایستگاه جدیدی در جانب شمال تعمیر نموده اند جمیع قتون
مینت ژاپون که تحت امر جنرال کروکی بودند از رودخانه
یتسی عبور کردند
۳۶) (جادی الثانی - ۳ ستمبر)
۳۷) خبر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که روسها در
جنگ اندک سرد شده مع ذلک هروجب زمین را که از دست
میدهند تا آخر قطعه چال فشانی را می نمایند تا صبح بوم چه
لیاویانک بدست روسیان بوده است
۳۸) جنرال (اوکو) مینت قتون روسی را از طرف رودخانه

گرفته بین است که خیل او آنگاه غریب شده اند.
 ❖ تاکنون ایوان کاپوت لیاویاکه سه نگریده
 ❖ در دهه اولی که اهل لندن برای ارضای نیاز ژاپون با
 کوماند پست هزار لیرا جمع شده است.
 ❖ جنرال (اویاما) خبر میدهد که جنرال اوسکو و جنرال
 (تادو) بر لشکریان روس که در مقاومت خارج لیاویاکه
 بودند حمله و پویش سخت برده اند.
 ❖ جنرال فونسل ژاپون رسماً خبر فتح لیاویاکه را اطلاع
 میدهد.
 ❖ روزنامه طس لندن عنوان جنگ لیاویاکه را در صحنه
 حه روز چگون مینویسد - روس سی هزار و ژاپون پست و
 پنج هزار
 ❖ سی هزار لشکریان ژاپون بین [مکدن] و [لیاویاکه]
 سر راه بر جنرال [کروواتکن] گران اند.
 ❖ خبر اوتو (از پترسبرگ) خبر میدهد که حمله ژاپنی
 از اردوی جنرال [کروواتکن] از عبور رودخانه [پتسی]
 مقصی المرام گردیدند جنرال کروکی مقاومت عده را در قرب
 راه آهن و تصرف خود آورده است.
 ❖ جنرال کروواتکن خبر میدهد که ژاپونیاں چپاه نیز بر
 غلبه مرکزی شهر لیاویاکه حمله نمود ولی کاری از پیششان
 نرفت علی الصباح عدها سی در تسخیر قلعات کردند مگر
 پویش آورده و عقب نشستند.
 ❖ از پترسبرگ خبر رسیده که روسها لیاویاکه را نجات
 نموده ژاپونیاں متصرف گردیدند.
 ❖ قشون روس بجانب (پتاتی) حرکت مینمایند.
 ❖ اردوی مرتب (سایرنا) که پست و پنج هزار و تحت امر
 جنرال استاکلبرگ بود در معرقت لیاویاکه ژاپونیاں جلوشان را
 بسته اند.
 (- ۷۷ - جادی لاتی - ۸ ستمبر)
 ❖ از توکوه سر رسیده که ژاپونیاں صبح یکشنبه کلا
 لیاویاکه را متصرف شدند.
 ❖ خبر (روز) از توکیو) خبر میدهد که جنرال کروکی تا
 آخرین نقطه تپه هائیرا که بین او و راه آهن بود با قشون
 زیاد متصرف گردید.
 ❖ جنرال (سزاروف) خبر میدهد که در جنگوانتن جنگ
 تمام و از طرفین اشغال داوند.
 ❖ جنرال (اودلوف) که حافظ معادن ساحل رودخانه
 پتسی بود تاب مقاومت ژاپونیاں را نیاورده مجروح شده
 راه خویش گرفت.
 ❖ جنرال استاکلبرگ پنج روز کامل صقابه با ژاپونیاں نموده
 مقاومت بناچار برای تأیید جنرال [اودلوف] آمده تا در نجات
 بماند.
 ❖ جنرال سزاروف تعیین نمود که قشون قشون روس در
 تاریخ سی یکم آگست و اول ستمبر هفت هزار بود و
 تاریخ دوم سه هزار نفر
 ❖ جنرال [کروواتکن] رسماً خبر داده که بواسطه مقاومت
 جنرال استاکلبرگ از معرقت لیاویاکه تا عبور به غلبه
 لیاویاکه شدید
 ❖ خبر میسران توکیو میگوید که جنرال [کروواتکن]
 زانیه با چپاه پویش و تسخیر پتاتی که بین او و راه

آهن راه بود گنبدت (لیاویاکه) را متصرف گردید -
 جنگ بسیار شدید در پیش است
 ❖ خبر روتر از پترسبرگ خبر میدهد که لشکریان جنرال
 کروواتکن بساعت هفت شبیدن مضمون رسیده است که حمله
 عده قشون که لشکریان تحت امر جنرال (استاکلبرگ) نیز
 شامل است هلا در جنوب (پتاتی) توقف داوند
 ❖ دولت روس حکم میرانی از سلاح ماکینان جهاز (وفا)
 فرستاده جهاز مذکور نیز میران از سلاح شد
 ❖ خبر روتر از (توکیو) بناویچ چهارم خبر میدهد که
 لید مارشل (اویاما) که - پسالار کل و فرمانده قشون در
 منوراست خبر میدهد که مقدمه الیش جنرال (کروکی) برگشته
 که بر راه آهن متصل گردد ؟ و بجانب (لیاویاکه) پیش
 رود - سرداران روسی عملات ایستگاه لیاویاکه) و توره خانه
 و سپورسات خود را که قابل حمل ندیده آتش زدند میسر و
 قلب اردوی جنرال (اویاما) تاکنون بر جنوب و مغرب
 نواح (لیاویاکه) به نزدیکی تمام حله مینمایند - پس از جنگ
 دیشب (لیاویاکه) کاملاً بقبضه ژاپونیاں بیرون آمد - تصالط
 ژاپون در این جنگ نیز زیاد بوده است
 (۷۸ - جادی لاتی - ۹ ستمبر)
 ❖ جنرال (سکروواتکن) تاریخ سوم در باره جنگ
 خبر میدهد که چون در میدان درختهای خار میلان
 بسیار موجود بود پیشقدمی قشون مارا تا یک اندازه
 طلع گردید - ژاپونیاں در میان انبوه درختان خود را
 محقق ساخته قشان زیادی به لشکریان ما وارد آوردند -
 قط از لشکریان تحت امر جنرال (اودلوف) هزار
 و پاصد نفر قتل رسید
 ❖ افواه است که بواسطه تخلف (لیاویاکه) افساد
 و اعتباریکه اهالی پترسبرگ بجنرال (کروواتکن) داشتند
 کم شده است (چه تخلف لیاویاکه بحکم او بوده است)
 ❖ بموجب تلگرافیکه از لندن به روزنامه استیمن
 رسیده پست و پنج هزار لشکریان روسی که در تحت
 امر جنرال (استاکلبرگ) و حافظ مغرب (لیاویاکه)
 بودند لشکریان ژاپونی همه واتباء و بر باد کرده دو پست
 هزاره توپ روسیاں را نیز غنیمت گرفتند
 ❖ قابل وزیر داخله روس بدستگیری دو هزار
 فرقه (نیلز) از قیدخانه پترسبرگ فرار نمود
 ❖ خبر روتر از جینو خبر میدهد که از تاریخ ۷۷
 تا ۷۹ آگست ژاپونیاں حله جدیدی مجدداً بر پتر
 آرتر نمودند - و روسیاں در هر مقام با نتهای پادوی
 و عیالحت جلالت آنها را در حکم دین مگر در مقام
 که [کروواتکن] که روسیاں جلالت استقامت نورزند

تاریخ جنگ روس و ژاپن (۱۹۰۴-۱۹۰۵) - فصل پنجم

و خبر روزی که از پترزبورگ به سوی بیروت می‌رفت
 دولت روس هر مدتی تلاش جهازات به کشتی (تورساکوف)
 در دریای اقیانوس هند رسید و در جنوب به جهاز
 (اسمولنکی) خبری نرسیده است
 (استتار - با جادی لایان)
 خبر روزی از پترزبورگ خبر می‌دهد که ایماط هیچ
 لشکران روس بجانب شمال (ایتالی) موجودند -
 و حجه از لشکران را برای حصول نتیجه در اینجا
 گمانته که سایر لشکران که بجانب مکن رخ می‌نمایند قیسه
 کنند - امروز تمام در پترزبورگ شهرت یافته که سابق
 لشکران جنرال (کروپاتکن) کاملاً برپا و جلالت گم شدند -
 و نام لشکران روس را خوف حاصله در روس است
 جنرال کروپاتکن خبر می‌دهد که فرار لشکران ما
 بتاریخ ۴ با کال وقار و اطمینان بود سابق لشکر
 جلوه‌گری بکونی از لشکران ژاپنی که مارا تعاقب
 می‌نمودند نمود
 کاتالوج چهارم سرداران ژاپنی لشکران خود را
 برای حمله بر میسره قشون روس جمع نمودند -
 و لشکران روس از (یتانی) تا رود خانه (یتنی)
 منتشر شده بجانب مکن کوچ می‌نمایند
 روزنامه استندرد از شجاعت و جنگجویی و
 قاعده دانی لشکران ژاپنی تمجید نموده می‌نویسد
 که در این قرن ژاپن اول دولت آسیای است که بر
 یکی از دول مستبره اروپا جنگ کرده و فتح نموده است
 از این توکات متواتره دولت ژاپن خود را در قطار
 اول مدجه قوی اروپا بشمار آورده است
 خبر روزی بتاریخ پنجم از (یتانی) خبر می‌دهد که
 امروز جنگ سختی در شمال مشرق واقع شده تمام
 لشکران ژاپنی از تبه فرود آمده بجانب مشرق راه
 آمان رهسپارند
 موجب تلگرافیک از پترزبورگ رسیده تمام لشکران
 ژاپنی در بیست میلی (مضکن) رسیده لشکران
 روس شروع به تخلیه مقامات خود کرده اند
 دولت روس شگفته تنید اخبارات را در حالت
 مقرر کرده است
 خبر روزی از (تورساکوف) خبر می‌دهد که لشکران
 روس کاملاً (یتانی) را تخلیه نموده و از این جهت
 در پترزبورگ و سایر شهرات روسیه و اروپا
 در حال شگفتی است

و تصرف خود کرده اند
 خبر روزی از (تورساکوف) خبر می‌دهد که
 از لشکران روس دولت پتکوتوشور (که بجانب جنوب
 (یتانی) است جمع شده بقایای قشون روس چنداً
 بجانب (یتانی) رخ آورده اند
 (تورساکوف - با جادی لایان)
 جنرال (کروپاتکن) بتاریخ پنجم خبر می‌دهد که
 لشکران ما بجانب شمال بد حرکت و از مقام جنوبی
 گشته اند - لشکران ژاپنی از عقب تمام روز بر ما
 شلیک کردند فقط چند نفر از این تعاقب از قشون ما
 قتل رسیده
 خبر روزی از ژنگبارا خبر می‌دهد که حکامه روس
 بجهاز پترزبورگ و ایسولنکی رسیده که بجانب اروپا
 حرکت نمایند
 خبر چهارم پنجم ژاپن بر ساحل (تورساکوف)
 در راه (ساکلیان) واقع است نظر آمده -
 لشکران روس بر کشتیهای ژاپنی که تاشای غرق شدن
 جهاز (تولک) را می‌نمودند شلیک کرده ازین رو
 کشتیهای ژاپنی راه خوبی گرفتند
 خبر روزی از پترزبورگ خبر می‌دهد که حکامان
 (ورن) فرمانده جهاز (باین) بهمه امپراتور (اوختو
 مسکی) بر حقیه جهانزات جدید آذربایجان مقرر گردید
 روزنامه پدلی تلگرافی می‌نویسد که شجاعت و جاپون
 در مقابله با روسی در میان جنگجویان مسئله بسیار
 نامنی پیش نموده - و ژاپنیان در این میدان استعدادی
 بخرج دادند که تاکنون از هیچ قوم و ملت دیده نشده
 بود همه نوادین این دوره مشرق اولین نمونه است
 که دولت ژاپن نموده و خوبتر از در قطار دول
 با اقدار اروپا بشمار آورده است
 جنرال کروپاتکن بتاریخ اولد مکن گردید
 خبر روزی از (ژنگبار) خبر می‌دهد که جهاز
 (والنوی) در پترزبورگ و اسمولنکی را از تصرفات
 دولت انگلیس طلب کرده اند و این خبر را یکی از
 جهانزات بلانی یکیهای روس رسانیده و آنها را در
 حالت مقرر - ولی در گرفتن نغال بکده مشورت
 در پترزبورگ و سایر شهرات روسیه و اروپا
 در حال شگفتی است

اطلاعات

در این ایام مجسمه فرجام آفتاب ذیل در بندر
معموره بمبئی بحلیه طبع آراسته گردیده است

طرازالذهب المنظری در احوالات حضرت ربیع
خانون با حروف سری و کاغذ ممتاز و قطع مرغوب
تاج التلخیص در احوالات امیر افغانستان زمان
سلطنت فارسی در دو جلد بخط نستعلیق
طریق البکاء بخط نسخ قلمی
ضکنت چاب ایران تاریکی از طهران رسیده -
هرکس طالب باشد از جناب آقا محمد حسین صاحب
تاجر لاری بمبئی محله امرگادی طلب باید فوری
بندریه وی - پی - فرستاده خواهد شد

بحارالانوار مرحوم مجلسی ۲۵ جلد تمام
جواهرالکلام دوره تمام در شش جلد
حدیقه شیخ یوسف دوره در ۶ جلد
رسائل السببه دوره در ۳ جلد
تهذیب الاحکام شیخ طوسی دوره در دو جلد
تفسیر زمان آقا سید هاشم دوره ۳ جلد
کتاب شفا با تعلقه صدرالحکما دوره ۳ جلد
مسافرنامه سفر دوم اعلی حضرت مظفرالدین شاه
تاسخ التواریخ در احوالات سید سعادت جلد اول

و دوم

تاسخ التواریخ در احوالات حضرت امام محمد باقر
با تعلقه تواریخ در احوالات حضرت فاطمه
مسافرنامه سفر اول اعلی حضرت مظفرالدین شاه
مجالس المؤمنین
مقام
اشعار ازسه
روضه الانوار
مختارنامه
جوهری
دیوان وسال
علم آرای عباسی
کشف المنظار
خسته نظامی منصور
تخت المجالس
مجموعه و تمام

§ سوس خبر روتر خبر میدهد جنگ عقب نشستن
روسیان بتاریخ مهم باکال سکینه و وقار بوده و ژاپونیان
از تعاقب فراریان روس عاجز بودند

§ کثرت مجروحین بین مبدکن و لیاویاتک کوشان
صلیب سرح را که برای تیار داری مجروحین در میدان
جنگ موجودند لحظه نموده است

§ رئیس اداره سیورسات حاکم روس اگر چه اندکی
سستی در عمل داشت ولی سیورسات لشکریان را بنوع
شایسته رسانید - در خطهای بزرگ خار خیالان که در
بین راه و میدان جنگ روسهارا رحمت راه شده بود
ژاپونیان را معید و نافع در جنگ واقع گردید

(۱۰ ستمبر - ۲۰ جاری کتانی)

§ خبر (روز) از (بتربرگ) حبر میدهد که بموجب
ریورت جنرال سخاروف از دیروز تاکنون جنگی بین
لشکریان روس و ژاپون واقع نگردیده است

§ دولت روس ادای حرجانه دو جہازات انگلیسی
(نوانکشی - و ایتر یککیل) را قبول نموده است

§ از چهار ماه بدین طرف دولت روس چهارصد
باصد هزار بن دغال سنگ از (خاردیف) خریداری
را در مدیلا ذخیره کرده اقواء است که دغال سنگ را
دولت روس تا ورود (یولاد یودسک) فی نون یکصد
و ده تنگ خریداری است

§ روزنامه (استردرد) در نامه ترحمت ژاپون و
توقیات آن عنوانی را نگاشته که رجال دولت انگلیس را
عقبه برین بود که هیچ دولت در اداره نمودن لوازم
حرب و قانون جنگ مثل آنها نیست ولی دولت ژاپون
از حسن اداره و یشرف جنگ دعوی آنها را باطل
کرد و قسمی میمان داری نموده که زبان از تعریف
و تمجیدش لکن است

اشتهار

کان مرئال [زرنیخ] وکان سنگ سرب وکان سنگ
مس در ملک جزال موجود است هرکس از تجار که
خواهش خریداری اعیان مذکوره و یا یکی از آنها را
داشته باشد باید راساً بحضور عالی جناب مهتر صاحب
والی جزال مرشد است فرستد فقط

جبل المتین کلکته

(مدیکل کالج استریت نمبر ۴)

کلیه امور اداره ما

مدیر کل مؤید الاسلام است

منتظم اداره

آغا محمد جواد شیرازی است

هر دوشنبه طبع

به شبیه توزیع میشود

بتاریخ دوشنبه

۱۴ رجب (۱۳۲۲) هجری

مصادف با

جبل المتین

سنه ۱۳۲۲

قل از دریاب بعدن قص اداره

(۱۹۰۲ میلادی) خریدار نپید قسم اخذ را باحدی - ام باید ۱۰۱ منات - ۶ منات

قیمت اشتراك

الانہ سے شش ماہہ

ہند و برص

(۱۲ روپہ - ۷ روپہ)

ایران - افغانستان

(۲۰ فرن - ۵ فرن)

عازان و مصر

۵ بیڈی - ۳ بیڈی

اروپا و چین

(۳۰ فرانک ۱۷ مرک)

روس - ترکیہ

۱۰۱ منات - ۶ منات

در این خریدہ هر گویہ علوم وقایع سیاسی و مع برار و بیڈی - سود

مراسلات علم المصنفه و در ان رش داره آرادت

دہ ت شرقی بربك دولت ہری فتوحات زیوں است
 سرعت ترقیت زیوں خیالات مان ادیشان مغرب را
 دربارہ پیش آمد آئیہ مشرق تبدل داد - رودہ
 طارنگ پست ، یوں بد (فتوحات ژاپور در اقصای شرق
 و شکست روس در مملکت چین طاقہ صادرات آسیائیں
 و شکست ارہ بلقان و اعدام بحارت غرب در شرق و
 امنای رع و ہیبت آنان در قلوب شرقیان خواهد
 گردید - بار در شمارہ دیگر استدردی می بویسد (فتوحات
 ژاپور در تواریخ قرون - اہ شرق و غرب ، مثل و مانند
 دارد - ژاپور تھا مسق و وجود بری خود قائم مدود
 هرق مسعودی و وجود محمودی رای جمع شرقیان ہوں
 ساحتہ وجود در شہار اولین دولہ اندر روپا بشا
 و این دول دولت آسیائست کہ درین قرہن دل ارہ بار
 ہم بہ و ہم درحہ فرار گرفت ہمین ہج جمع حرابہ
 اروپا مان بدمح و ستائش زیوں گشودند - بیس اہالی
 انگلند و حرابہ انگلیسوارک عبرت و تعصب اروپائت محکت
 آمدہ بدون هیچ دلیل این وضع تحریر خود را تعبیر دادہ و
 مسلك محر بر خویش و گردانند - چون هیچ وام بود
 رای تعمیر مسلك و تبدیل وضع حسن مدیر جنول کروپاتنک
 را در فرار ر ایوانک دلیل گرفته و عدم محاصرہ منزل
 کروپاتنک و دو بست ، بجاہ ہزارا لشکریان او را نیز برنامی
 این فتح و نقص ہنرم سرداران ژاپونی سند دانستہ مادارہ
 تبدیل مسلك و تعبیر وضع دادند کہ سلسلہ استراضی روس در

دہرت مدرجہ

سیاسی • لگرافات • مال کار باکار برید
 پایہ در دنیا • مکتوب • معنی • جبل المتین • اصلاح
 حدودہ یا حالات عالیہ شاہزادہ صدر اعظم • مکتوب
 ار اسلامبول • کتابات • معصوب و از رس •
 مکتوب از طهران • اشہار • اعلان • تہد • احلاق •
 شد امور • عربیان • کلمہ جدید در تص • مد
 درود محبت و مسای حریت • یاد آوی - رد
 خوبی - چارہ حوزہ • مدر عمرہ • تقا لگرافات

سیاسی

فتوحات عبرت قرہ ژاپون و پیش رفت عبرالوصول
 آن در مقابل خصم قوی بچہ نا آن سرعت ، تویب
 پیش از پیش اسباب رقابت و شہرت و عظمت
 و دست دولت مختصر ژاپون در آسیا و اروپا گردید
 روزنامہ استدرود دربارہ فتح ایوانک بدین عنوان
 تمجید از ژاپونیان ہودہ (ترقیات ژاپون و فتوحات
 مایان آن بہ نہا تبدیل خیالات اہالی مغرب ، دربارہ
 شرقیان دادہ ملکہ در قالب بروج ملل شرقیہ روان
 ملیت و قومیت بچشد) روزنامہ طمس چین مینویسد
 (در این قرون تمدن اول فتح شرقیوں حکمہ میتواند
 محرک حسن ملی اہالی مشرق زمین شد فتوحات ژاپون
 و ترقیات آن دولت آسیائست) - دلیل تاگرافی چین
 وای مبدعہ (بعد از دورہ ترقی اروپا اوپن غلبہ بک

بازرهای اروپا از تنزلی که نموده بود اندک ترقی کرده و ساد ژاپون که ترقی داشت قابل تنزل گرد ولی هرکس اینکار را در دست ملاحظه باید بخوبی بداند است که هر دو را اندیشی و مال بینی در تعصب اروپا نیست هیچ چیز را سبب تغییر مسدود آنان نمیتوان قرار داد در حقیقت یک تیرجده نشر شده اول لکه بر نیکنامی و خوش و ضعیف ژاپون داده تا پیش ازین مورث جلب بود بحساب خود نشود و هم ضرورت ژاپون را تا اندازه در هم شکسته و بر نماید که [منت ساحم رسم داستان] علاوه رقیب و محیده شکست خورده که این گونه تصرفات فائز برای و نه محسد تا درجه بمون خود ساختن و جرایمی برای ناریکی نگاهداشتن است - ولی عمده مقصود عطف توجه خاطر آسیایان از ژاپون بود که زاید بر آنچه تصور شود بحساب وی معطف شده بود

ولی در میان واقع ژاپون در واقع [اژدگان] بهترین قدرت مائی را نموده و تا این درجه و باین سرعت فتح ژاپان به تصور احدی نبود - آنچه طاهر می شود دولت ژاپون پس از تسخیر [مکدن] و قبضه بر بندر آرتر درین موسم جنگ را ملتوی خواهد داشت و لشکریان روس بعد از فتح مکدن مجبور به انتشار و تفرقه بد جزیره که سوی [هارین] حنیف کلمات جیبی اردوئی را نباید در منچوریا نشسته روس ترقی نمودند - منچوریا کاملاً به تصرف ژاپون خواهد آمد حرکت گوشه محض آن که طارای هارین و دهنه سائیریا باشد مکدن و ایوانک تا هارین بسند میل است تا صد و چاه مال آن در طاق و طابع در قصه ژاپون خواهد در آمد - چه هیچگونه استحکامات صبی و حصون مصنوعی در جنوب نیست البته در غرب و حوال [هارین] ماسد ایوانک استحکامات صبی از قبیل پست ماسد بسیار و از در دست که روسها مانند بندر آرتر و لساویک و استحکامات و حصون مصنوعی و نیز خیلی افزوده اند

(هارین) اگر چه مرکز است بسیار عمده برای اردوی مارتی روس و همه قسم استحکامات طبیعی و مصنوعی را مزار ایوانک دار است - ولی حواشی قشون زیاد اکدمات نباید بصورت هرگاه دهات روس نخواهد که در مدت توقیف جنگ به و مدارک کامل دیده جنگ بزرگ را در آنجا در دهد مصادم با شکلات عظیمه خواهد شد چهارمین در گردوسها برای امانات دو پست هزار قشون همه جهت مستعد باید آرامت کرده اند خصوصاً وقتی که از سه جانب ابواب تأیید بروی آنها بسته باشد علی [هارین] برای اردوی مرکزی وقتی اهمیت دارد که مکدن و نواح آن و شبهه جزیره ایوانک را به تأیید خود دارا باشد و چون این دو مرکز عمده از او موضوع باشد

جز لند است حکامات طبیعی و حصون مصنوعی داری هیچ اهمیت نتوان شمرد الی آنکه بگوئیم چون در دهنه سائیریا واقع است برای روس سهولت نامه و محبت ژاپون اشکالات پیش میتواند آورد - عمده عامه سیاسیون بر این است که جنگ ایوانک را اعظم جنگ بلکه فیصله عمل منچوریا تصور باید کرد جنگ مکدن هرگز به عظمت جنگ ایوانک نخواهد بود هرگاه تسلیم بایم که موسم آینده در [هارین] روسها مدارک کافی دیده جنگی بزرگتر ازین خواهند نمود باز هم باید قبول نمود که فتح ایوانک فیصله مناقشات منچوریا را نموده و روس برای فتح منچوریا از نو مدارک دیده پیش قدمی آغاز خواهد نمود ولی بسبب دانشمندان صبر (این خیال است و محال است و خون)

تکرافات

(۱۰ شماره - ۲۹ جلدی الثانی)

۱) وزیر داخله روس (روس) - و - استولک میراسکی که شادگی منتخب شده از رحل با دانش و مدرین مشهور روس و محبوب القلوب عامه است عمده دانشمندان روسه بر این است که استقرار وی محالین سلطنت را شکستی فاحش تواند بود

۲) وقایع نگار روزنامه (بایر) بر لندن تاریخ ۳۳ تلگرافاً خبر میدهد که از تلگراف بترسگ معلوم میشود که بین لشکریان روس و ژاپون هیچگونه معاهده در پیش نیست عمده قشون روس بحساب (مکدن) روی آورده و از ماسد بسیار شدیدی نجات یافته اند نزدیک است که جنگی ماسد ایوانک در میزده بلی طرف جنوب واقع شود

۳) خواه است که امروز رسا راه آهن دورد ریاجه (یکال) برای عبور و مرور باز شده است

۴) بحر (روتر) از (توکیو) خبر میدهد که دولت ژاپون ندرک فرستادن سیورسات و کتک بطریق شایسته نموده است

۵) وقایع نگار روزنامه طمس که در میسره اردوی ژاپون بوده خبر میدهد که غنیمت قشون میسره ژاپون در جنگ (ایوانک) بسیار کم بوده است و بریک طایفه راه آهن که بسیار ژاپویان را ضرورت و درکار بود دست نیافتند در این میدان منحصراً از هیچیک از سرداران ژاپونی بطور نه پیوست البته از اردوی جنرال (اوکو) هر قدر تعجید شود شایسته است چرا که در هرزه پنج روز عفت نوبت بر قلاع مدینه حمله نموده بدون قصائی زیاد ماقبت منقضی للرام گردید

(۱۱ ستمبر - ۴۰ حادی الثانی)

امپراطور روس از دست و دو مصافحت اودنه
بقیة قشون دجیره را طلب از روس و خدمت نموده است
که جمیع افسران روسی در یک مرکز حاضر شوند

و اتفاقاً خبر میدهد که در جنگ لیاؤنیک از دست
و ششم آگست الی نهم ستمبر بین شمش و همساز
هزار نفر لشکریان دواتنی متعاضدین قتل رسیده

عبر (روتر) که در ردوی جنرال مسترووا این
است خبر میدهد که زیر بیان در وقت تصرف لیاؤنیک
اورا گرفتار کرده تحت حراست برداشته و در آن
نموده قانع نگار مذکور سالها در آنجا بماند

ظاهر داشته است که باید جنگ لیاؤنیک مسئله سر
مجبوریا و کاملاً امید فقط اشارت تحت سر
کریا بماند و مشتاد هر سه بود و توجه
روس حقوق برزیون داشت و توپهای سریع (دلافت ۳۳
راند) بود و چون سعی اند که لیاؤنیک را از ردوی
مرزی منجوریا بدر برسانند

عبر (روتر) در پترسبرگ اخبار میدهد که جنرال
(کروپاتسکی) خبر میدهد که تاریخ ۳۳ - ۳۴ و ح
شده و او کریان به دست شد و در آن و حریف را با
قادر و حرکت نمود

در ماده ذوالحیاء و جاریس و لایب حریف
یکدیگر را در آنجا مرور حرکات و در آنجا
حادثات مشاهده کردند ولی در آنجا
این است که ممانعت جنگ مشاوتک معلوم می شود که
آنها در آنجا محظوظ شدند

روا این (دلی ندر) و در آنجا
جنرال کروپاتسکی (امارتل او مان) دست زده است

جنرال کروپاتسکی - رنج دوم گرفتار می آید
پوشیده می شود و آتشه مش مش فقط بین لشکریان
محاط جنگ حریفی روح داد و سپاه هیچ گونه
مصلحتی رسیده است

ژنرال (بوانو) رسماً خبر رسیده که بموجب رپورت
داکتران اردو بعضان ژاپن در فتح لیاؤنیک این
قرار بود - در اردوی جنرال (زوک) چهار هزار و
هشتصد و شصت و شش - از اردوی جنرال (بودو)
چهار هزار و هشتصد و دو - از اردوی جنرال
(اوکو) هفت هزار و ششصد و هشتاد و یک نفر تلف
شدند من جمله صد و سی و شش افسر بقتل رسیده
و چهار صد و شصت و چهار مجروح گردیده بعد
از فتح لیاؤنیک شماره تلفات قشون روس ۲۵ هزار
قلم داد شد است

(۱ رجب - ۱۲ ستمبر)

دست - جنرال - ایتالیایی - در آنجا
(کروپاتسکی) حرکت نموده است و در آنجا
شرق حرارت خواهد بود

وقایع نگار (دلی ندر) رنج هشتم از لیاؤنیک
را با خبر نامه است که جنرال (زوک) کاملاً
خلود احراک داده و در آنجا شرقی و غربی

مستند و معلوم است که در آنجا بر تاند
قسم دیده که در آنجا در آنجا در آنجا
شکست خوردند و در آنجا در آنجا

در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
(سنت - سکه) در آنجا در آنجا

در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
که بود در آنجا در آنجا در آنجا
اهلی در آنجا در آنجا در آنجا
روس را که در آنجا در آنجا در آنجا
دچار شده بود در آنجا در آنجا

دینی ادری در آنجا در آنجا در آنجا
جنرال (زوک) در آنجا در آنجا در آنجا
و این سر در آنجا در آنجا در آنجا
بیکه در آنجا در آنجا در آنجا
و نهاد بوقایع نگار در آنجا در آنجا

که در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا
که (مارسل اویس) خبر میدهد که در آنجا

بعم لشکریان ژاپن معادن (زوک) و حال (۲۰۰۰)
را تصرف شده است و در آنجا در آنجا
(س) حرکات در آنجا در آنجا در آنجا
شکریں روس با افسار و آهن نژاد و در آنجا
بوده هزار سر آمار در آنجا در آنجا در آنجا
هزار و مقول روس در آنجا در آنجا در آنجا
سواران و دچار لشکر و در آنجا در آنجا

آتش زدند مع عدلک ژاپن را آذوقه رساندند
شد - بعضی شکران ژاپن در آنجا در آنجا
سند (۱۷۵۲۷) بشمار آمده از میدان لشکر (۴۸۶۶)
از آنجا در آنجا در آنجا در آنجا (۷۶۸۱) - صفر
معاون (۱۳۶) افسران عروج (۲۶۴) بپلم آمده است

عبر (روتر) در آنجا در آنجا در آنجا
بتاریخ دوم حصه از لشکریان روس تحت تیگ فرار
نمودند و بعضی ژاپنیان و تانی و این نکته دوستان
را مفید واقع شده

افواه است که جهاز (لیا) در آنجا

در اسکوا رفت و واسطه نگرانی جہازات حمل و نقل امریکاست

§ خبر (روتز) در (توکیو) از رپورت (مارشل وینا) خبر میدهد - که جماعت زیادی از سواران روس در مشرقی (یتانی) دیده شده و در محبت این رده توپخانه بزرگ نیز موجود است و این لشکر بین راه آمس و مکن و بتانی اند و مقدمه الحیش اردوی ژپون بروسها نزدیک میشود

§ فونسل ژاپون مقیم (سنت فرانسکو) دولت امریکا اعتراض نموده که چرا زاید بر ۲۴ ساعت جہاز (لانا) در این بند توقف نموده است

§ خبر (روتز) از لیاؤیانگ خبر میدهد که مظنون است قشون ژاپون یک ماه کامل بخود سازی مشغول شده از پیشقدمی قاعد و رزید

(۲ رجب - ۱۳ ستمبر)

§ خبر (روتز) از (توکیو) خبر میدهد که فصل جنگ جنرل (کروکی) ازین فرار است - بتاريخ ۲۸ آگست الی یجم ستمبر حالات شدید بر خصم نمود و لشکریان روس کوشش کرده قطع مخابرات اردوی های دیگر ژاپون را با اردوی جنرل کروکی نمودند - ازین رو لشکر بان اردوی جنرل کروکی بدون آب و غذا ۲۴ ساعت ماده فقط به برنج خشک که در اردو بود قناعت کرده در مقابل خصم ایستادند شایک روسها و توپخانه آنان قیامت میکرد این اردو متحمل نقصان زیاد گردید و هرگاه بوقت خود مدد و کمک نآیا نمیرسید بقینا روسها لشکریان جنرل (کروکی) را از جای رداشته بودند

§ (مارشل اوینا) خبر میدهد که افواها دو قسم کلوا دمدم [که ممنوع در جنگ است بموجب معاهده دول] در فورخانه لیاؤیانگ بدست آمده است و این در باروط خانه لیاؤیانگ بوده است

§ اخبار (مارشک پست) میتوینسد که بموجب خبر رسمی که بلندن رسیده (جنرل ساسوویچ) که ساقه لشکر روس را با نچهره ارفشون در جنوب (هپو) نگران بود مجروح شده با سه هزار لشکریان خود اسیر ژاپونیان گردیدند § یکی از انجینیرهای (سنت فرانسکو) ماکینه جہاز (لانا) را دیده ناقص و خراب تصدیق کرده است

§ خبر (روتز) از لیاؤیانگ بتاريخ هشتم خبر میدهد که هر صبح سه روز سه مرتبه شهر لیاؤیانگ تاراج و بنها شد بدوا روسیان در حین فرار شهر را خصوصاً دکام های شراب را غارت کردند - از بعد لشکریان چینی وقت را عنیت و بازار را آشفته دیده شهر را بنها نمودند طاقت وقتی بود که لشکریان گرسنه ژاپون وارد لیاؤیانگ شدند بیون در مکن ریزنی بواقه بخانه جلدوی آورده اند

امیران ژاپونی ازین حرکت غیر مشروع بسیار آشفته و پریشانند اینک انتظام شهر درست شده قشون نیز به اختیار آمده اند

§ خبر (روتز) از [بوسبرگ] خبر میدهد که بطریق غیر رسمی تخمین نموده اند که تلفات قشون روس در جنگ لیاؤیانگ چهل هزار نفر بوده -

§ از اردوی مرکزی قشون روس خبر رسیده که در دوران جنگ دو (کور) که عبارت از صد هزار قشون باشد بمقد جنرل [کرویانکن] رسید و این قشون کمک دزای سیصد مراده توب بودند

§ اعلیحضرت امپراطور روس در او دیسه رای وداع قشونیکه بمقد جنرل [کرویانکن] فرستاده می شود رونق افروز خواهند شد

§ بواسطه ازدحام و کثرت قشون خورای در مکن نیاب شده اداره سیورسات خانه لشکر را مشکلات زیاد در پیش آمد - چرا که در حین فرار اردو سیاری از آذوقه قشون خراب و بر باد و سایب گردید

§ جنرل (کرویانکن) خبر میدهد که بواسطه شدت باران جنگ ممکن نیست ازین رو طرفین ساکت و قشون آرام اند

(۳ رجب - ۱۴ ستمبر)

§ وقایع نگار (دیلی تاگراف) از (سنت پتس) خبر میدهد که ژاپونیان را اراده بر این است که تمام قشون خود را جمع نموده در میدان صاف وسیعی بجای مکن پیش قدمی نمایند - و میدانیکه برای لشکر تهیه دیده در جبل وسیع خواهد بود - لشکریان ژاپون تمام قلاع که در شمال رودخانه (سیوسیسی) و کوه های (میتسک) است قبضه خواهند نمود

مال کار نابکار یزید پلید در دنیا

شماره ۳

پس بشارت باد تو را به اقبال سعد و برو سزد وی و بر تو باد که در رضایت خاطر و جهد وای بعمل آوری [سلمی] - اکت شده اظهار استعجاب از سروری خود ظاهر کرد و بر این خدمت بسیار مسرور و خوشحال گردید - رئیس دیر هم بسیار محطوط شده و بر لطف سلمی آفرین کرده و گفت همین وقت همراه این امیر برو و در خدمتکناری خایه هوشیار باش که خیلی طرا نمون کرده است [سلمی] بر حسب امری رئیس روانه شد و خود را آطله مهمی که در خاطر بخونخواهی پدر داشت حصص به قتل یزید این مطلوبه شد که بیرون نماند می میبوی را بر خود گواوا داشته او را از میان بردارد و در وقت یزید